



لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیہ



دوره جدید شماره ۱۶۷ آذرماه ۱۳۹۲
نشریه دفتر مطالعات و پژوهش‌های
مرکز رسیدگی به امور مساجد

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد مدیر مسئول: معاون فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد دبیر تحریریه: حسن علی آبادی سرویس منبر: یاسر شریعتی سرویس رواق: سیدعلی آقائی سرویس محراب: علی بانوشی سرویس شبستان: مهدی اخلاقی گروه مولفین: حجج اسلام طباطبائی وصفری، صمد نظری، حسن هرمز، سید مجتبی شعشعی، محسن گلپایگانی، کاظم میرزائی، محمدصادق احمدی، محمد توحیدی، سیدمحسن باقی زاده، محمدحسن جاویدی، محمدرضا آل غفور، علیرضا جمالی، محمدرضا نظری، علی قان بیلی، مسعود دیانی، علیرضا بشیری، علی صادقی سرشت، سید محمد طه موسوی گرافیکست و صفحه آرا: مهدی نقوی، احمد دیزرانی ویراستار: محمدباقر حقانی فضل شمارگان: ۳۰۰۰ آدرس: قم، بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل پلاک ۱۰۳، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۲۳۸۳۵-۶، نامبر: ۰۲۵-۳۲۹۲۳۸۳۷-۲۵، سامانه پیام کوتاه: ۰۲۵-۳۰۰۰۱۵۱۵۴۲ نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> پست الکترونیک: n.masjed@chmail.ir

رواق



- وهابیسم مسیحی در پوستین مبشر / ۲۰
- پر تو محبت در اسلام و مسیحیت / ۲۳
- پنطیکاستی / ۲۴
- دین یا ایدئولوژی / ۲۶
- تاثیر ادیان باستان بر مسیحیت / ۲۷
- دین و کارزار سمحه سهله / ۲۸
- دین ورزی به شرط فقدان شریعت / ۳۰
- سوگواری در ناصریه / ۳۱
- کدام فداکدان بخشایش / ۳۲
- اخبار ادیان / ۳۳
- معرفی کتاب / ۳۴

منبر



- بر عرشه منبر / ۴
- نمونه فیش / ۶
- تربت اعلا مال کربلا / ۱۳
- در یمنی پیش منی / ۱۵
- سرسفره ارباب / ۱۶
- معلم اخلاق تهران / ۱۸

شبستان



- من یک بسیجی هستم / ۵۲
- روشن شناسی در گفتمان انقلاب / ۵۴
- ماهیت جامعه عناصر جامعه سازی / ۵۸
- حقیقت مغفول / ۶۰
- اصطلاح شناسی / ۶۱
- تبادل فرهنگ یا تهاجم فرهنگ / ۶۲
- رحم را دریابید / ۶۳
- دو نقش در یک بوم / ۶۴
- درآمدی بر چیستی و چرایی شعر آئینی / ۶۵
- دفتر شعر / ۶۶
- عمان سامانی و شعر آئینی / ۶۷
- شاعری به نام مسکین / ۶۸
- مفهوم نقد دینی در سینما / ۶۹
- تحلیلی دیگر بر رسوائی / ۷۰
- ویژگیهای مدیران / ۷۲

محراب



- مسجد باید محور اداره مملکت باشد / ۳۶
- بانوان اسوه / ۳۸
- کفشهایی که... / ۳۸
- برابر نه دوبرادر دینی / ۳۹
- قانون نانوشته / ۴۰
- جمله عیب می بگفتی هنرش... / ۴۲
- همه زیر یک پرچم / ۴۳
- ظرفیت نامرئی / ۴۴
- رقیبی برای مسجد / ۴۵
- شور و شعور / ۴۶
- آنگاه که پرچمی افراشته شود / ۴۷
- خانه خدا / ۴۷
- بر سر خوان کرم / ۴۸
- نرم افزارهای مسجدی / ۴۹



رسانه بی‌زمان

«در اینجا باید یک سخنی هم در خصوص عزاداری و مجالسی که به نام حسین بن علی (علیه السلام) برگزار می‌شود بگوییم، ما و هیچ‌یک از دینداران نمی‌گوییم که با این اسم، هر کسی هر کاری می‌کند خوب است»^۱. گفتار فوق نمونه‌ای از دغدغه جدی زعماء و مراجع شیعه درباره رفتارها و سنت‌های خارج از چارچوب قواعد شرعی است که در موضوع نحوه عزاداری بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده است. این‌گونه بیانات در آثار شیخ اعظم و نیز دیگر بزرگان موجود است.

شرایط جامعه رسانه‌محور، امروزه بسیار متفاوت از ادوار گذشته است و اقتضائات خاصی دارد که باید نگاه تخصصی مرجعیت شیعه محور آن باشد تا معیارهای شرعی در همه موضوعات کاملاً اجرایی شود. بر این اساس سنت فزادمانی عزاداری بر مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) که در بین رسانه‌های تبلیغی دین، قوی‌ترین ابزار است، باید چارچوبی مستحکم و خدشه‌ناپذیر داشته باشد. سنت حسنه عزاداری در طول تاریخ به خصوص بعد از انقلاب اسلامی سرمایه‌ای گران‌بها برای ایجاد شور و شوق دینی بوده و هست. نگاهی کوتاه به حرکت‌های خودجوش مردمی و راهپیمایی‌هایی که در ایجاد انقلابی دینی مؤثر بوده است، گواه بر این مسئله است. پس از انقلاب اسلامی نیز جریان ساز واقعی حرکت نیروهای مردمی در حفظ موجودیت سیاسی نظام و همچنین پشتوانه اصلی دفاع مقدس همین ابزار سنتی - دینی عزای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بوده است.

این امتیازات بیشترین آسیب‌ها را متوجه این رسانه کرده است. اگر بخواهیم اساس آسیب‌های هیئتی را واکاوی کنیم، به یک مسئله می‌رسیم و آن دور شدن از متولیان، زعماء و مراجع دینی است. متأسفانه گمان برخی از هیئتی‌ها این است که چون هیئت به نام خامس آل عبا (علیه السلام) در حال برپایی است، لذا در انجام آن حتی می‌توان از چارچوب شریعت عبور کرد. این نگاه در بعضی موارد موجب پدید آمدن آسیب‌هایی همچون ورود موسیقی‌های لهوی و رفتارهای ناشایست شده است. شاید تنها راهکار پیشرو برای کم کردن این آسیب‌ها رو آوردن به ارتباط و مشورت است. پیش شرط این قدرت ارتباطی و رسانه‌ای را می‌توان در رفتار تبلیغی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یافت. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیانی فرمودند: «اخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْإِنْبِيَاءِ وَ مَشَاكَاةِ الضِّيَاءِ وَ دَوَابَّةِ الْعَلْيَاءِ وَ بَشْرَةَ الْبَطْحَاءِ وَ مَصَابِيحِ الظُّلْمَةِ وَ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ طَيِّبِ دَوَارٍ يَطْبُئُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَّةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عَمِي وَ أَذَانَ صَمِّمِ وَ السَّنَةَ بِكُمْ مَسْتَبِعٌ بِدَوَانِهِ مَوَاضِعَ الْعَقْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از درخت تنومند پیامبران، از سرچشمه نور هدایت، از جایگاه بلند و بی‌همانند، از سرزمین بطحاء (سرزمین بطحا، بین دو کوه ابو قیس و احمر را می‌گفتند که محل زندگی قریش بود)، از چراغ‌های برافروخته در تاریکی‌ها، و از سرچشمه‌های حکمت برگزید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طیبی است که برای درمان بیماران سیار است. مرهم‌های شفابخش او آماده، و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گذاخته، برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، آماده، و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است»^۲.

عالمان دین، به خصوص علمای بلاد که وارث حقیقی سنت عملی آن حضرت هستند، با ورود خود به مدیریت عزاداری‌ها و نظارت بر نحوه برگزاری آنها می‌توانند مانع اصلی صدمه دیدن و آسیب‌پذیری هیئت‌ها باشند.

در حقیقت برای بازگشت دوباره هیئت‌ها به روش‌های دینی و مسجدی، باید به سنت نبوی در راه تبلیغ دین رجوع کرد؛ باید همان‌گونه که آن اشرف انبیا و اکرم رسولان با مردم برخورد می‌کردند، از تباطو برقرار کرد تا آسیب‌های عزاداری، اصل دین را نابود نکند. عدم توجه به این آسیب‌ها زمینه‌ساز بروز انحرافات خواهد شد که حرث و نسل را با هم از بین خواهد برد؛ همان طوری که اگر مریضی نسبت به بیماری خود بی‌اعتنایی کند عاقبت هلاک خواهد شد.

پی نوشت:
کشف الاسرار؛ ص ۱۴۱.
نهج البلاغه؛ خطبه ۱۰۸.

فصل اول منبر

پیروزی غل و زنجیر بر کنگره های کاخ سبز

از مرحوم شیخ جعفر شوشتری نقل شده که دو مصیبت حضرت امام حسین (علیه السلام) را از پا انداخت. یکی تشنگی اطفال و دیگری اسیری اهل بیت. در محرم دل شیفندگان حسینی در کربلا سرگردان است و در صفر همراه با کاروان اسارت آل الله در بیچ و خم شام. چه بسا مصیبت شام از مصیبت کربلا اعظم است که امام سجاد فرمودند: «الشام، الشام، الشام». اگر محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر است، صفر ماه پیروزی غل و زنجیر بر کنگره های کاخ سبز است. اسلام شام اسلام اموی بود و شامیان اسلام را به قرأت معاویه بن ابی سفیان پذیرفته بودند و بر خلاف کوفیان که همجواری اهل بیت (علیهم السلام) بودند، در خارجی بودن خاندان عصمت تردید نداشتند. چون بذری که دل سنگ را می شکافت، سخنان پیامبران عاشورا؛ حضرت امام سجاد (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) دل سنگین شامیان را شکافت و کاخ سبز یزید را ویران ساخت.

این رویداد یک الگوی تبلیغی ناب و بی بدیل است. اگر مبلغان عالم و خالص و راسخ باشند و محتوای تبلیغی غنی و بی نقص، لاجرم تاثیر خواهد گذاشت حتی در جایی که دینشان دشمنی با اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

در این شماره علاوه بر ارائه تبیین مسأله یابی در سخنرانی و تعیین زاویه دید به مخاطب، نمونه فیش های سخنرانی و مرثیه تقدیم می شود. سایر مقالات نیز بر اساس مناسبت های قمری ماه ارائه شده است و در پایان به مناسبت سالگرد ارتحال پدر اخلاق تهران، مرحوم آقا مجتبی تهرانی (رحمه الله) به سیره اخلاقی و طبغی ایشان اشاره شده است. همچنان منتظر انتقادات شما ایم.

بر عرشه منبر
مسئله یابی
در سخنرانی

تربیت اعدا
مال کربلا

سر سفره
ارباب

نمونه فیش
روضه



بر عرشه منبر

مسئله‌یابی در سخنرانی

صمد نظری
استاد مرکز تخصصی تبلیغ

در موضوعاتی که برای سخنرانی، مناسب تشخیص داده می‌شوند، مسائل مختلف و متنوعی وجود دارد که بحث از همه آنها مورد نیاز مخاطبان نیست؛ برای مثال اگر تشخیص دهیم که لازم است برای دانشجویان رشته فیزیکی در موضوع «عدالت اجتماعی» سخنرانی کنیم و اتفاقاً در جای دیگری نیز ضروری دیدیم که برای کارگران یک کارخانه در همین موضوع سخن بگوییم، باید توجه داشته باشیم که موضوع «عدالت اجتماعی» شامل مسائل ریز و درشت فراوانی است که برخی از آنها برای دانشجویان و برخی دیگر برای کارگران و بعضی نیز برای هر دو گروه لازم و ضروری است.

سخنران بعد از تعیین مخاطب، هدف و موضوع سخنرانی، باید ببیند مخاطب او در موضوع مورد بحث چه مسائل و مشکلاتی دارد تا با ارائه راه حل‌های مناسب، مشکل وی را برطرف سازد. شناسایی این مسائل و مشکلات، در مسئله‌یابی انجام می‌شود.

تعریف مسئله‌یابی

«یافتن مسائل و مشکلات اساسی مخاطب نسبت به موضوع مورد نظر جهت ارائه راه حل مناسب».

هدف

۱. یافتن مسائل اساسی مخاطب در موضوع سخنرانی برای تأثیرگذاری بیشتر بر حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری او؛

۲. هدفمند و جهت‌دار شدن مطالعه درباره موضوع مورد نظر؛

۳. آشراف بر بحث؛

۴. «تعیین زاویه دید» به صورت دقیق‌تر و بهتر.

شناخت مسائل و مشکلات مخاطب نسبت به موضوع سخنرانی باید در سه حوزه شناختی، عاطفی-احساسی و رفتاری صورت گیرد تا پس از بررسی آنها بتوانیم به اهداف سخنرانی برسیم. برای حل مشکلات و مسائل اساسی مخاطب لازم است نقاط قوت و ضعف او نیز شناسایی شود.

البته در صورتی که مسائل و مشکلات زیاد باشند، لازم نیست در یک سخنرانی به همه آنها پرداخته

شود، بلکه ممکن است بر اساس اولویت، بعضی از آنها در یک سخنرانی و یا همه آنها در چند سخنرانی مورد توجه قرار گیرند.

لازم نیست در هنگام مسئله‌یابی، راه حل‌های نیز مشخص شود؛ زیرا فرض بر این است که فعلاً در صدد شناسایی مشکلات و مسائل هستیم. طبیعتاً سخنران پس از مطالعه و تفکر، راه حل‌های زیادی را به دست خواهد آورد و آنها را براساس اولویت در سخنرانی خویش ارائه خواهد کرد.

پس از مسئله‌یابی درباره موضوع بحث، به کشف رابطه بین این موضوع و موضوعات دیگر و مسائل مرتبط می‌پردازیم تا با مطالعه و تحقیق، جامع‌تر سخن بگوییم؛ مثلاً اگر از آرامش بحث می‌کنیم، باید رابطه آن با نقطه مقابلش یعنی اضطراب را نیز در نظر بگیریم و از آن نیز بحث کنیم. یا اگر از افسردگی بحث می‌کنیم، باید عوامل افسردگی و نیز شادی و نشاط را نیز مورد توجه قرار داده، از آنها نیز بحث کنیم. رابطه‌ها گاهی واضح است و گاهی پیچیده؛ مثلاً رابطه حجاب با محبت یا رابطه مهربانی با امر به معروف و نهی از منکر پیچیده است.

مراحل مسئله‌یابی

۱. یافتن مشکل مخاطب درباره موضوع مورد نظر:

نکته: در موضوعات منفی، مشکل خود موضوع و در موضوعات مثبت، مشکل انجام‌ندادن موضوع می‌تواند باشد.

۲. تفکر و نوشتن دلایل بروز مشکل در مخاطب؛ علت‌ها، زمینه‌ها یا ریشه‌های بروز مشکل را می‌نویسیم.

۳. نگرش مخاطب نسبت به موضوع:

یعنی در حال حاضر مخاطب چگونه به موضوع می‌نگرد؟ مثبت یا منفی؟ نگرش‌های منفی را طبق اولویت باید تغییر دهیم و از نگرش‌های مثبت استفاده کنیم و آنها را تقویت کنیم.

۴. آثار مثبت و منفی موضوع:

الف) منظور از آثار مثبت، هم آثار مثبت خود موضوع و هم آثار مثبت طرح موضوع می‌تواند باشد؛ طرح

موضوع آثاری دارد که خود موضوع آن آثار را ندارد؛ مثل اینکه اگر موضوعی مطرح شود، حتماً به دیگران انتقال می‌دهد و این انتقال دادن جزء آثار مثبت طرح موضوع است.

ب) منظور از آثار منفی فقط آثار منفی خود موضوع است.

نکته ۱: در موضوعات منفی، آثار منفی، آثار خود موضوع و آثار مثبت، آثار عکس موضوع است.

نکته ۲: در موضوعات مثبت، آثار مثبت، آثار خود موضوع و آثار منفی، آثار عکس موضوع است.

۵. آسیب‌شناسی بحث:

الف) آثار منفی مطرح‌کردن بحث مورد نظر؛

ب) شبهات درباره بحث مورد نظر؛

ج) موانع و مشکلات مطرح‌کردن بحث مورد نظر؛

د) موانع و مشکلاتی که مخاطب برای انجام عمل در موضوعات مثبت و ترک عمل در موضوعات منفی دارد.

۶. اولویت‌بندی:

بعد از یافتن مسائل اساسی، با توجه به اینکه می‌خواهیم بیشترین تأثیر را بر مخاطب بگذاریم، مسائل مهم‌تر را مشخص می‌کنیم و می‌نویسیم.

تعیین زاویه دید مناسب با مخاطب

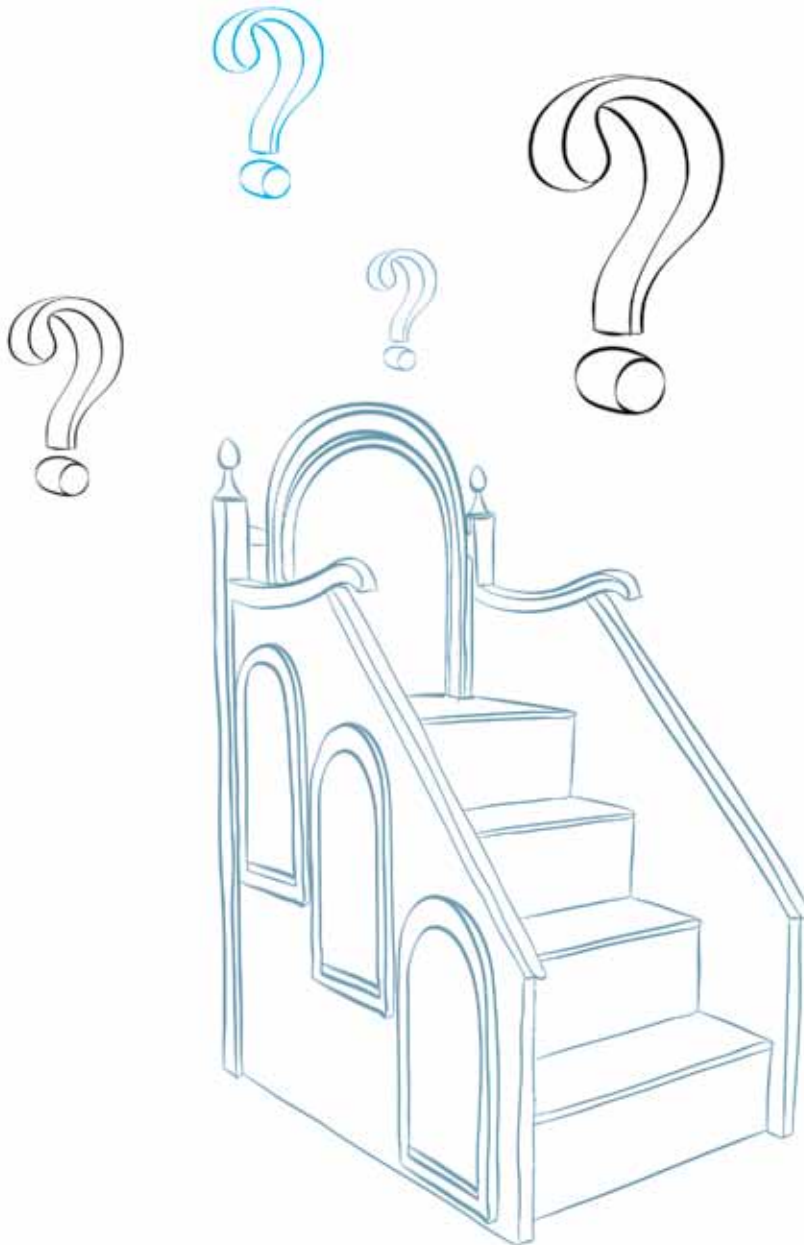
هر گروه از مخاطبان ما از محتواهای خاصی بیشتر تأثیر می‌پذیرند؛ پس بهتر است در هنگام سخنرانی از زاویه همان محتوا وارد بحث شویم تا تأثیرگذاری افزون شود. همچنین سخنرانی را می‌توان با روش‌های مختلفی اجرا کرد که هر یک از آن روش‌های اجرایی در شرایط خاصی بر مخاطبان خاص، اثر بیشتری می‌گذارند. در مرحله تعیین زاویه دید، قبل از سخنرانی و حتی پیش از مطالعه‌کردن برای سخنرانی، محتوا و روش اثرگذارتر بر مخاطب را مشخص می‌کنیم.

بنابراین تعریف تعیین زاویه چنین خواهد بود: «تعیین نوع محتوا و روش اجرایی اثرگذارتر بر مخاطب در سخنرانی».

محتوای تأثیرگذار بر مخاطب را می‌توان به صورت زیر تقسیم کرد:



سخنرانی را می‌توان با روش‌های مختلفی اجرا کرد که هر یک از آن روش‌های اجرایی در شرایط خاصی بر مخاطبان خاص، اثر بیشتری می‌گذارند. در مرحله تعیین زاویه دید، قبل از سخنرانی و حتی پیش از مطالعه کردن برای سخنرانی، محتوا و روش اثرگذارتر بر مخاطب را مشخص می‌کنیم.



الف) علوم متداول روز؛
ب) استدلالی خطابی؛
ج) تعبدی؛

د) ترکیبی از همه موارد و یا برخی از آنها. منظور از علوم متداول، مطالب برگرفته از علوم متداول و امروزی است که برخی از مخاطبان، از آنها بیشتر تأثیر می‌پذیرند، مثل محتوای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و ...

منظور از محتوای استدلالی خطابی، محتوای استدلالی مورد پذیرش مخاطب عمومی است که با بهره‌گیری از مقبولات و مشهورات و مسلمات و ... ارائه می‌شود؛ البته در سخنرانی دینی از برهان نیز در کنار استدلال‌های خطابی بهره‌گرفته می‌شود.

منظور از محتوای تعبدی، مطالبی است که مخاطبان تعبدی می‌پذیرند. کسانی که به قرآن و احادیث اهل بیت آشنایی بیشتری داشته باشند، به دلیل شناخت جایگاه قرآن و معصومان نسبت به این دو تعبد بیشتری دارند و چنین مطالبی را بدون چون و چرا می‌پذیرند.

پس اگر مثلاً برای دانش‌آموزان دبیرستانی سخنرانی می‌کنیم، ممکن است از زاویه علوم متداول و مورد پسند آنها وارد بحث شویم و با دید علمی (به اصطلاح آنان) به مطالب سخنرانی بنگریم و اگر برای مسجدی‌ها و یا طلاب حوزه‌های علمیه سخنرانی می‌کنیم، ممکن است قرآنی و تفسیری مطالب خود را ارائه کنیم.

البته نگاه علمی یا استدلالی به بحث، به معنای عدم استفاده از قرآن و روایات و مطالب تعبدی نیست، بلکه چنان‌که گذشت، سخنرانی بدون اشرف مواد آن، یعنی قرآن و سنت، نمی‌تواند سخنرانی دینی باشد. منظور این است که با نگاه علمی وارد بحث شویم تا مخاطب جذب شود و پس از زمینه‌سازی و ایجاد شرایط بهتر برای پذیرش قرآن و حدیث، مطالب نورانی و حیانی را به قلب و فکر مخاطبان ارائه کنیم. ♦

سه ضلع خوب زیستن در بیان امام کاظم (علیه السلام)

مرتضی ناصحی (طلبه سطح عالی حوزه)

ایجاد انگیزه

دنیا مقدمه‌ای است برای زندگی اخروی، اما همچنان به دنبال عمر طولانی برای کسب ثروت بیشتر است.

رفتار خود را به گونه‌ای شکل می‌دهند تا خود را مصداق آن قرار دهند. کسی که دنبال ثروت است، همیشه در پی ذخیره اموال زیاد است. هر چند که می‌داند زندگی

کمال طلبی یکی از خصلت‌هایی است که در وجود تمام انسان‌ها قرار دارد، و انسان‌ها در تلاش‌اند که همه چیز را در حد اعلائی آن به دست آورند. بنابراین در بسیاری از موارد،

اقناع اندیشه

است. چو شمع هر که به افشای راز شد مشغول بشش زمانه چو مقرض در زبان گیرد^۱

«وَمَنْ حَسَنَتْ نَيْتَهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ»
به شرطی که نیت پاک در عمل ما مشاهده شود، اعمال و عبادات ما در کیفیت رزق و روزی ما تأثیرگذار است. در فرمایش حضرت هم اشاره به این مطلب شده است که «هر کس نیتش را پاک و خیر کند، روزی‌اش زیاد می‌شود». در قرآن کریم وقتی خداوند می‌خواهد اولین ویژگی بهشتیان را معرفی کند، اشاره به احسان و کار نیک می‌کند. لازمه داشتن چنین صفتی، همانا داشتن نیت خیر است.

«لَذَيْنِ احْسَنُوا الْحَسَنَى وَزِيَادَهُ وَلَا يَرْهَقُ وَجْهَهُمْ فِتْرٌ وَلَا ذَلَّةٌ اُولَئِكَ اصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» نیکوکاران کسانی هستند که در قیامت بهترین زندگی را دارند و خداوند به آنها برسد و به چهره آنان گرد خواری ننشیند. آنان بهشتیانند که در آن جاودانند.^۲ پس کسی که نیت خیر داشته باشد خدا رزق و روزی وی را گشایش می‌دهد، جایگاه رفیعش همانا بهشت برین است، هیچ‌گاه به چهره‌اش گرد خواری نمی‌رسد و هیچ‌گاه دلیل نمی‌شوند.

«وَمَنْ حَسَنَ بَرَّهُ يَخْوَانَهُ وَاَهْلَهُ مُدْفِي عَمْرِهِ»
در نگاه امیر سخن علی (علیه السلام) نیکویی به خانواده و انسان‌ها یکی از نشانه‌های اهل دین و ایمان بر شمرده شده است.^۳ جالب اینکه این نشانه و صفت اهل دین، افزایش مدت عمر انسان را به همراه دارد. فراز آخر حدیث امام کاظم (علیه السلام) اشاره به همین مطلب دارند

حَسَنَ بَرَّهُ يَخْوَانَهُ وَاَهْلَهُ مُدْفِي عَمْرِهِ»^۱ این حدیث شامل سه بخش است که یک‌یک به بررسی آن خواهیم پرداخت. در دیدگاه امام، اگر کسی به دنبال این باشد که اعمالش در نزد خداوند بهترین باشد باید زبان خود را به راستگویی عادت دهد تا اعمال پاکیزه گردد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده: «إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا إِبْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ: هَمَانَا أَكْثَرَ خَطَايَا آدَمَ فِي زَبَانِهِ»^۲.
امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «تورات را خواندم و از آن کلمه‌ای برداشتم، مَنْ ضَمَّتْ نَجِي»^۳، یا در روایتی دیگر می‌فرماید: «سکوت گنجی پر ارج، زینت عاقل و پرده عیوب جاهل است». امام رضا (علیه السلام) نشانه‌های دانش اصیل را سه چیز بیان می‌کند: «حلم و بردباری، آگاهی و سکوت، که سکوت هم دری است از درب‌های ورود این قدر در لسان اهل بیت (علیهم السلام) توصیه و تأکید به حفظ آن شده است؟»

نکته‌ای که در جست‌ناگه از زبان همچو تیری دان که آن جست از کمان وا نگردد از ره آن تیر ای پسر بند باید کرد سیلی راز سر^۴

سکوت و خاموشی، داروی آفت‌های زبان انسان است؛ زبانی که اگر به جهل باز شود هم برای گوینده مضر است و هم برای شنونده. مولانا در شعر خود اشاره به همین مطلب دارد که زبان همچو کمانی است که سخن همانند تیر از آن رها می‌شود و اگر این تیر بر کسی بنشیند، هر دو طرف متضرر می‌شوند. پس وظیفه خطیر انسان‌ها، توجه به نگهداری زبان از سخن گفتن به جهل

انسان گاهی در راه کمال‌طلبی راه را اشتباه می‌رود که عمده دلیل آن هم، عدم داشتن الگوی مناسب است. اکنون سؤال اساسی این است که الگو و سرمشق مناسب برای رسیدن به کمال در مسیر زندگی دنیوی چیست؟ الگوی تربیتی در زندگی برای مسلمانان به قطع بزرگان دینی و مذهبی هستند. بنابراین شیعیان همیشه ایام ولادت این الگوهای رفتاری خود را جشن می‌گیرند. نکته ظریفی که باید به آن توجه کرد این است که ولادت به دو معنا است؛ نخست ولادت جسمانی که فرد از مادر خود به دنیا می‌آید و معنای دوم که به معنای خروج انسان از دنیای جهل و تاریکی و ورود به عالم نور و دانش است. بنابراین روز ولادت ائمه اطهار (علیهم السلام) به نوعی روز تولد تک‌تک شیعیان است.

در عصر حاضر، امام عصر (علیه السلام) نماد زنده و الگوی عصر کنونی است. آیا جامعه، آماده ظهور ایشان هست؟ اگر خانواده را به عنوان جامعه‌ای کوچک در نظر بگیریم، باید تمام هم و غم ما، توجه به الگوسازی صحیح دینی در این جامعه کوچک باشد تا در سایه آن، جامعه بزرگ اسلامی بتواند پذیرای وجود مقدس صاحب‌الزمان بشود.

ماه صفر با آنکه مثل محرم ماه اندوه و حزن آل‌الله است امام میلاد امام کاظم بهانه‌ای شد که در این ایام در محضر آن امام همام باشیم و از خرمن معرفتی ایشان خوشه‌ای ناچیز، اما بسیار گران‌قدر برچینیم. امام موسی کاظم (علیه السلام) در وصیت خود به هشام، می‌فرماید: «یا هشام مَنْ صدق لِسَانَهُ رُكِيَ عَمَلُهُ وَ مَنْ حَسَنَتْ نَيْتَهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ وَ مَنْ

ایام صادق علیه السلام مراد از «الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل» را خویشاوندان نزدیک دانسته‌اند.^{۱۰}

چو می خواهی ای مرد نیکی پسند که نامی بر آری به نیکی بلند یکی جامه در نیک نامی بیوش به نیکی دگر جامه‌ها می فروش^{۱۱}

برای کسی که قطع رحم کند، مجازات سختی در نظر گرفته شده است. در این باره خداوند در قرآن، این گونه می فرماید: «الذین ینقضون عهدهم اللّٰه من بعد میثاقه و یقطعون ما املوا به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار»^۹ ملعون خدا و رانده درگاه است کو عهد خدا شکست و پیوند گسست

که نیکی به خانواده، باعث افزایش عمر انسان خواهد شد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «انسانی که صله رحم می کند، خداوند عمر سه ساله او را به سی و سه سال افزایش می دهد؛ در مقابل، انسانی که قطع رحم می کند، خداوند عمر سی ساله او را به سه سال یا کمتر از آن کاهش می دهد»^۸. همان طور که از حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله بر می آید

رفتار سازی

آورد. صله رحم؛ آن قدر در مورد دور شدن خودمان از فامیل و خویشاوندان در این دنیای ماشینی گفته ایم و شنیده ایم که همیشه در خاطر اتمان از شیرینی و لذت جمع شدن فامیل، لذت می بریم. راستی ما امروز چگونه دنبال حس کمال جویی خود می رویم؟ آیا توانسته ایم الگوی خود را سیره اهل بیت قرار دهیم؟ آیا توانسته ایم جامعه کوچک خود (خانواده) را منتظر واقعی امام زمان علیه السلام کنیم؟^{۱۰}

زبان؛ امام پیشنهاد می دهد که از حقوق زبان مثل راستگویی، سکوت و ... استفاده کنیم. وقتی انسان می تواند و حق هم دارد که سکوت کند، چه لزومی هست تا با سخن بپهوده، علیه خود مسئله ای را ایجاد کند. نیت خیر؛ امروزه مباحث بسیاری در مورد انرژی مثبت، نگاه مثبت، فکر مثبت و ... در جامعه مدرن پدید آمده است که همه این موارد به نیت خیر بازمی گردد؛ چراکه دلی که بیمار است یا نیتی که پلید و بد است، هیچ گاه نمی تواند انرژی مثبت یا نگاه مثبت را پدید

امام کاظم علیه السلام با علم لدنی خود، به سه نوع کمال جویی انسان ها اشاره و راه کارهایی ساده اما بسیار کار آمد را ارائه کرده اند. حس کمال جویی غالب انسان ها، بر روی پاکی عمل، افزایش روزی و طول عمر بیشتر پایه گذاری شده است که امام علیه السلام با تکیه بر وجود این حس در ذات انسان، بر نگهداری از زبان، داشتن نیت خیر و نیکی کردن به دیگران تأکید می کنند. این سه مسئله در دنیای امروز به شدت مورد نیاز و احتیاج مردم است.

۱۰. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۵۶.
۱۱. نظامی؛ خمسه؛ شرف نامه، بخش ۳۶، گشودن اسکندر دز دربند را به دعای زاهد.

۵. دیوان حافظ؛ قصیده ۳.
۶. یونس؛ ۲۶.
۷. تحف العقول؛ ص ۲۱۱.
۸. وسائل الشیعه؛ ج ۲۱، ص ۵۳۷.
۹. رعد؛ ۲۵.

پی نوشت:
۱. تحف العقول؛ ص ۳۸۸.
۲. کنز العمال؛ ج ۳، ص ۵۴۹.
۳. اصول کافی؛ ج ۲.
۴. مولوی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بخش ۸۹.

چگونه زاهدانه زندگی کنیم

حسن هرمز
طلیبه سطح سه مرکز تخصصی تبلیغ

ایجاد انگیزه

▲ آستانه تحمل

طبیعت زندگی با دشواری‌ها و رنج و مشکلات همراه است. عناصر آفرینش انسان نیز با بنای درد و غم و دشواری تشکیل یافته است. این رنج‌ها و سختی‌ها و دردها، پله‌های نردبان ترقی و رشد و

تکامل هستند.

صاحبان قلب و دارندگان عقل و شعور، زندگی را تنها به خوردن و خوابیدن و لذت و شهوت معنا نمی‌کنند. اینان می‌دانند که مدت حادثه، اندک و گره سخت‌گشودنی است و درد و رنج، بدون شک پایان یافتنی

است؛ اما آنان که در بلاها و سختی‌ها، عنان صبر و تحمل را رها می‌کنند، از رسیدن به اهداف عالی خود باز می‌مانند. یکی از راهکارهایی که آستانه تحمل را بالا می‌برد آگاهی از اهمیت و تفکر بر آثار بردباری است.

اقناع اندیشه

▲ مجوز بهشت

تحمل ناخوشایندها

«قال عیسیٰ علیه السلام للحواریین: یقدر ما تَصْبِرُونَ هَاهُنَا تَسْتَرِبْحُونَ هَاهُنَا، وَیَقْدِرُ مَا تَسْتَرِبْحُونَ هَاهُنَا تَصْبِرُونَ هَاهُنَا: حضرت عیسیٰ ﷺ خطاب به یارانش فرمود، به همان میزان که در این دنیا استراحت می‌کنید در آن دنیا به سختی می‌افتید و به همان اندازه که در این دنیا به سختی می‌افتید در آن دنیا راحت هستید»^۱

امام باقر ﷺ درباره امور ناخوشایند و صبر در برابر آن می‌فرماید: «الْجَنَّةُ مَخْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ وَ جَهَنَّمَ مَخْفُوفَةٌ بِاللذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أُعْطِيَ نَفْسَهُ لَذَّتْهَا وَ شَهَوَاتَهَا دَخَلَ النَّارَ: بهشت در لابه‌لای ناملایمات و شکیبایی پیچیده شده، پس آن کس که در دنیا در برابر ناملایمات شکیبایی کند [و از وسوسه‌های گناه و شهوات صرف نظر نماید] داخل بهشت می‌شود. و جهنم در لابه‌لای لذات و شهوات گناه آلود پیچیده شده، پس هر کس نفس خود را در برابر اینگونه لذات و شهوات آزاد بگذارد، داخل آتش می‌شود»^۲

امام صادق ﷺ نیز درباره ویژگی‌های مؤمنان می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزْأِ، تَبُوتٌ عِنْدَ الْمَكَارِهِ: مؤمن به هنگام حوادث تکان دهنده آرامش دارد و در برابر امور ناخوشایند ثابت قدم است»^۳

این حوادث تکان دهنده گاه مصائب، گاه حملات دشمن، گاه بیماری‌های صعب‌العلاج، و گاه زلزله‌ها و طوفان‌های سخت و

طاقت‌فرساست. مؤمن در مقابل تمام این حوادث همچون کوه استوار و ثابت قدم است و به کمک ایمانش در مقابل طوفان‌ها، وقار خود را حفظ می‌کند.

در ادامه حدیث حضرت می‌فرمایند: «صَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ»؛ یعنی مؤمن به هنگام بلا و حوادث دردناک که دامنگیر هر انسانی می‌شود، بی‌تابی و بی‌قراری نمی‌کند، جزع و فرع نمی‌نماید؛ بلکه صبر را پیشه خویش می‌سازد، تا از امتحان الهی سرفراز بیرون آید.

آنچه از کلام امام ﷺ آمد، همان چیزی است که در روایات اسلامی تحت عنوان «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»^۴ دیده می‌شود. این حدیث که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است نشان می‌دهد هر قدر انجام طاعات و اعمال خیر از نظر جسمانی یا روحی سنگین‌تر باشد، فضیلت و ثواب آن بیشتر است. «أَحْمَرُ» از ریشه «حَمَزٌ» در لغت به معنای گزندگی، تندگی، تیزی، سختی و سوزندگی چیزی است و این تعبیر نشان می‌دهد که اعمال پرزحمت، گزنده و سخت در پیشگاه خدا ارزش بیشتری دارد؛ زیرا نیروی بیشتری از نظر جسم و روح برای انجام آن لازم است.

این نیرو همیشه جنبه جسمانی ندارد، مانند پای پیاده به زیارت خانه خدا رفتن در شرایطی که دلیل بر عظمت این برنامه می‌شود، و در بسیاری از اوقات جنبه روحی دارد؛ مثلاً «اخْلَاصُ نَيْتٍ» به گونه‌ای که کمترین شائبه غیر خدا در آن نباشد کار آسانی نیست یا تواضع و خضوع در آنجا که با روح سرکش آدمی نمی‌سازد کار بسیار سختی است.

▲ رهایی از جهنم کنترل شهوات

قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا: هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است»^۵

امام صادق ﷺ می‌فرماید: «لَا تَدْعُ النَّفْسَ وَ هَوَاهَا، فَإِنَّ هَوَاهَا فِي رَدَاهَا، وَ تَزَلُّ النَّفْسَ وَ مَا تَهْوَى دَانَهَا، وَ كَفَّ النَّفْسَ عَمَّا تَهْوَى دَوَاهَا: نفس را با هوا و هوس‌ها رها مکن؛ چرا که هوای نفس سبب مرگ نفس است و آزاد گذاردن نفس در برابر هواها درد آن است، و باز داشتن آن از هوا و هوس‌هایش دوی آن است»^۶

نه تنها جهنم، زائیده هواپرستی است، بلکه جهنم‌های سوزان دنیا، همچون ناامنی‌ها، بی‌نظمی‌ها، جنگ‌ها، خونریزی‌ها، جدال‌ها، و کینه‌توزی‌ها همه ناشی از آن است. بسیاری را می‌بینیم که چنان اسیر مقام‌اند که برای حفظ آن به هر گناه، جنایت و ذلتی تن می‌دهند و برخی چنان اسیر مال و شهوات‌اند که برای حفظ آن همه کرامت انسانی خود را بر باد می‌دهند؛ ولی پرهیزگاران که در خط معصومان گام برمی‌دارند، حتی از چنان خویش می‌گذرند و فریاد «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» سر می‌دهند.

▲ عاقبت بردباری در برابر شهوات

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «مردی خاندان خود را به کشتی سوار کرد و به دریا اندر شد و کشتی آنها شکست. از سرنشینان کشتی جز همسر آن مرد نجات نیافت. او بر تخته پاره‌ای از کشتی بر نشست و موجش به یکی از جزیره‌ها برد. در آن جزیره مردی راهن بود که همه کارهای ناشایسته را کرده، همه غدق‌های خدا را شکسته بود. چیزی ندانست جز اینکه آن زن بالای سرش آمد و ایستاد، سر به سوی او برداشت و گفت: آدمی زاده هستی یا پری؟ گفت: آدمی زاده‌ام. با او سخنی نگفت و به او در آویخت و میان دو رانش نشست، به مانند شوهری با زن خود. آن چون آهنگ او کرد، آن زن به خود لرزید. آن راهن گفت: چرا بر خود می لرزی؟ در پاسخ گفت: از این می ترسم و با دست خود اشاره به آسمان کرد. آن مرد گفت: چنین کاری کرده‌ای؟ گفت: نه به عزت او سوگند. مرد راهن گفت: تو چنین از خدای ترسی با اینکه از این هیچ نکردی و من اکنون تو را به زور بر آن داشتم. به خدا که من خود بدین ترس و

هراس از تو شایسته‌ترم.

برخاست و نزد خاندان خود رفت و همتی جز توبه و بازگشت نداشت. در راه راهبی رهگذر با او برخورد و به همراه هم می رفتند و آفتاب آنها را داغ کرد. راهب به آن جوان گفت: دعا کن تا خدا با ابری، سایه بر ما اندازد، آفتاب ما را می سوزاند. آن جوان گفت: من برای خود در درگاه خدا حسنه‌ای نمی دانم که دلبری کنم و از او چیزی خواهم. راهب گفت: پس من دعا کنم و تو آمین بگو. راهب شروع به دعا کرد و جوان آمین می گفت و چه زود ابری بر آنها سایه انداخت و زیر سایه آن مقدار بسیاری از روز راه رفتند تا راه آنها جدا شد و دور راه شد. آن جوان از یک راه رفت و راهب از یکی دیگر. به ناگاه آن ابر بر بالای سر آن جوان رفت. راهب گفت: تو از من بهتری، دعا برای تو اجابت شده و برای من اجابت نشده؛ داستان خود را به من بگو. جوان خبر آن زن را گزارش داد. راهب گفت: آنچه گناه در گذشته کرده‌ای، برایت آمرزیده شده، برای ترسی که به دلت افتاده باید بنگری در آینده چونی».^۷

▲ راهکار افزایش تحمل

در لسان ادعیه اظهار عجز در برابر خدا و توجه به عظمت بلا بای آخرت راهکاری مناسبی برای افزایش تحمل است؛
 «رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَيَّ أَهْلِيهَا، عَلَيَّ أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتَهٌ يَسِيرٌ بِقَاتِهِ قَصِيرٌ مَدْتَهُ فِكَيْفَ اِحْتِمَالِشِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلٌ وَقُوعُ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدْتَهُ وَيَدُومُ: پروردگار بخشنده من، تو ناتوانی مرا در برابر اندک رنج و عذاب دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که بر اهل آن می رسد می دانی. با آنکه رنج و عذاب و ناملایمات دنیا ماندگاریش اندک، دوامش کم و زمانش کوتاه است، پس چگونه رنج و عذاب آخرت و سنگینی و بزرگی ناملایمات آن را تحمل کنم، در حالی که رنج و عذاب آخرت زمانش طولانی و جایگاهی همیشگی؟»^۸

پی نوشت:

۱. الدر المنثور؛ ج ۲، ص ۲۰۶.
۲. الکافی؛ ج ۲، ص ۸۹.
۳. بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۲۷.

۴. همان؛ ج ۶۷، ص ۱۹۱.
۵. شمس؛ ۹-۱۰.
۶. الکافی؛ ج ۲، ص ۳۳۶.
۷. أصول الکافی؛ ترجمه کمره‌ای؛ ج ۴، ص ۲۱۳.

مرثیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله

سید مجتبی شعشعی
طلیبه سطح سه مرکز تخصصی تبلیغ

مقدمه

زیرنامه یا شعر یا آیه یا روایت:
صلی الله علیه و آله یا رسول الله، یا امام
الرحمة، یا سیدنا و مولانا، انا توجهنا و
استشفعنا و توسلنا بک الی الله، و قدمنا
عندالله.
بین یدی حاجتانا. یا وجهها عندالله اشفع لنا

پرورش مرثیه با شعر

دو ماه برای جگر گوشه پیامبر اشک ریختیم
و ناله کردیم؛ اما امروز آمده ایم در خانه
رسول الله تا این عزاداری ها را به تأیید
ایشان برسانیم. اگر آقا این نوکری را تأیید
کنند، کار ما حل خواهد شد.
امشب شب غم پروری دارد مدینه
حال و هوای دیگری دارد مدینه
امشب علی دست دعا بالا بگیرد
اشک یثیمی از رخ زهرا بشوید
امشب فضای آسمان ها اشک بار است
شهر پیمبر را غمی در انتظار است

پایان عمر رحمة للعالمین است
آغاز غم های امیرالمؤمنین است
از همین جا دل هایمان را روانه کنیم مدینه،
همان مدینه ای که مانده است، غم گرفته
است. بیایید امشب با حضرت زهرا هم ناله
بشویم. همان زهرایی که وقتی رسول خدا
در این لحظات آخر اشک چشمانش را
دیدند، فرمودند: فاطمه جان نزدیک بیا.
فرمودند:
لا تبکی... :گریه نکن بابا. فداک ابوک:
بابا به قربانت. مرحوم مجلسی این طور

نوشته است: حضرت جمله ای به دخترشان
فرمودند که فاطمه خوشحال شد. فرمودند:
فاطمه جان گریه نکن. این فراق و جدایی
طولی نخواهد کشید. تو اولین کسی هستی
که بعد از من به من ملحق می شوی.
گفتا که مخور غم از جدایی
آزرده ز رفتنم چرایی؟
من می روم از جهان و لیکن
تو نیز جز اندکی بیایی

اوج مرثیه

می خواهیم عرض کنیم یا رسول الله حتی در
آن لحظات آخر عمرتان هم به فکر فاطمه
بودید؛ اما نبودید ببینید بعد از شما این قوم
چگونه حق رسالت را ادا کردند. آنچنان بین
در و دیوار زهرا را آزرده اند که فریادش بلند
شد: یا ابتاه انظر هکذا یفعل بحبیبتک.

پایان با آیه یا شعر یا دعا

من آن کلمه که نبی درک ارزشم می کرد
به پیش چشم خلایق مدام سفارش می کرد
سفرشات نبی رهگشای مرگم شد
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

- منابع:
۱. مقتل چهارده معصوم (ج ۱).
۲. قمی، شیخ عباس؛ منتهی الامال؛ ج ۱.
۳. علامه مجلسی؛ جلاء العیون.

مرثیه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

سید مجتبی شمشعی
طالبه سطح سه مرکز تخصصی تبلیغ

مقدمه

زبار تمامه یا شعر یا آیه یا روایت و یا:
السلام علیک یا ابامحمد یا حسن ابن علی ایها
المجتبی یا بن رسول الله یا حجة الله علی
خلقه یا سیدنا و مولانا انا توجهننا و استشفعنا و
توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجتنا
یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله ...

عالم امروز پر از ماتم و رنج و محن است
گرد غم بر سر هر محفل و هر انجمن است
این چه شوری است که برپا شده در ارض و
سما؟
این چه سوز است که در سینه هر مرد و زن
است؟
هر که را می نگری رخت عزا کرده به بر
دیده پر آب و جگر خون و سیه پیرهن است
بانگ و فریاد به گوش آید از افلاک مگر
رحلت ختم رسولان و عزای حسن است؟
جانم حسن جانم حسن، ای جان جانانم حسن

متن مرثیه

هر دختری که بود پریشان کلاله کرد
یا رب به اهل بیت ندانم چه سان گذشت
آن روز شد عیان که رسول از جهان گذشت^۴

شیر صدوق^۱ در امالی این گونه نقل
می کند: امام صادق^۲ فرمودند: روزهای
آخر عمر امام مجتبی، برادرشان اباعبدالله
آمدند دیدن برادر تا حال برادرشان را
این طور دیدند که رنگ بر چهره ندارند، زهر
کارگر شده، بدن ضعیف و رنجور گردیده.
از تاب رفت و طشت طلب کرد و ناله کرد
و آن طشت را ز خون جگر باغ لاله کرد
خونی که خورده در همه عمر از گلو بریخت
خود را تهی ز خون دل چند ساله کرد
نبود عجب که خون جگر شدش به جام
عمریش روزگار، همین در پیاله کرد
نتوان نوشت قصه درد و مصیبتش
ور می توان ز غصه هزاران رساله کرد
زینب درید معجر و آه از جگر کشید
کلثوم زد به سینه و از درد ناله کرد
هر خواهی که بود روان کرد سیل خون

آقا امام حسین شروع کردند گریه کردن. امام
حسن فرمودند: یا اباعبدالله به لم تبکی؟
برای چی داری گریه می کنی؟ امام حسین
فرمودند: بر احوال شما دارم اشک می ریزم.
آن وقت امام حسن فرمودند: آنچه به من
خواهد رسید، زهری است که با نیرنگ به
من خوراندند و من با آن کشته می شوم؛ اما
لا یوم کیومک یا ابا عبدالله. هیچ مصیبتی
مثل مصیبت تو نیست برادر جان. اینجا
امام حسن هم دارند برای غربت برادرشان
روضه می خوانند. برادرم روزی می رسد که
سی هزار مرد! که ادعا می کنند از امت جد

پایان

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

دشمنت کشت ولی مهر تو خاموش نگشت
آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

منابع:

۱. ترجمه مقتل چهارده معصوم^۳؛ ج ۱، ص ۳۹۶.
۲. گلچین احمدی؛ ج ۱، ص ۸۲.
۳. شیخ صدوق؛ امالی؛ ص ۱۰۱، ج ۳.
۴. وصال شیرازی.

مرثیه حضرت امام رضا علیه السلام

سید مجتبیٰ شعلشی
طلیبه سطح سه مرکز تخصصی تبلیغ

مقدمه (ز بار تنامه یا شعر یا آیه یا روایت)

اغنیا مکه روند و فقرا سوی تو آیند
جان به قربان تو مولا که تو حج فقرایی
جانم رضا جانم رضا، ای جان جانانم رضا

بین یدی حاجاتنا یا وجیها عبدالله اشفع لنا
عندالله...
ای غریبی که ز جد و پدر خویش جدایی
خفته در خاک خراسان تو غریب الغرابی

السّلام علیک یا ابالحسن یا علی بن موسی
اینها الرضا یا ابن رسول الله یا حجة الله
علی خلقه یا سیدنا و مولانا اینا توجهنا و
استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قدمناک

متن مرثیه

از مدینه به اینجا آورده، خودش هم مرا
از در بسته وارد کرده. فهمیدم این جوان
ابن الرضا، جواد الاثمه هستند. وارد حجره
شدند. سر بابا را به دامن گرفتند در لحظات
آخر، چشم امام به جمال فرزندشان روشن
شد اما
لا یوم کیومک یا ابا عبدالله

الرأس. امام سر خودشان را پوشانده بودند.
دنبال امام راه افتادم. رسیدیم منزل.
حضرت فرمودند: درهای خانه را ببند.
امام داخل حجره شدند. اباصت می گوید:
من وسط حیاط ایستاده بودم. یک مرتبه
دیدم جوانی خوش سیما وارد حیاط شد.
سؤال کردم: من که درها را بسته بودم،
شما چگونه وارد شدید؟ جواب شنیدم که
فرمود: کسی که مرا به یک چشم به هم زدن

اباصت می گوید: امام رضا به من فرمودند:
اباصت، من امروز می روم به این مهمانی؛
اما وقتی برگشتم اگر سرم را پوشانده بودم،
با من سخن بگو؛ ولی اگر سرم را پوشانده
بودم، با من حرف نزن. امام وارد مجلس
مامون شدند، اباصت می گوید بی قرار و
نگران منتظر امام بودم تا از جلسه بیرون
بیایند؛ اما همین که امام از مجلس بیرون
آمدند، دیدم خاکم به سر فخرخ مغطی

اوج مرثیه

آمد و سر جوانش به دامن گرفت.
یا حسین یا حسین یا حسین

ای عاشقان اهل بیت اینجا پسر به بالین پدر
آمد؛ اما کربلا این قضیه برعکس شد، پدر

پایان

آب غسل تو ز خون، تیر و نیزه کفنت
جای سالم نبود به تمام بدنت

ای فروغ بصرم ای چراغ سحرم
از چه خاموش شدی علی اکبر پسرم

منابع:
۱. مقتل چهارده معصوم علیهم السلام؛ ج ۳، ص ۳۹۹.



معرفت

تربت اعلیٰ مال کربلا

محسن گلپایگانی
دانشجوی دکتری دین شناسی

یکی از اعتقادات شیعیان که مستند به روایات معصومین است، این است که چهارده معصوم همگی در فضائل و مناقب و کمالات یکسان هستند. همان گونه که امام صادق (ع) در این رابطه می فرماید: «خلقت، علم و فضیلت ما یکی است و همه ما نزد خداوند متعال یکی هستیم، اولین ما محمد و میانه ما محمد و آخرین ما محمد است»^۱.

هر یک از معصومین خصوصیات و امتیازات ویژه‌ای دارند که به حسب زمان و مکان و موقعیت و مأموریت‌هایی که از جانب خداوند متعال بر عهده هر یک از آنان نهاده شده، فرق می‌کند؛ مانند لقب امیرالمؤمنین (ع) که مخصوص حضرت علی (ع) است و دادن این لقب به دیگر امامان معصوم طبق روایات ممنوع است.

ویژگی‌های خاص امام حسین (ع)

در بین ائمه طاهرين، حضرت امام حسین (ع) امتیازات و ویژگی‌های منحصر به فرد و فوق العاده‌ای دارند که جلالت و بزرگی این امتیازات نه تنها خود حضرت را در بر گرفت، بلکه زیارت و زائران و حتی تربت پاک آن حضرت را هم شامل می‌شود.

ابن عباس از پیامبر اکرم (ص) روایتی نقل می‌کند که فرمود: «ای پسر عباس هر که او را با معرفت به حقیقت زیارت کند برای او ثواب هزار حج و هزار عمره است»

و هر که او را زیارت کند، مرا زیارت کرده و هر که مرا زیارت کند، گویا خدا را زیارت کرده و برای زیارت کننده خدا است که او را به آتش عذاب نکند، هر آینه اجابت [دعا] زیر قبه اوست و شفا در تربتش می‌باشد و امامان از فرزندان او هستند»^۲.

نیز در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «خداوند به جهت شهادت حسین (ع) چهار ویژگی به آن حضرت اعطا کرده: تربت او را شفا قرار داده است، دعا تحت قبه آن حضرت را مستجاب قرار داده است، ائمه (ع) از ذریه او هستند و مدت زیارت زائر آن حضرت، از ایام عمر زائر محسوب نمی‌شود»^۳.

در یکی از زیارات امام حسین (ع) در روز عاشورا آمده است: «السَّلامُ عَلٰی مَنْ جَعَلَ اللّٰهُ الشِّفَاءَ فِی تَرْبَتِهِ، السَّلامُ عَلٰی مَنْ الْاِجَابَةُ تَحْتَ قَبْتِهِ، السَّلامُ عَلٰی مَنْ الْاِئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ: سَلامٌ بِرِکْسِيْكَ خَدَاوْنِدْ شِفَا رَا دَر تَرْبَتِ اَوْ، اِجَابَتِ دَعَا رَا تَحْتَ قَبِهْ اَوْ وَاِئِمَّةٌ رَا اَزْ ذَرِيَهْ اَوْ قَرَارِ دَادَهْ اَسْت»^۴.

در روایتی دیگر پیامبر اکرم (ص) خطاب به امام حسین (ع) فرمود: «شِفَاءُ اُمَّتِيْ فِی تَرْبَتِكَ وَاِئِمَّةٌ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ: شِفَاءُ اُمَّتِ مَنْ دَر تَرْبَتِ تُوْ وَاِئِمَّةٌ اَزْ ذَرِيَهْ تُوْ هَسْتَنْد»^۵.

امام باقر (ع) در جواب سؤال سائلی درباره فضایل حضرت اباعبدالله الحسین، فرمودند: «اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی عَوَّضَ الْحُسَيْنِ مِنْ قَتْلِهِ اَنْ جَعَلَ الْاِمَامَةَ

فِی ذُرِّيَّتِهِ وَ الشِّفَاءَ فِی تَرْبَتِهِ وَ اِجَابَةَ الدَّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِه: خداوند در عوض شهادت امام حسین (ع)، امامت را در ذریه آن حضرت، اجابت دعا را نزد قبر آن حضرت، شفا را در تربتش قرار داده است و مدت زمانی که یک زائر صرف رفتن و برگشتن کند، از عمرش محسوب نمی‌شود»^۶.

از روایاتی که ذکر شد این نکته برداشت می‌شود که خداوند متعال، در عوض شهادت حضرت اباعبدالله الحسین، چهار ویژگی خاص را به ایشان عطا کرده است:

انتقال مقام امامت به نسل امام حسین (ع): از متون دینی و روایات استفاده می‌شود که امامان معصوم توسط خداوند به امامت و رهبری منصوب شده‌اند؛ یعنی خود ائمه و یا مردم در انتخاب آنان نقش نداشته‌اند؛ زیرا خداوند مصلح و مفسد مردم را می‌داند و کسانی را برای رهبری گزینش می‌کند که لیاقت داشته باشند: «اللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۷.

بنابراین امامت بر اساس شایستگی اعطا شده و این شایستگی‌ها در فرزند امام حسین (ع) وجود داشت.

البته این سخن بدان معنا نیست که امامت اصلاً در نسل امام حسن (ع) قرار داده نشده است؛ بلکه باید گفت که مادر حضرت امام باقر (ع)، دختر امام حسن مجتبی (ع) است؛ بدین ترتیب امام باقر (ع) از جانب پدر به امام حسین (ع) می‌رسند و از جانب مادر به امام



«خداوند متعال تربیت جدم حسین را شفای هر درد و ایمنی از هر خوفی قرار داده است؛ پس هرگاه یکی از شما خواست از آن خاک تناول کند، بیوسد و آن را به چشم گذارد و بر سایر اعضای بدنش تماس دهد».



حسن علیه السلام. به همین دلیل ائمه بعدی، هم از نسل امام حسین اند و هم از نسل امام حسن. البته اگر امامت از نظر پدری در نسل امام حسین علیه السلام است، بنابر مصلحتی است که شاید یکی از علت‌های آن - طبق روایاتی که ذکر شد - پاداش شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا است.

شفا در تربیت امام حسین علیه السلام: در روایت پیشین به بن امر تصریح شد که خداوند به پاس قدردانی از کاری که امام حسین علیه السلام انجام داد، تربیتش را شفای دردها قرار داده است. در روایات به آثار و برکات این تربیت پاک اشاره شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

الف: تأثیر نیکوی تماس اعضای بدن با تربیت: امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال تربیت جدم حسین علیه السلام را شفای هر درد و ایمنی از هر خوفی قرار داده است؛ پس هرگاه یکی از شما خواست از آن خاک تناول کند، بیوسد و آن را به چشم گذارد و بر سایر اعضای بدنش تماس دهد».^۸

ب: سجده بر تربیت: یکی دیگر از برکات تربیت امام حسین علیه السلام این است که سجده بر آن تربیت پاک حجاب‌های ظلمانی را کنار می‌زند و در توجه حق تعالی به نمازگزار مؤثر است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «همانا سجود بر تربیت حسین علیه السلام حجاب‌های هفتگانه را پاره می‌کند».^۹

ج: شفا یافتن: از جمله آثار و برکات قطعی تربیت پاک سیدالشهدا علیه السلام شفا بودن آن برای دردها و آلام انسان است. امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که نزد سر حسین علیه السلام تربیت سرخی است که شفای هر دردی غیر از مرگ است».^{۱۰}

نیز امام رضا علیه السلام فرمود: «خوردن گل، مانند خوردن مردار و خون و گوشت خوک، حرام است؛ مگر گل مزار حسین علیه السلام، به درستی که در آن شفای هر درد و امنیت از هر ترسی است».^{۱۱}

د: تأثیر کام برداشتن اطفال با تربیت: کام برداشتن اطفال با تربیت امام حسین علیه السلام موجب ایمنی کودک می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «کام فرزندان را با تربیت حسین علیه السلام باز کنید که آن امان است».^{۱۲}

ه: تأثیر تربیت همراه جنازه: نقل است که در زمان حضرت صادق علیه السلام زن هرزه‌ای بود و بچه‌هایی که از زنا به دنیا می‌آورد در تنور می‌انداخت و می‌سوزانید. پس از مرگ زمین جنازه‌وی را نمی‌پذیرفت تا اینکه به اشاره امام صادق علیه السلام، مقداری از تربیت امام حسین علیه السلام را کنار جنازه گذاشتند و زمین جنازه را قبول کرد.^{۱۳}

و: تسبیح تربیت: از حضرت صاحب الزمان علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر کس تسبیح تربیت امام حسین علیه السلام را در دست گیرد و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود».^{۱۴}

استحباب دعا نزد قبر سیدالشهدا علیه السلام: استحباب دعا از جمله امتیازاتی است که در روایت پیش به آن تصریح شد. در روایتی بین شده است که امام هادی علیه السلام در

زمان بیماری، کسی را به حائر حسینی فرستاد، تا برای شفای حضرتش در آن جادعا کند. ابوهاشم جعفری که از اصحاب امام هادی علیه السلام است، می‌گوید: «وقتی امام هادی بیمار بود به من فرمود که کسی را برایم به حائر حسینی بفرستید تا دعا کند. ابوهاشم این ماجرا را به علی بن بلال گفت. او گفت: امام هادی خود حائر حسینی است؛ یعنی دارای حرمت است. ابوهاشم باز نزد امام برگشت و ماجرای دیدارش با علی بن بلال را بازگو کرد. حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله که حرمت او و هر مامنی بزرگ‌تر از حرمت خانه خدا است، کعبه را طواف می‌کرد و حجرالاسود را می‌بوسید و خدای سبحان به او فرمان داده بود که در عرفه وقوف کند».^{۱۵}

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس دو رکعت کنار قبر حسین علیه السلام بخواند، از خداوند چیزی را مستثمن نکند جز اینکه به او عطا شود».^{۱۶} از فضایل دیگر بارگاه حضرت این است که آنجا یکی از مکان‌هایی است که در آن مسافر بین نماز شکسته و کامل مخیر است. این مسئله در رساله مراجع آمده است و روایاتی هم در این زمینه وجود دارد.^{۱۷}

فضل بسیار زیارت اباعبدالله الحسین: بر اساس روایات فراوان، زیارت امام حسین، بسیار پرفضیلت است و ثواب‌ها و برکات بی‌شماری دارد. از جمله آنکه زیارت وی از عمر زائر محسوب نمی‌شود، زیارت آن حضرت مانند زیارت خداوند در عرش اوست، ثواب زیارتش مساوی است با نود حج و عمره مقبول رسول الله و...^{۱۸} ◆

پی‌نوشت:

۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ ج ۳۶، ص ۳۳۹.
۲. بحرانی، سیدهاشم؛ الإنصاف فی النص علی الأئمه الاثني عشر من آل محمد علیهم السلام؛ ترجمه رسولی محلاتی؛ قم؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ص ۲۹۹.
۳. حلی، ابن فهد؛ عده الداعی؛ قم؛ مکتبه الوجدانی، ص ۴۸.
۴. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۹۸، ص ۳۱۸.
۵. مازندرانی، ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب؛ نجف (۱۳۷۶)؛ مطبعه الحیدریه؛ ج ۳، ص ۲۳۵.
۶. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۴۴، ص ۲۲۱.
۷. انعام؛ ۱۲۴.
۸. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ قم؛ موسسه آل البيت لاحیاء التراث؛ ج ۴، ص ۱۰۳۳.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ج ۴، ص ۵۸۸.
۱۰. جعفر ابن قولویه؛ کامل الزیارات؛ موسسه النشر الاسلامی؛ ص ۲۷۲.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ تحقیق خراسان؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ج ۶، ص ۷۴.
۱۲. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۱۰۳۳.
۱۳. همان.
۱۴. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۴۴، ص ۲۸۰.
۱۵. جعفر ابن قولویه؛ پیشین؛ ص ۴۵۸-۴۵۹.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ قم؛ دارالتقافه؛ ص ۳۱۷.
۱۷. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۸۶، ص ۸۸.
۱۸. برای آگاهی از فضایل زیارت حضرت ر. ک به کامل الزیارات نوشته جعفر ابن قولویه.



معرفت

در یمنی پیش منی

سیری در سیره اویس قرنی
به مناسبت سالروز شهادتش

سیدعلی آقایی (طلبه سطح عالی حوزه)

عشق! کلمه‌ای آشنا. شدت علاقه اگر به مرحله کمال رسید دیگر عاشق چیزی جز معشوق نخواهد دید و چیزی جز او درک نخواهد کرد. عاشق فقط و فقط به معشوق می‌اندیشد و اینجاست که این جمله معنا پیدا می‌کند «در یمنی پیش منی»!

آری! اویس قرنی، «آن قبله تابعین، آن قیدوه اربعین، آن آفتاب پنهان، آن هم نفس رحمان، آن سهیل یمنی یعنی اویس قرنی»، همان نماد عاشقی است که شیخ عطار وی را چنین توصیف کرده است. کسی که سعادت را در دنیای مادی جست‌وجو نکرد. همان اویسی که برخی از شب‌ها را شب رکوع می‌نامید و با یک رکوع، شب را صبح می‌کرد و شبی را شب سجد نامیده، با یک سجده، شب را به پایان می‌برد. گفتند: «ای اویس! این چه زحمتی است که به خود روا می‌داری؟». گفت: «کاش از ازل تا ابد یک شب بود و من آن یک شب را با یک سجده صبح می‌کردم»^۱.

روزی پیامبر ﷺ به اصحاب خود فرمود: «در امت من مردی است که به عدد موی گوسفندان قبائل ربیع و مضر، او را در قیامت شفاعت خواهد بود!». اصحاب سؤال کردند: او کیست که چنین مقامی دارد؟ حضرت فرمود: «بنده‌ای از بندگان خدا». گفتند: ما همه بندگان خداییم! نام او چیست؟ فرمود: «اویس قرنی». باز پرسیدند: آیا او تو را دیده است؟ فرمود: «به چشم سر و دیده ظاهر ندیده است؛ چرا که در یمن است و به جهاتی نمی‌تواند نزد من بیاید. ولی با دیده باطن و چشم دل همیشه پیش من و من نزد او هستم!»^۲. در میان اعراب حجاز هیچ قبیله‌ای به اندازه دو قبیله ربیع و مضر دارای گوسفند نبوده است و هرگاه کسی می‌خواست عدد کثیری بگوید به گوسفندان آن دو

قبیله مثل می‌زد؛ اما نکته ظریف در مثال حضرت رسول ﷺ اشاره به موی گوسفندان ایشان است که دور از دسترس و شمارش انسان‌ها است و به حق نشان از منزلت شأن اویس است که بی‌حد و حصر به شفاعت خواهد پرداخت.

اویس بن عامر بن جزء بن مالک قرنی معروف به اویس قرنی در نجد دیده به جهان گشود. تا آخر عمر مبارکش در سال ۳۷ هجری، در قرن یمن ساکن بود تا اینکه در آن سال نزد امیرمؤمنان علی (ع) آمد و در رکاب آن حضرت در جنگ صفین، شاهد شیرین شهادت را نوشید. اویس روزگار خویش را با شتربانی و چوپانی می‌گذراند. از دار دنیا، لباسی پشمی داشت و تنها انسان زندگی‌اش مادرش بود که او هم زمین‌گیر بود. با اندک درآمد خود، روزگار خود و مادرش را تأمین می‌کرد. هر چند عاشق بی‌قرار رسول اکرم ﷺ بود، اما قضا هیچ‌گاه وفق مرادش نشد. برای معشوق پیغام فرستاد که اشتیاق وافر به دیدار تو دارم، اما مادر پیرو و علیم را چه کنم؟ حضرت فرمود: «تیمارداری و پرستاری از مادر افضل بر زیارت من است و از مادر پرستاری کن. من در عالم رسالت همیشه به سراغ تو خواهم آمد، نگران نباش چون در یمنی پیش منی». با این حال روزی از مادرش برای دیدار با رسول الله ﷺ کسب اجازه کرد و مادر چون بی‌قراری فرزند را می‌فهمید، اجازه داد فقط نیمی از یک روز را در مدینه بماند. اما چه سود که اویس هرگز موفق به دیدار پیامبر ﷺ نشد. آن روز پیامبر خارج از مدینه بود و اویس به عهد خود با مادر پایبند ماند و بی‌وصال یار به یمن بازگشت. حضرت با مراجعت به مدینه فرمود: «من بوی بهشت را از قرن استشمام می‌کنم».

که محمد گفت بر دست صبا از یمن می‌آیدم بوی خدا بوی رامین می‌رسد از جان و بیس بوی یزدان می‌رسد هم از اویس او اویس و از قرن بوی عجب مر نبی را مست کرد و پرترب چون اویس از خویش فانی گشته بود آن زمینی آسمانی گشته بود^۳

سال‌ها به همین منوال برای عاشق و معشوق می‌گذشت تا زمان ارتحال جانشور معشوق رسید. پیامبر خدا ﷺ تمام لباس‌های خود را به اطرافیان بخشید؛ اما نگاه‌ها همه به مرقع شریف ایشان بود که بی‌شک به عزیزترین فرد نزد پیامبر ﷺ می‌رسید. حضرت پس از اندکی تأمل، فرمود: «مرقع را به اویس قرنی بدهید». باز هم عظمت شأن مرد یمنی عیان شد.

اویس را باید به حق مصداق این آیه شریفه دانست که «و من یطع الله و رسول و اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً»^۴؛ چه آنجا که به امر رسول خدا ﷺ پرستاری از مادر را به دیدار معشوق ترجیح داد، چه آنجا که عاشقانه پا در رکاب وصی النبی به بهشت نائل آمد.

روزی خلیفه دوم دستور داد اویس قرنی را بیاورند تا ببینند که اویس کیست که پیامبر ﷺ این قدر از او یاد می‌کرد. او می‌پنداشت که اویس انسانی است با لباس‌های فاخر و جواهرات گران‌بها! وقتی او را دید با تعجب پرسید: این است کسی که پیامبر سجده‌های طولانی او را بارها می‌ستود؟^۵

سر سفره ارباب

آداب منبر و روضه خوانی

کاظم میرازی
طلبه سطوح عالی حوزه علمیه قم

پیشگفتار

عالمان دینی و روحانیت به سبب امر صریح قرآن موظف به فراگیری و تفقه در دین و تبلیغ آن هستند.^۱ بی‌شک تبلیغ دین از سوی عالمان دینی با سختی و پیچیدگی همراه است و هر شخصی تِوان انجام آن را ندارد و می‌توان آن را یک مهارت کاملاً تخصصی دانست.

عالمان دینی برای انتقال مفاهیم و معارف الهی باید از لحاظ محتوایی و روشی تسلط کافی داشته باشند تا موجبات پیشرفت و تعالی جامعه را فراهم کنند. برای تبلیغ و ارائه معارف الهی راه‌های مختلفی تعریف شده است که برخی از آنها سنتی و برخی از آنها متناسب با زمان و عصر خود هستند.

یکی از روش‌های مؤثر ارتباط، ارتباط مستقیم‌گوینده با مخاطب است. منبرهای تبلیغی از قدیم تا کنون در میان مردم مرسوم بوده و جایگاه ارزشمندی دارند. آگاهی دادن درباره مسائل دینی و معارف الهی و هشدار و تذکر درباره مسائل روز، یکی از مهم‌ترین اهداف در این منابر به حساب می‌آید.

هر چند منبری شدن برای یک عالم دینی و روحانی شغل محسوب نمی‌شود؛ اما در کنار محتوایی سخنرانی باید مهارت‌های خاصی فراگرفته شود و اهل منبر باید آداب آن را به نحو احسن رعایت کنند تا اثر منبر در نزد مخاطبان زیاد شود. دریافت حق الزحمه نیز از آداب منبر است و باید در دریافت آن از سوی عالمان دینی دقت کافی صورت پذیرد؛ چراکه بی‌توجهی به این مسئله مهم می‌تواند محتوا و اثرات ارزشمند منبر را کم‌رنگ کند. در این نوشتار کوتاه سعی شده است برخی از آداب این مسئله بررسی شود.



روزی پیامبر ﷺ به اصحاب خود فرمود: «در امت من مردی است که به عدد موی گوسفندان قبائل ربیع و مضر، او را در قیامت شفاعت خواهد بود». اصحاب سؤال کردند: او کیست که چنین مقامی دارد؟ حضرت فرمود: «بنده‌ای از بندگان خدا». گفتند: ما همه بندگان خداییم! نام او چیست؟ فرمود: «اویس قرنی».

حُسن آیت روح است، به نازک بدنی نیست اویس در آثار بزرگان اهل معرفت، در زمره اولیا و مردان حق که در نهایت تقوا و اخلاص و دلدادگی بوده‌اند، است؛ اما با تمام این توصیفات مردم قبیل‌ه‌اش او را دیوانه می‌پنداشتند و با وی همچون دیوانگان رفتار می‌کردند. اگر کسی سراغ اویس را می‌گرفت، می‌گفتند او دیوانه‌ای است که در آبادی نیاید و با کسی سخن نگوید. غم و شادی برایش مفهومی ندارد. اگر مردم بخندند او می‌گرید و اگر مردم بگریند او می‌خندد.^۶

غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد ساقیا باده بده شادی آن کاین غم ازوست پادشاهی و گدایی بر ما یک‌سان است که برین در همه را پشت عبادت خم ازوست آری! مجانبین جامعه، عاقل خود را نمی‌شناختند. اویس عاقلی بود که در زندگی مادی‌اش مرارت و ملامت فراوان کشید و چشید. نقل شده که به هر کوی و برزی می‌رفت، مردم جور دیگری با او معامله می‌کردند. کودکان، همیشه این مرد خدا را سنگ می‌زدند؛ اما، نهایت شکایت و سخن این عارف دلداه حق شناس، فقط این جمله بود: «ساقی‌های من باریک است. سنگ کوچک‌تر اندازید تا پای من خون آلود نشود و از نماز نمانم که مرا غم نماز است نه غم پای».^۸

پی‌نوشت:

۱. ابی محمد حسن بن محمد دیلمی؛ ارشاد القلوب؛ قم؛ شریف رضی (۱۴۰۹)؛ ج ۲، ص ۳۸.
۲. فریدالدین عطار؛ تذکره الاولیاء؛ به تصحیح محمد استعلامی؛ تهران؛ زوار (۱۳۸۲)، ص ۱۹.
۳. مولانا؛ مثنوی معنوی؛ دفتر چهارم.
۴. نساء؛ ۶۹.
۵. آیت‌الله مشکینی؛ «اخلاق اسلامی»؛ مجله تربیت؛ شماره ۲۹ (خرداد ۶۷)؛ ص ۸.
۶. فریدالدین عطار؛ پیشین؛ ص ۲۸.
۷. غزلیات سعدی؛ غزل ۱۳.
۸. فریدالدین عطار؛ پیشین؛ ص ۲۸.

اخلاص

اخلاص از کلیدی‌ترین مسائل منبر، وعظ و خطابه است؛ چراکه هر قدر اخلاص در کار بیشتر باشد اثر منبر آن بیشتر خواهد بود. علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُصْحَبِ الْإِخْلَاصَ عَمَلَهُ لَمْ يُقْبَلْ؛ عمل هر کس که با اخلاص همراه نباشد، قبول نمی‌شود».^۲

روحانیون باید منبرهای خود را مزین به اخلاص گردانند و با تفکر به پول بیشتر منبر نروند. اگر حسن ظن به پروردگار دارند و او را بهترین روزی دهنده می‌دانند^۳ این تفکرات آلوده را از اذهان خود باید پاک گردانند.

توجه به پاکت و پول یک نگاه جنبی و عارضی است. هر چند باید از سوی صاحبان مجالس از زحمات منبر تقدیر شود، اما ایجاد یک بازار رقابتی و چشم و هم‌چشمی برای حق الزحمه سم بسیار مهلکی است که اهالی منبر را تهدید می‌کند.

عدم تعیین مبلغ

آفت بزرگی که برخی از اهالی منبر دچار آن هستند، تعیین مبلغ منبر و به نوعی نرخ‌گذاری برای منبر است. هر چند تمامی مراجع متفق‌القول هستند که تعیین مبلغ حرام شرعی نیست؛ اما





بعضی از روضه خوان‌ها می‌گویند به برکت اهل بیت (ع) ما خانه داریم، به برکت اهل بیت (ع) زندگی مرفهی داریم. این چه حرف زشتی است شما می‌زنید؟ آن یهودی بی‌دین که بیش از شما و صد برابر شما دارد. آیا برداشت شما از امام حسین (ع) و از اهل بیت (ع) همین خانه و ماشین و زندگی است؟

۱. تهمت قرار می‌دهد.
۲. توجه به مسائل مادی، اخلاص، اعتماد و تقدس مبلغ را خدشه‌دار می‌کند.
۳. منبر شغل نیست و پاداش آن قابل شمارش نیست و نباید امر آسمانی را زمینی کرد.
۴. در مورد پول منبر نه صریحاً و نه تلویحاً سخنی گفته نشود.
۵. پول برای اهل منبر عزت‌آور نیست که هر چه کم باشد عزت کم و هر چه بیشتر باشد عزت بیشتر شود.

پی‌نوشت:

۱. توبه: ۱۲۲.
۲. شرح غرر الحکم: ج ۵، ص ۴۱۸.
۳. سبا: ۳۹.
۴. شیخ عباس قمی: منتهی‌الأمال؛ ج ۱، ص ۸۷۴-۸۸۰.
۵. ماهنامه خیمه.
۶. مناقون: ۸.
۷. نساء: ۱۲۹.
۸. فاطر: ۱۰.
۹. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۱۱۲.

▲ عزت نفس

عزت نفس یکی از نعمت‌هایی است که خداوند متعال به تمامی انسان‌ها عنایت کرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ولله العزّة و لرسوله و للمؤمنین: عزّت، مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است».^۶ پس چگونه است برخی به دلیل مبالغ‌اندک دنیایی عزت خود و شأن منبر و محتوای سخنرانی را پایین می‌آورند و گاهی اوقات به دست آوردن عزت را در جایی غیر خود جست‌جو می‌کنند! قرآن به شدت آنان را از این کار نهی می‌کند: «ایبتغون عندهم العزّة فان العزّة لله جميعا: آیا آنان عزت را نزد غیر خدا می‌جویند، [با اینکه] قطعاً همه عزت نزد خداست».^۷ نیز در قرآن می‌خوانیم: «من كان يريد العزّة فلله العزّة جميعا: کسی که خواهان عزت است [باید از خدا بخواهد؛ چرا که] تمام عزت برای خدا است».^۸

امام باقر (ع) نیز فرمودند: «طلب الجوائز إلى الناس استلاب للعزّة... و الیأس عمّا فی آیدئ الناس عزّ المؤمن فی دینه: حاجت خواستن از مردم، موجب سلب عزت خواهد شد، و قطع امید از آنچه در دست مردم است، مایه عزت مؤمن در دینش می‌باشد».^۹ حق‌الزحمه‌ای که اهالی منبر آن را دریافت می‌کنند باید همراه با عزت نفس باشد تا شأن روحانیت با این مسائل خدشه‌دار نشود.

▲ نتیجه

می‌توان در یک جمع‌بندی مسائل مالی منبر را این‌گونه جمع‌بندی کرد:
۱. دخالت مستقیم در تعیین پول، روحانی را در موضع

ایشان این کار را شایسته ندانسته و اهالی منبر را از این کار نهی می‌کنند. این نکته را باید به مردم یاد آور شد که مساعدت‌های قابل توجهی از سوی ائمه معصومین نسبت به مرثیه سرایان ابا عبدالله صورت می‌گرفت. امام صادق (ع) به اشجع سلمی به سبب خواندن دو بیت شعر چهارصد درهم و انگشتری به قیمت ده هزار درهم عطا کرد. امام رضا (ع) به دعبل و ابراهیم به سبب قصیده‌شان به هر کدام ده هزار درهم بخشید. حکایات این‌گونه عطا یا از ائمه معصومین به مرثیه سرایان و شاعران و نشر دهندگان فضایل اهل بیت (ع) کم نیست.^۴

تعیین مبلغ برخی اوقات در انتخاب منبر تأثیرگذار است. به همین دلیل برخی از مجالسی که از توان مالی کم برخوردار هستند با مشکل سخنران مواجه هستند. برخی اوقات نیز با اعلام حساب خود، درخواست واریز وجه می‌کنند که این کار نیز اشتباه بزرگی است. حجت‌الاسلام و المسلمین فرحزاد از مرحوم آقای دولابی نقل می‌کنند که ایشان می‌فرمودند: «بعضی از گوینده‌ها یا روضه‌خوان‌ها یا مداح‌ها می‌گویند به برکت اهل بیت (ع) ما خانه داریم، به برکت اهل بیت (ع) زندگی مرفهی داریم. ایشان فرمودند: این چه حرف زشتی است شما می‌زنید؟ آن یهودی بی‌دین که بیش از شما و صد برابر شما دارد. آیا برداشت شما از امام حسین (ع) و از اهل بیت (ع) همین خانه و ماشین و زندگی است؟ این خیلی حرف بدی است. هیچ‌وقت دین و مذهب را وسیله ارتزاق دنیا و مادیات نباید قرار دهیم و این صدمه بزرگی است که اگر مقصد بهترین سخنران و بهترین مبلغ و مداح، پول و دنیا باشد، هیچ اثری ندارد؛ بلکه اثری معکوس دارد».^۵



هویت طلبگی

معلم اخلاق تهران

سیری در سیره آقا مجتبی تهران در آستانه سالگرد عروجش

مهیا زاهدین لیاف
کارشناس ارشد ارتباطات بین الملل

جدید را بر سر روحانیت می‌زند که شما چیزی از دانش و علم نمی‌دانید. گاهی هم به دلیل مدرک‌گرایی‌ای که باب شده و می‌گویند اگر فلان مدرک را نداشته باشید، هیچ چیز نمی‌دانید، باید اول دانشگاه بروید و دروس دانشگاهی را بخوانید. دروس حوزوی خواندن دیر نمی‌شود.

حجت الاسلام پور محمدی از شاگردان آیت الله تهرانی وی را از نوادر روزگار معرفی می‌کند و می‌گوید زندگی و تلاش علمی و اخلاقی ایشان در راه امام حسین علیه السلام صرف شد. وی آخرین توان جسمی خود را در راه امام حسین علیه السلام گذاشتند و با نیمه‌جانی سه شب اول محرم را منبر رفتند و پس از آن به بیمارستان بازگشتند که به رحلت ایشان منجر شد.

این مرجع عالی قدر پس از چهل سال تلاش صادقانه در نشر معارف اسلامی و ترویج مکتب حقه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در دی ماه سال ۱۳۹۱ بعد از گذراندن یک دوره طولانی بیماری و پس از تحمل فشارها و صدمات ناشی از آن، در آستانه اربعین سالار شهیدان به سوی مولای خویش سفر کرد و در صحن و سرای حضرت عبدالعظیم حسنی آرام گرفت.

آشنایانش می‌گویند آن قدر خود را از نامدار شدن و رسانه‌ای شدن روزگار رسانه‌ای روحانی‌ها پرهیز داده بود که خیلی از مردم همین تهران هم او را نمی‌شناختند. او از خود می‌گذشت و چه حالی می‌آفرید در اخلاق فردی و جمعی این شهر بی‌اخلاق. پای منبرش که می‌نشستی، سخنانش ناب و راستین بود. از آلودگی‌ها و حرف‌های زائد سیاسی که در این سه دهه اخیر در منبرها رایج شده بود، خبری نبود. منبر پیامبر را به جان سخن پیامبر آراسته بود. حرف سیاسی‌اش را هم جانانه از کلام رسول و اهل بیت علیهم السلام می‌گذاشت توی دلت. آن قدر ساده و صمیمی بر خورد می‌کرد که همه او را «آقا مجتبی» می‌نامیدند؛ نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد. ◆

مهیا زاهدین لیاف ۱۴/ آبان ۱۳۹۲

کشید و با حضور در صحنه نیروسازی برای انقلاب، همچنان به صورت گمنام و مؤثر به تربیت نیروهای جوان و کارآمد برای انقلاب اسلامی پرداخت.

آشنایانش می‌گویند خیلی مرید داشت؛ اما مریدباز و مریدپرور نبودند. مریدانش حاضر بودند هر کاری برایش انجام دهند؛ زیرا حیات معنوی‌شان را مدیون وی می‌دانستند. همیشه سعی در گمنام بودن و گمنام زیستن داشت. تنها رفت و آمد می‌کرد و اگر کسی در مسجد جامع دنبالش راه می‌افتاد از او می‌پرسید کاری دارید؟ مسیر را از سر بازار تا مسجد پیاده می‌رفت؛ با این حال خیلی از بازاری‌ها او را نمی‌شناختند.

به روحانیونی که از ایشان می‌پرسیدند چه کسی باید ملبس شود می‌گفت: «آنهايي که می‌خواهند در لباس روحانیت ملبس شوند؛ اگر از جهت علمی ده سؤال از آنها کردند باید حداقل شش یا هفت تا را بلد باشند؛ چون اگر نعوذ بالله اشتباه بگویند، و ا مصیبت است و اگر بگویند بلد نیستیم هم که درست نیست.»

معتقد بود: «کسی که لباس می‌پوشد باید عرفیات طلبگی را رعایت کند و یک سری مباحثات را ترک کند. در ملا عام خیلی باید رعایت کند و جوری نباشد که این لباس تحقیر شود.» «عمامه که به سر گذاشتی، تاروی تابوت باید با تو باشد وگرنه ملبس نشو.» اهل دعوت کردن به خدا بود؛ نه به خود. در مباحثش بارها گفته بود شما که کار دینی و فرهنگی و تبلیغی می‌کنید، دارید به خودتان دعوت می‌کنید یا به خدا؟ او به خدا دعوت می‌کرد و برای همین برایش مهم نبود که چه کسی خوشش می‌آید و چه کسی خوشش نمی‌آید. در این مسائل حر و آزاد مرد بود و حرفی که احساس می‌کرد مورد رضایت خداست و تکلیف شرعی‌اش بود را می‌گفت؛ ولو اینکه به مذاق یک عده خوش نمی‌آمد.

حجت الاسلام و المسلمین علی تهرانی دومین پسر آیت‌الله مجتبی تهرانی، ایشان را فردی زاهد و ساده زیست معرفی می‌کند که نسبت به هدایت و راهنمایی جوانان احساس مسئولیت می‌کرد و باور داشت جامعه‌ای درست ساخته می‌شود که جوانان آن درست تربیت شوند. فرزند آیت‌الله تهرانی می‌گوید که حاج آقا اصرار داشتند، هم بنده هم اخوی اول وارد دانشگاه شویم و بعد سراغ حوزه برویم. ایشان باور داشتند در این دوره و زمانه چماق بی‌اطلاعی نسبت به علوم

«عجیب‌تر از سال‌های پیش آمد. دائم می‌گفت مرادعا کنید؛ شاید سال بعد نباشیم. آخر مجلس عمامه و عبا را در آورد و گفت: همه چیز به کنار؛ مرجعیت و علم و همه چیز به کنار، امسال می‌خواهم خودم روضه بخوانم. من روضه خوان نیستم؛ اما امسال می‌خواهم برایتان روضه بخوانم. عجیب حالش دگرگون بود و حال همه را دگرگون کرد و رفت.»

اینها خاطرات یکی از دوستداران آیت‌الله مجتبی تهرانی است از آخرین مراسم شب قدری که ایشان برگزار کرد. بسیاری از آشنایان به مرام و مسلکش او را پدر اخلاق تهران، استاد مسلم اخلاق، فقه و فلسفه می‌دانند.

در سال ۱۳۱۶ در تهران به دنیا آمد و در دامن خانواده‌ای اهل علم و معرفت پرورش یافت. پدرش آیت‌الله میرزا عبدالعلی تهرانی، از شاگردان حاج‌شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود. تحصیل در علوم دینی و حوزوی را از دوران کودکی آغاز کرد. پنج ساله بود که به مکتب رفت و در ده سالگی بخشی از مقدمات را در مدرسه حاج ابوالفتح تهران گذراند. وی به همراه پدر خود برای مدت سه سال در مشهد به گذراندن دروس مقدمات مشغول شد. سال ۱۳۳۴ ش در هجده سالگی به قم مهاجرت کرد و در محضر علمای بزرگی چون آیت‌الله عظمی بروجردی، آیت‌الله عظمی گلپایگانی، علامه طباطبایی، آیت‌الله داماد، آیت‌الله فرید و امام خمینی علیهم السلام به تحصیل پرداخت. ۲۵ ساله بود که به درجه رفیع اجتهاد رسید و توانست از نزدیکان امام علیه السلام قرار گیرد. مقبولیت علمی‌اش نزد امام، به‌اندازه‌ای بود که ایشان به طلبه جوان خود اجازه داد تا تقریرات و نوشته‌های درس بیع‌شان را جمع‌آوری کند و به صورت یک اثر مستقل منتشر نماید. در همین ایام، کتاب مکاسب محرمة امام علیه السلام و همچنین دو جلد رسائل اصولی ایشان را تنظیم و منتشر کرد.

پیش از انقلاب به دلیل شرایط موجود رساله‌ای که از حضرت امام در دست مردم بود، حاوی اغلاط و اشتباه بود. حاج آقا مجتبی تهرانی مأمور به جمع‌آوری فتاوا و تنظیم صحیح‌ترین نسخه از رساله عملیه و مناسک حج امام علیه السلام گردید. ایشان نسخه تصحیح شده را در سال ۱۳۴۳ به چاپ رساند.

بعد از پیروزی انقلاب بنا به خواست شخصی‌اش، با دعا به درگاه خدای متعال و توسل به حضرات معصومین، خود را از قبول مسئولیت‌های اجرایی کنار

فصل دوم رواق

تاریخ دیانت مسیحیت، سرگذشتی است که به عقیده تجسم الهی در جسد انسان ختم شده است. هر چند در ادیان دیگر نیز کم و بیش این عقیده آشکار شده است، اما در هیچ یک از آنها تمرکزی که در مسیحیت بر این آموزه می‌شود، دیده نمی‌شود. شخص حضرت عیسی علیه السلام، روشن‌ترین ظهور در ذات الهی در میان مسیحیان است و این دین در کنار عیسی معنا پیدا می‌کند؛ تا جایی که متون مقدس ایشان هم حول همین محور - تأملات خاص در مورد زندگی حضرت عیسی، مرگ و رستاخیز وی - در گردش است.

از سویی دیگر وجود پیروان زیاد این دین، موجب پیدایی مبلغان بیشتری برای مسیحیت شده است، که در هر جا و در هر زمانی، در پی تبلیغ این دیدگاه هستند. هر چند تالی فاسد این دیدگاه، برای اندیشمندان دینی کاملاً روشن است، اما شناساندن آن به زبان ساده برای مردمی که اطلاعات دینی کمتری دارند، ضرورتی انکارناپذیر است.

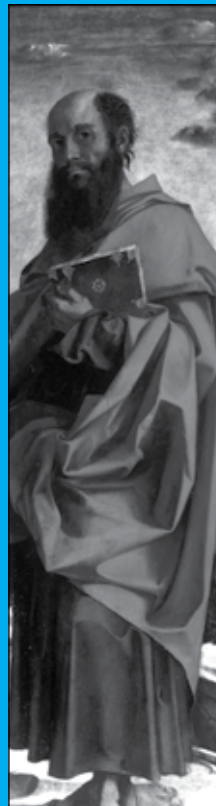
امروزه حضور شوم، اما فعال مسیحیت تبلیغی و تبشیری در ایران اسلامی، که دل در گرو جذب قشر تحصیل کرده دارد، یکی از دغدغه‌های اصلی دلسوزان اسلام است. این مسئله ما را بر آن داشت تا در این شماره سعی کنیم فارغ از عقاید ویرینی و زیبایی تبلیغی ایشان، نمایی کلی از این آیین و تضادهای درونی آن، ارائه کنیم؛ هر چند مسیحیت تبشیری خود فصلی جداگانه می‌طلبد که به فضل الهی در شماره‌های بعد به آن، خواهیم پرداخت.

وهابیسم
مسیحی در
پوستین مبشر

پنطیکااستی

ایدئولوژی
دین یا

دین‌ورزی به
شرط فقدان
شریعت



وهابیسم مسیحی در پوستین مبشر مصاحبه با حجت الاسلام طباطبایی

مرتضی ناصحی (کارشناس علوم سیاسی)

حجت الاسلام سید محمدرضا طباطبایی سال‌ها است که در مسئله ادیان مخصوصاً مسیحیت به فعالیت پرداخته است. بررسی مسئله تبشیر در این شماره، ما را بر آن داشت تا برای غور در اطراف این مسئله، ساعتی را در محضر ایشان باشیم. ایشان فارغ‌التحصیل سطوح عالی حوزه علمیه قم، مدرس تاریخ ادیان در حوزه و دانشگاه، عضو هیئت مدیره برخی از مراکز فعال در عرصه ادیان بوده و تالیف چند عنوان کتاب از دیگر فعالیت‌های علمی ایشان است.

معنا و جایگاه تبشیر در مسیحیت چیست؟

برای بررسی و درک تبشیر مسیحیت در دوره مدرن، ابتدا باید دو اصطلاح تبشیر و تنصیر را تعریف نمود؛ تبشیر یعنی بشارت دادن به یک سری آموزه‌های دینی، و تنصیر به معنای نصرانی‌سازی است. مسیحیت اصطلاح تبشیر را، در فضاهای اسلامی و عربی خیلی به کار می‌برد و کمتر از آن واژه تنصیر استفاده می‌کند، زیرا اساس تبشیر در کتاب مقدس آماده است. انجیل یعنی بشارت. اما این بشارت در برداشت اسلامی آن، بشارت به حضرت خاتم‌النبیین است، اما یک کشیش مسیحی که به ایران یا کشور مسلمان دیگری وارد می‌شود، از واژه تبشیر برای بشارت به حضرت مسیح صلی الله علیه و آله استفاده می‌کند. امروزه از بین فرقه‌های مختلف مسیحی، بیشترین حجم تبشیر از سوی پروتستان‌ها است که به ترویج و تبلیغ عقاید خود می‌پردازند.

ابزارها و تکنیک‌های مورد استفاده تبشیری‌ها چیست؟

ابزارهای مسیحیان در خصوص تبشیر و تنصیر در دوران مدرن، متعدد و پیشرفته است. به‌طور خلاصه در ابزارها، ابزارهای تبشیری چند رسانه‌ای (صوت، فیلم، رادیو و ماهواره‌ها، اینترنت)، ابزارهای تبشیری نوشتاری (مجلات، کتابها) و خدمات اجتماعی را می‌توان از مهمترین ابزارهای مدرن تبشیر قلمداد کرد.

ابزار چند رسانه‌ای مثل شبکه‌های ماهواره‌ای شبانه‌روزی که شبها گوناگون در عرصه‌های مختلف را مطرح می‌کنند، یا اینترنت که، بیش از دو هزار سایت فارسی زبان مسیحی، علیه اسلام، مشغول فعالیت هستند. در ایران هم گاهی مراکزی کشف می‌شود که رایگان در اختیار تبشیری‌ها قرار گرفته تا وبسایت‌های خود علیه اسلام را به‌روز رسانی کنند. از دیگر ابزارهای چند رسانه‌ای، کلیپ‌ها

و مطالب ضد اسلامی در راستای تبشیر و تنصیر است، که هم از طریق بلوتوث برای تلفن همراه و هم در شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، وی‌چت و... به کار گرفته می‌شوند.

کتاب‌های گویا را می‌توان یکی دیگر از ابزارهای تبشیر مدرن نام برد که از ظرفیت بالایی برخوردار است. تمام اناجیل به زبان کردی، لری، گیلکی، آذری و غیره که به صورت صوتی و هم مکتوب مورد تبشیر قرار می‌گیرد. مثلاً برخی زنان مسلمان گیلکی با این تصور که دارند به داستان حضرت عیسی گوش می‌دهند، کتاب مقدس گویا را به زبان گیلکی گوش می‌دهند، ولی در حقیقت به تدریج بر عقاید آنان اثر سوء می‌گذارد، در حالی که خود مطلع نیستند.

ابزار دیگر که مسیحیان به شدت در آن فعال هستند، مجلات است. یکی از فرقه‌های مسیحیت به نام «شاهدان یهوه» که قائل به تثلیث نیستند و گرایش‌های بسیار زیادی به صهیونیسم دارند، مجلاتی مختصر حدود ۲۰ الی ۳۰ صفحه طراحی کرده و با تیراژ بسیار بالا به ۳۰۰ زبان ترجمه کرده و منتشر می‌کنند. بیشترین مخاطب آنان در تبشیرهای حضوری نیز، دانشجویان مسلمان خارج از کشور هستند. این فرقه در ایران، با تیزهوشی فهمیده‌اند که ایرانیان بسیار عقل‌گرا هستند و با تثلیث مشکل دارند، لذا در ایران خصوصاً در استان فارس و گیلان، فعالیت تبلیغی خود را بر مبنای توحید گذاشته‌اند.

از دیگر ابزارهای برجسته تبشیری‌ها، فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی مانند گروه‌های ترک اعتیاد NA، یا گروه‌های ترک الکل می‌باشد. هر ۱۲ مرحله ترک اعتیاد در این گروه‌ها، توسط برنامه‌ریزان مسیحی طراحی شده است. معتادانی که از نظر اعتقادی ضعیفند و توانایی لازم را ندارند، هر چند در این گروه‌ها موفق به ترک اعتیاد خود می‌شود، اما برخی ناخواسته گرایش‌های مسیحی پیدا کرده و به تدریج نماز، روزه و... را نیز ترک می‌کنند. مدل دیگر خدمات اجتماعی ایشان، گروه‌های کمک به معلولان است؛ که بر این روش تبلیغی سرمایه‌گذاری زیادی میکنند. ابزار دیگر تبشیر، استفاده از رسانه‌های مکتوب است مثل کتاب‌ها و نشریات. کتاب مانند اهدای رایگان کتاب مقدس به مسلمانان، البته نسخه ترجمه تفسیری. ترجمه تفسیری بسیاری از مواضع و سخنان زشت انجیل را، یا توجیه یا تزیین کرده است. این کتاب‌ها مخصوص مسلمانان است تا به مسیحیت علاقه‌مند شوند و نیز مسیحیانی که هم‌جوار مسلمانان هستند، تا از دین خود برنگردند.

مثلاً در ترجمه قدیمی انجیل (یوحنا، فصل ۲، آیه ۴) آمده است که: «حضرت عیسی صلی الله علیه و آله به مادرش می‌گوید: «ای زن مرا با توجه کار است؟ ساعت من هنوز نرسیده است!»، این تعبیر نامناسب مسیح خطاب به مادرش که حتی او را در حد مادر خود نیز نمی‌داند، به تعبیر ای بانو... تغییر کرده است.

جریان افراطی درون فرقه پروتستان در مسیحیت، همانند وهابیت در اسلام هستند. مهد این جریان و به طور کلی پروتستانها، امریکا و انگلستان است. از فرقه‌های مسیحی، افراطیون پروتستان در عرصه سیاسی بسیار فعال هستند و صد البته همچون وهابیون بسیار غیر منطقی، و به شدت به دنبال سلطه بر دیگران هستند. لذا جامعه سنتی مسیحی هم از این دست تبلیغات، به شدت احساس خطر می‌کند. فرقه‌های اصیل مسیحی در خاورمیانه، ارمنستان، روسیه، ایران و شمال آفریقا، بیشتر «ارتدوکس» (راست‌گیش) هستند.

تاریخچه تبشیر در میان مسیحیان و ارتباط آن با ایرانیان چیست؟

مسیحیان اعتقاد دارند تبشیر در ایران، از آغاز میلاد حضرت مسیح شروع می‌شود. اولین کسانی که تولد عیسی صلی الله علیه و آله را تبریک گفتند، سه ایرانی (مجوسی) بودند که کتاب مقدس می‌گوید آمدند و به مادر مسیح، هدایایی نیز بخشیدند. لذا ایرانی‌ها را از همان آغاز، به مسیحیت پیوند می‌دهند.

روز دیگری که به رابطه تبشیر مسیحیت با ایرانیان ربط می‌دهند، «پنطیکاست» است. ادعا می‌کنند روح‌القدس ۵۰ روز بعد از عید فصح یا عید پاک بر حواریون نازل شده است. در هنگام نزول روح‌القدس بر ایشان، جمعیت زیاد دیگری هم بودند که ایرانیان (پارتیان، عیلامی‌ها، مادها و...) هم از جمله حاضران بودند. (اعمال رسولان، فصل دوم، آیه ۸). در این مجلس حواریون از روح‌القدس پر و بهره‌مند شدند و همگی قدرت سخن گفتن به زبان‌هایی که تاکنون یاد نگرفته بودند را نیز پیدا کردند که به «تکلم به زبان‌ها» معروف است. جریان مسیحی افراطی که نسبت به سایر جریانهای مسیحی، حملات بیشتری را علیه اسلام دارد، مانند کشتار مسلمانان، حملات سیاسی، قرآن سوزی، ساخت فیلم و کاریکاتور علیه پیامبر اسلام، حمایت همه جانبه از صهیونیسم و... عمدتاً از همین پنطیکاستی‌ها هستند و ادعای کشیشان آنها مبنی بر داشتن قدرت تکلم به زبان‌ها یکی از نشانه‌هایشان است. اینها با ادعای تکلم به



فرقه پروتستان در مسیحیت، همانند وهابیت در اسلام هستند که مهد آن امریکا و انگلستان است. پروتستان ها در عرصه سیاسی بسیار فعال هستند و صد البته همچون وهابیون بسیار غیر منطقی، و به شدت به دنبال سلطه بر دیگران هستند و لذا جامعه سنتی مسیحی هم از این دست تبلیغات به شدت احساس خطر می کند،

زبان ها، واژه های نامفهومی را به زبان می رانند و بعد میگویند روح القدس از درون ما سخن گفت. خلاصه منشا ورود تیشیر را از همین روز بنطیکاست ذکر می کنند که قطعا صحیح نیست. چرا که به نظر خود محققین مسیحی اصل این ماجرا ساختگی است. در زمان های گذشته امکانات ارتباطی کنونی مانند تلفن همراه و ماهواره و ... نبوده است. پس چطور در یک واقعه ناگهانی مثل نزول روح القدس جمعیتی چند هزار نفری حتی از مکان هایی که چندین ماه فاصله دارند، به طور ناگهانی جمع می شوند و به عنوان شاهدان ماجرا معرفی می شوند؟! لذا محققین مسیحیت این شاخ و برگ دادن «بنطیکاست» را قبول ندارد، و اعتقاد دارند که «بنطیکاست» ناگهانی اتفاق افتاده و این تعداد که در کتاب مقدس نام برده شده است، محال است. در فصل ۲ آیه ۴۱، تعداد حاضران در «بنطیکاست» سه هزار نفر ذکر شده است.

رویکرد به تیشیر در تاریخ مسیحیت در ادوار مختلف تاریخ چگونه بوده است؟

در طول تاریخ مسیحیت، تیشیر عموماً تحت تاثیر رهبر دینی عصر خود بوده است و در واقع هر پاپ رویکرد متفاوتی به این مسئله داشته است، اما غالب تفکر مسیحی، تفکر سیاه و سفید، و یا صفر و صدی است، به این معنی که اگر شخصی با ما همراه نبود پس بر ضد ما خواهد بود. پاپ هایی که در دوران متفاوت مسیحیت آمدند، علاوه بر رهبری دینی، رهبر سیاسی نیز بودند و حتی اگر رهبر ظاهری در سیاست نبودند، حاکم سیاسی را انتخاب می کردند، لذا تاثیر و نفوذ بسیار بالایی بر جامعه داشتند. در زمان جنگ های صلیبی، پاپ ها رفتار خشونت بار تکفیری علیه مسلمانان نشان می دادند، در واقع در آن زمان نه تنها نسبت به مسلمانان، بلکه با خود مسیحیان هم با خشونت برخورد می کردند، که کاملاً خلاف روش مسلمانان بوده است. وقتی صلاح الدین ایوبی، بیت المقدس را تصرف می کند به تمام مسیحیان امان می دهد و انصافاً هیچ خونی ریخته نمی شود، هر چند ما شیعیان صلاح الدین را قبول نداریم و او را از حکام سفاک و قاتل شیعیان می دانیم، اما با این حال حتی یک حاکم سفاک مسلمان نیز در آن زمان به عهد خود پایبند بود. اما در طرف دیگر، مسیحیانی که برای بازپس گیری بیت المقدس به آنجا لشکرکشی می کنند و به مسلمانان وعده امان می دهند اما به نقل خودشان، آنقدر مردم مسلمان را کشتند که خودشان گزارش دادند در بیت المقدس، خون تازانوی

اسب‌ها بالا آمده بود.

نکته مهم همین جنگیدن بی رحمانه علیه دیگر فرق مسیحیت است، مثلاً فرقه کاتولیک علاوه بر مبارزه علیه دیگر فرق با ادیان دیگر مانند یهودیت هم مبارزه می‌کردند. دلیل این مبارزه هم این بود که یهودیان را قاتل اصلی حضرت مسیح می‌دانستند، لذا هر جا می‌توانستند آنان را قتل و عام می‌کردند.

اما در زمان پیامبر اسلام ﷺ اتفاق دیگری می‌افتد، عده‌ای از مسیحیان منتظر بعثت پیامبر بودند. به دلیل شهرتی که پیامبر در جهان پیدا کرد، ترس عجیبی در میان مسیحیان شکل گرفت. لذا آنها با این بهانه به سمت مباحله رفتند اما در مباحله نیز اسلام بر آنها غلبه کرد. در گام بعدی مناظرات علمی را پیش گرفتند، که باز شکست خوردند مانند زمان امام رضا علیه السلام، در فصل دوم کتاب الاحتجاج طبرسی اشاره به مناظرات پیامبر با یهودیان دارد.

مطمئناً اگر اسلام نبود مسیحیت بر خاورمیانه چیره می‌گشت و اسلام‌هراسی غالب مسیحیان امروز نیز نشأت گرفته از همین موضع است. بزرگان مسیحیت ادعای گفتگو با ادیان را دارند، اما چون در مقابل آموزه‌های متقن و محکم اسلام، تاب مقاومت ندارند، سعی می‌کنند تا ارکان دین اسلام را مورد حمله قرار دهند. بنابراین حمله به شخص پیامبر، تخریب آموزه‌های اسلام، قرآن‌سوزی و ... از روش‌های مسیحیان تبشیری است.

چرا تبشیر به شکل زیرزمینی در ایران صورت می‌گیرد؟

همان‌طور که در ابتدا گفته شد، تبشیر مدرن، به چند شکل صورت می‌گیرد مانند کلیسای اینترنتی و ماهواره‌ای و غیره. کلیسای خانگی نیز با همین هدف و در همین راستا است، چراکه وقتی در یک کشوری با موانع و محدودیت‌های تبلیغی مواجه می‌شوند، بالاچار این نوع کلیساها و روش‌های تبلیغی را فراهم می‌کنند.

جالب اینکه این نوع کلیساها، در انظار مسیحیت سنتی هم انحراف شمرده می‌شود. اداره‌کنندگان این نوع کلیسا برای پیشبرد اهداف خود، از ابزارها و روش‌های جنسی نیز استفاده می‌کنند و فرایند جذبشان به صورت رایج با تکیه بر جنس مخالف صورت می‌پذیرد. حتی در کشورهای غربی نیز، کلیساها خانگی شبیه فعالیت‌های از نوع فعالیت‌های زیرزمینی «جنبش‌های معنوی نو پدید» فعال هستند، و برای فرار از پاسخگویی به همان محدود ملاک‌ها و مبانی محکم مسیحیت، استفاده می‌کنند. این گروه‌ها ساختار پیچیده‌ای دارند، و سعی می‌کنند از راه‌های مختلف به هدف خود دست یابند، مثلاً ترغیب افراد معتاد به حضور در جنبش‌های NA، یا گرفتن پناهندگی از کشورهای غربی به شرط مسیحی کردن عده‌ای زیاد و ... اما دست آخر دیده می‌شود که با شروع گرفتاری برای فرد، کاملاً وی را تنها می‌گذارند.

جالب اینکه این نوع کلیساها، در انظار مسیحیت سنتی هم انحراف شمرده می‌شود. اداره‌کنندگان این نوع کلیسا برای پیشبرد اهداف خود، از ابزارها و روش‌های جنسی نیز استفاده می‌کنند و فرایند جذبشان بیشتر با تکیه بر جنس مخالف صورت می‌پذیرد.



در ایران کدام فرقه و با چه ابزاری بیشتر فعالیت می‌کند؟

جریان اصلی که در ایران فعالیت می‌کند پروتستان است، اما فرق مختلف دیگری هم هستند که منشعب از پروتستان‌اند مثل جماعت ربانی در تهران، که هم کلیسای رسمی و هم کلیسای خانگی دارند.

از فرقه دیگری که در ایران فعال است، «شاهدان یهوه» و «جیزز اولی»ها (Jesus only) خاصه در شمال و جنوب غرب، می‌باشند. اکثر این فرق، بدون پرچم و هویت، و اصطلاحاً چراغ خاموش فعالیت می‌کنند، به طوری که با افراد مختلف، طرح دوستی ریخته به گونه‌ای که اشخاص، تا مدت‌ها متوجه دین و مسیحی بودن او نمی‌شوند. فرد با گذشت زمان و شنیدن حرف‌های جدید از سوی ایشان، کم‌کم به اخلاق و رفتار مسیحی گرایش پیدا می‌کند و به مرور نیز به مبانی وی هم احترام می‌گذارد و شاید پس از گذشت یک سال تازه متوجه بشود که دوستش، مسیحی است.

نحوه مواجهه علمای اسلام با تبشیر چگونه بوده است؟

در مورد محتوا، علمای اسلام صحبت‌های بسیاری کرده‌اند. یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌هایی که در شیعه، در این رابطه کار کرده است، علامه محمدجواد بلاغی است. ایشان علاوه بر صاحب‌نظر بودن در علوم فقه و اصول، کتب دقیقی در رابطه با اندیشه مسیحیت نیز نگاشته است. ایشان در کتاب «الهدی الی دین المصطفی» بسیاری از شبهات مسیحیت که در ارتباط با اسلام مطرح شده است را پاسخ داده و در مقابل شبهات بسیاری را راجع به مسیحیت در این کتاب مطرح می‌کند.

یکی دیگر از الگوهای مواجهه با تبشیر در علمای اسلام، امام موسی صدر است. ایشان در تعامل با مسیحیت نکات بسیار زیادی را دارد. به طور مثال یکی از مهمترین راه‌هایی که مبلغان مسیحی دارند این است که مانع ارتباط مسیحیان و مسلمانان می‌شوند. این که مسیحیان در نظر مسلمانان نجس هستند، را خیلی مورد تبلیغ قرار می‌دهند تا مسیحیان را از مسلمانان دور کنند. در حالی که مقام معظم رهبری و نظر مشهور مراجع بر پاک بودن اهل کتاب است. امام موسی صدر نیز اهل کتاب را پاک می‌دانست. شما به نحوه برخورد مقام معظم رهبری با ارامنه دقت کنید. خاطره حضور ایشان در منزل شهید مانوکیان از شهدای ارمنی که خلبانی زده و رشادت‌آفرین بود، بسیار معروف است. سیره امام موسی صدر و رهبر گرانقدر انقلاب، از ابزارهای سنتی و چهره به چهره تعامل با اهل کتاب و تبلیغ در بین آنان، می‌تواند یکی از راهکارهای ارتباطی میان ائمه جماعات ما با مسیحیان باشد. ما خانواده شهدای مسیحی زیادی داریم که می‌توانند مورد تفقد قرار بگیرند.

خدا و انسان در ایینه ادیان

پرتو محبت در اسلام و مسیحیت

محمدصادق احمدی (دانشجوی دکتری دین پژوهی)



حقیقتاً ضرورت ریخته شدن خون فردی بی گناه به عنوان بهای یک چیز و اینکه قربانی شدن فرد بیگناهی باعث رضایت خاطر گردد، چقدر بی رحمانه و شریرانه به نظر می رسد. چقدر تصور این امر مشکل است که خدا با مرگ فرزند خود آنقدر موافق باشد که به واسطه آن با کل جهان مصالحه کند

بر شکنجه مرگ سرخ است، گناه دیگران را جبران کند. هیچ انسانی نمی تواند چنین روش ظالمانه و وحشیانه ای را بپذیرد. پس چگونه می توانیم آن را به خدا نسبت دهیم؟^۲ آلبرت ریچل اسقف کلیسای لوتری و الاهیدان قرن نوزدهم و همچنین چارلز فیلی، دیگر الاهیدان قرن نوزدهم نیز این آموزه را زیر سؤال برده اند.^۳

آنچه درباره ناهماهنگی گفته شد، به این مسئله بازمی گردد که مبشران مسیحی در طول تاریخ با نادیده انگاشتن قهر و غضب خدا در سنت و متون مقدس، برای تشریح مسیحیت صرفاً بر محبت خدا تکیه کرده و وعیدهای او را نادیده می انگارند. وعیدهایی چون پست بودن در صورت ترک شریعت موسوی^۴، مخالفت با حکام ظلم و جور^۵ و... که همگی توسط مسیح در عهد جدید طرح شده اند. این آموزه ها در بیان مبشرین مسیحی نمی آیند تا به اصل تشریح خللی وارد نسازند.

انسان و خدا در پرتو محبت در اسلام
آنچه در بیان این رابطه در اسلام وجود دارد بر خلاف سنت مسیحی، با نوعی از اعتدال همراه بوده است. خداوند در قرآن مجید بارها صراحتاً این وعده را طرح کرده که او خدایی رحمان است و علی رغم اینکه در او دو اراده غضب و رحمت وجود دارد؛ اما رحمت او بر غضبش پیشی گرفته است. خداوند رحمتش عام است و شامل همه چیز می شود؛ اما غضبش برای افراد خاصی است. خداوند در آیه ۱۵۶ سوره اعراف

و جفای خدا نسبت به بندگان شاید بیش از محبت او باشد؛ چه آنکه بسیاری از مردم پیش از فدا شدن مسیح از دنیا رفته اند و از این فرصت بزرگ بی بهره مانده اند؛ از سوی دیگر عیسی خود مرتکب گناهی نشده بود و در ازای گناهان بشر به صلیب رفت و قربانی شد، به قول شاعر:
گنه کرد در بلخ آهنگری
به شوشتر زدند گردن مسگری

برخی از بزرگان مسیحیت نیز از دیرباز با این آموزه مخالف بوده اند و آن را خلاف محبت خدا می دانستند. در ادامه به برخی از ایشان اشاره می شود:
پیتر آبلار در این زمینه می گوید: «حقیقتاً ضرورت ریخته شدن خون فردی بی گناه به عنوان بهای یک چیز و اینکه قربانی شدن فرد بی گناهی باعث رضایت خاطر گردد، چقدر بی رحمانه و شریرانه به نظر می رسد. چقدر تصور این امر مشکل است که خدا با مرگ فرزند خود آن قدر موافق باشد که به واسطه آن با کل جهان مصالحه کند. این سؤال و سؤال های مشابه آن، مسئله ای اساسی را در مورد رستگاری به واسطه مرگ مسیح، در برابر ما قرار می دهد»^۱.

توماس میشل ژرژویت این باور که مسیح در عوض انسان ها، مصلوب گردید و کشته شد، را نقد کرده است: «متکلمان مسیحی عصر ما نظریه جبران [جبران گناهان به واسطه قربانی شدن مسیح] را نمی پذیرند؛ زیرا این نظریه به مفهوم شایستگی و عدالت خدا آسیب می زند؛ چون فرض را بر آن می گذارد که خدا خون مسیحی را می طلبد که از هر جهت بی گناه بود، تا با روش ناپهنجاری که مبتنی

در نوشته پیش رو بر آنیم تا گونه ای خاص از رابطه میان خدا و انسان را در پرتو تعالیم مسیحیت بررسی کنیم. آنچه در این نگاره مطمح نظر قرار گرفته، بحث و بررسی مسئله محبت به عنوان رابطه ای ویژه میان خدا و انسان است. در این مسیر نخست به چگونگی این رابطه و نقد بررسی آن در مسیحیت پرداخته ایم و در ادامه نگاه اسلام را به این رابطه دنبال خواهیم کرد.

انسان و خدا در پرتو محبت در مسیحیت
با بررسی کتاب مقدس به ویژه عهد جدید که شامل کتب خاص مسیحیان است، گونه ای از رابطه میان انسان و خدا دیده می شود که در پرتو عشق و محبت تبیین شده است. در این رابطه خدا به دلیل محبتی که نسبت به انسان ها داشت فرزند خود را فرو فرستاد تا با قربانی شدن برای گناهان نوع بشر، ایشان را از مرگ رها سازد. در تبیین و تفسیر چرایی این کار دلسوزانه خدا، در سنت مسیحی تفسیرهای متفاوتی ارائه شده است؛ اما بنابر نص عهد جدید این فعل خدا ریشه در محبت او نسبت به نوع انسانی دارد.

صرف نظر از انتقاداتی که به این آموزه شده است، اشاره به دو مسئله در این زمینه از اولویت بیشتری برخوردار است. یکی اینکه این کار خدا با عدل او ناسازگار است و دیگر اینکه در ترویج این آموزه شکلی از ناهماهنگی و عدم انسجام به چشم می خورد. درباره مسئله نخست اشاره به این نکته ضروری است که در طول تاریخ نه تنها از سوی غیر مسیحیان، بلکه از سوی مسیحیان نیز این آموزه و این شکل از محبت زیر سؤال رفته است. با این نوع از محبت ظلم



از آنجا که اسلام دین اعتدال است، در کنار این رحمت خداوند غضب او و هشدارش نسبت به سرکشان و مشرکان نیز دیده می‌شود؛

فرقه‌شناسی

پنطیکاستی

محمد توحیدی (کارشناس ارشد ادیان ابراهیمی)

اوایل قرن بیستم، این ادعاها دوباره به کلیسا بازگشت و در قالب نهضتی جدید با عنوان پنطیکاستی در ایالات متحده آمریکا شکوفا شد.

این کلیسا^۵ چندی بعد در اروپا و بین بومیان پیروان زیادی به دست آورد.^۶ مهم‌ترین دلیل رشد این مذهب در میان بومیان، تأکید این کلیسا بر تجربه‌های روحانی و حالات خاص خلسته‌ای دانسته می‌شود. همچنین تأکید این مذهب بر شفای بیماران و نیز اعتقاد به ارواح خبیث که جزئی از باورهای ادیان بومی است، از جمله عوامل اقبال به این مذهب شمرده شده است.^۷ سخن گفتن به زبان‌های غیر قابل مفهوم در کلیساهای پنطیکاستی، عادی و رایج است که به معنی حضور روح القدس در کلیسا و دریافت عطایای روحانی توسط حاضران است.^۸

شفابخشیدن مریضان نیز از دیگر ادعاهای ویژه‌ای است که همواره از سوی رهبران و اعضای این کلیسا تبلیغ می‌شود.^۹

رویکردهای خاص این کلیسا که همراه با رفتارهای عوام‌فریبانه است، سبب موفقیت و رشد سرسام‌آور آن شده است. در سال ۲۰۰۲ میلادی، تعداد پیروان این نهضت بالغ بر ۵۴۳ میلیون نفر برآورد شده است. بنابراین می‌توان ۲۶ درصد کل مسیحیان جهان را پنطیکاستی دانست. برخی بر این باورند که این کلیسا، پس از مسیحیت کاتولیک، بیش‌ترین پیرو را در سراسر جهان داراست.^{۱۰} برنامه‌های تیشیری کلیسای پنطیکاستی در آسیا به شکلی گسترده دنبال می‌شود. بر اساس آمار این فرقه در آسیا بیش از دیگر فرقه‌های مسیحیت موفق بوده است و بیشترین رشد را به خود اختصاص داده است.^{۱۱}

این کلیسا در ایران نیز فعال است. کلیسای «جماعت ربانی» که از زیرشاخه‌های معروف این فرقه است، با پشتیبانی مالی گروه‌های تیشیری فعالیت چشمگیر دارد. این کلیساها، هم به شکل رسمی و هم در قالب کلیساهای خانگی مشغول تیشیر مسیحیت هستند و با هدف گرفتن جوانانی که دارای بحران‌های روحی و اجتماعی هستند و استفاده از فنون روان‌شناسانه، سعی در جذب آنان دارند.^{۱۲}

کلیسای پنطیکاستی در زمینه رسانه بسیار فعال است. این کلیسا افزون بر سایت‌ها، وبلاگ‌ها و مجلات پرشمار تیشیری، شبکه‌های ماهواره‌ای فراوانی نیز دارد که در سراسر دنیا به تبلیغ این فرقه می‌پردازند. از فعالیت‌های این کلیسا در ایران می‌توان به تأسیس

مسیحیت در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است. در دوره‌هایی از تاریخ، تحت ستم حکومت‌ها قرار داشت و در برهه‌های دیگری، خود به نماد ظلم و ستم تبدیل شده بود. از همین رو محبوبیت این دین گاهی افزایش یافته و گاه، متوقف شده است. پس از ظهور کلیسای پروتستان، این معادلات تا حدود زیادی دستخوش تغییر گردید. کلیسای کاتولیک قدرت خود را از دست داد و دیگر به عنوان نماینده جهان مسیحیت نبود. از این زمان به بعد، کلیساهای پروتستان که فعالیت‌های تیشیری گسترده‌ای را آغاز کرده بودند، مهم‌ترین تأثیر را در گسترش مسیحیت ایفا کردند. کلیساهای پروتستان توانستند مسیحیت را در نقاط مختلف جهان گسترش دهند.

در پس این موفقیت نسبی، عوامل مختلفی قرار داشته که از مهم‌ترین آنها تکثر گونه‌های اعتقادی، آیین‌های کلیسایی و نیز شیوه‌های تیشیری بوده است. از قرن شانزدهم میلادی به بعد، کلیساهای پروتستان تأسیس شدند و هر کدام، رویکردهای راکه گاه در تقابل با دیگر کلیساها بود، در پیش گرفتند. این مسئله سبب شد تا کلیسا بتواند ذات‌ها و سلیقه‌های مختلف را تحت پوشش قرار داده و از این طریق، موفقیت بیشتری را کسب کند.

یکی از کلیساهای پروتستان که بارائه رویکردی نوین در زمینه اصول عقیدتی و آداب و مراسم کلیسایی توانست موفقیت قابل توجهی را تجربه کند، کلیسای پنطیکاستی^۱ یا «پنجاهه‌گر»^۲ بود. توجه به تجربه‌های روحانی در قرن بیستم، زمینه‌ساز شکل‌گیری این کلیساگردید.

در سال ۱۹۰۶ میلادی، این شایعه در سرتاسر ایالات متحده رواج یافت که کودکی موفق به دریافت عطیه‌ای الهی و تجربه‌ای روحانی شده است. این عطیه «سخن گفتن به زبان‌ها» بود.^۳

«سخن گفتن به زبان‌ها» که از جمله عطایای روح القدس است که ریشه در کتاب مقدس مسیحیان دارد. در عهد جدید آمده است مسیحیان کلیسای نخستین، گاهی عطیه مذکور را دریافت می‌کردند و به زبانی نامفهوم سخن می‌گفتند.^۴ این نوع سخن گفتن که متشکل از جملاتی بی‌معنی بود به سرعت در سراسر کلیسا رواج یافت و کار بدانجا رسید که پولس مردم را از «سخن گفتن به زبان‌ها» نهی کرد و خواستار توقف آن شد.^۵

ادعای دریافت عطیه مذکور رنگ باخت تا اینکه در

می‌فرماید: «عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ». علاوه بر این در ادعیه و احادیث زیادی از سبقت رحمت خدا بر غضب سخن رفته است.

تمامی سوره‌های قرآن جز سوره توبه با «بسم الله الرحمن الرحيم» که دو وصف رحمت خدا هستند آغاز می‌شوند و روایات بسیاری وجود دارند که نشان می‌دهند خدا در روز جزا با بسیاری از بندگان با رحمت خویش برخورد خواهد کرد. شیخ حر عاملی در کتاب «جهادالنفوس» روایتی را ذکر کرده که در آن خداوند درباره بنده‌ای که عصیان کرده و راهی جهنم می‌شود را به دلیل حسن ظنش به رحمت خدا، قضاوت دیگری می‌کند: «بنده گنهگار می‌گوید: ای خدای من! گمان من به تو چنین نبود. خداوند می‌فرماید: مگر چه گمانی به من داشتی؟ می‌گوید: خدایا من به تو نیکوترین گمان را داشتم. پس خداوند امر می‌کند که او را به سوی بهشت براند و می‌فرماید: حقا که گمان نیکوی تو به من امروز به تو سود بخشید.»^۶

البته از آنجا که اسلام دین اعتدال است، در کنار این رحمت خداوند غضب او و هشدارش نسبت به سرکشان و مشرکان نیز دیده می‌شود؛ چنان که حتی در برخی از روایات و آیات، کسانی که به بهانه رحمت خدا از فرامین وی سرپیچی و گردنکشی کرده، آشکارا حق را پایمال نمایند به عذاب و دوزخ حتمی وعده داده شده‌اند. ♦

پی‌نوشت:

۱. لین، تونی؛ تاریخ تفکر مسیحی؛ ترجمه روبرت اسپران؛ انتشارات فرزاد (۱۳۸۰)؛ ص ۱۸۴.
۲. میشل، توماس؛ کلام مسیحی؛ ترجمه حسین توفیقی؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب (۱۳۸۷)؛ ص ۸۲.
۳. لین، تونی؛ پیشین؛ ص ۳۸۶-۳۹۳.
۴. انجیل متی؛ ۵: ۱۷.
۵. انجیل لوقا؛ ۱۳: ۳۲.
۶. حر عاملی؛ جهادالنفوس؛ باب وجوب حسن ظن به خداوند و ترجیح بدگمانی نسبت به خدا، حدیث ۱۴۸.

در سال ۲۰۰۲ میلادی، تعداد پیروان این نهضت بالغ بر ۵۴۳ میلیون نفر برآورد شده است. بنابراین می‌توان ۲۶ درصد کل مسیحیان جهان را پنطیکاستی دانست.



چهار شبکه ماهواره‌ای تمام‌وقت اشاره کرد که پخش برنامه‌های تبشیری به زبان فارسی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. از این چهار شبکه، شبکه‌های «محبت»، «ست سون پارس»^{۱۳} و «هفت» رویکردی محتاطانه را اخذ کرده‌اند و ضمن تأکید بر آموزه‌هایی نظیر محبت، گاه به پخش برنامه‌های شفا‌دهی در کلیساهای پنطیکاستی می‌پردازند. شبکه ماهواره‌ای «نجات» رویکردی متفاوت و مبتنی بر شفا‌بخشی و سخن گفتن به زبان‌ها را در پیش گرفته است. مجریان این شبکه، در برنامه‌های مختلف به سخن گفتن‌های این‌چنینی مبادرت می‌ورزند. آنان ادعا می‌کنند که بیماران بسیاری را در پای گیرنده‌های تلویزیونی شفا بخشیده‌اند و از همین رو در برنامه‌های زنده تلویزیونی به خواندن اوراد شفا‌بخش اقدام می‌کنند! متأسفانه با وجود فعالیت‌های گسترده این کلیسا در عرصه‌های مختلف، هنوز اقدامی جدی برای بررسی تهدیدهای این کلیسا بر قشر جوان جامعه، و میزان نفوذ و تأثیرات مخرب آن بر عقاید و باورهای اسلامی جوانان صورت نپذیرفته است و مبلشران پنطیکاستی با خیالی آسوده از هرگونه تقابل تبلیغی، به ترویج باورهای خرافی خویش می‌پردازند. ♦

پی‌نوشت:

۱. Pentecostal Church.
۲. مولند، اینار؛ جهان مسیحیت؛ ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری؛ تهران (۱۳۸۱): انتشارات امیر کبیر؛ ص ۴۱۱.
۳. اعمال رسولان ۲: ۶؛ رساله اول پولس به قرنتیان ۱۳: ۱.
۴. رساله اول پولس به قرنتیان ۱۴: ۱-۱۹.
۵. اصطلاح کلیسا، دارای کاربردها و معانی متفاوتی است. استفاده از آن برای اشاره به مفهوم فرقه، از جمله کاربردهای رایج آن است. بنابراین کلیساهای پروتستان به معنی فرقه‌های پروتستان و کلیسای پنطیکاستی به معنی فرقه پنطیکاستی است.
۶. مولند، اینار؛ پیشین؛ صص ۴۱۲-۴۱۴.
۷. ویلسون، برایان؛ دین مسیح؛ ترجمه حسن افشار؛ تهران (۱۳۸۱): نشر مرکز؛ ص ۱۱۹.
۸. ویور، مری جو؛ درآمدی به مسیحیت؛ ترجمه حسن قنبری؛ قم (۱۳۸۱): مرکز مطالعات آدیان و مذاهب؛ ص ۲۸۷.
۹. مولند، اینار؛ پیشین؛ ص ۴۱۲.
۱۰. McGrath, Alister E. and Marks, Darren C., The Blackwell Companion to Protestantism, (Blackwell, P, 2004, 1st ed.), P, 39.
۱۱. Ibid, P, 40.
۱۲. گروه نویسندگان؛ جستارهایی درباره مسیحیت؛ (۱۳۹۰): انتشارات تازهور؛ ص ۱۸۷.
۱۳. Pars SatV.



فرقشناسی

دین یا ایدئولوژی

نگاهی به مسیحیت صهیونیست

محمد ادهمی (کارشناس ارشد ادیان ابراهیمی)

از قرن شانزدهم میلادی، تفکری بر پایه سنت پروتستان در انگلستان باب شد. این جریان در واقع رویکردی بود به گرایش‌هایی فرافرقه‌ای در الهیات پروتستان که بر جایگاه کتاب مقدس در زندگی فرد مسیحی تأکیدی خاص داشت. اصطلاح «انجیل‌گرایی» ابتدا در آثار نویسندگان کاتولیک قرن پانزدهم استفاده می‌شد و پس از آن در اندیشه‌های پروتستان‌ها در این قرن برای تمایز پروتستان‌ها از کاتولیک‌ها توسط مارتین لوتر استفاده شد. این تفکر همچنین در سال ۱۷۳۰ میلادی در میان متودیسیت‌های انگلستان و باپتیست‌های آلمان ظهور کرد.

فضای آمریکا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم فضای پرشوری بود که مسیحیت آمریکایی منعکس کننده این فضا است. در قرن نوزدهم تکرر دینی گسترده‌ای به وجود آمد که تا قرن بیستم ادامه داشت و دین موضوعی صرفاً دلخواهی شده بود.

جمعیت ایالات متحده، که در سال ۱۷۷۶ دو و نیم میلیون نفر بود تا سال ۱۸۴۵ به بیست میلیون نفر رسید. در قرن نوزدهم موج تازه‌ای از احیاءگرایی، که گاهی اوقات «دومین بیداری عظیم» نامیده می‌شد، آغاز شد و نهضت انجیل‌گرایی آمریکا را قوت تازه‌ای بخشید. واژه «انجیلی» به معنای «بشارت انجیل» بر همه سنت‌ها، فرقه‌ها و مؤسسات پروتستانی اطلاق می‌شد که ریشه در واژه آلمانی «euangelion» دارد؛ که هنوز هم به کلیسای لوتری در آلمان اطلاق می‌شود.^۱ در حال و هوای آزادی دینی در آغاز قرن جدید، چند گروه اشتراکی و بعضی از کلیساهای نوین شکل گرفتند که در انتظار «رجعت مسیح» بودند.

در دهه ۱۹۲۰ بنیادگرایی^۲ مسیحی، در گروه‌های پروتستان آمریکا که از اندیشه‌های انجیلی حمایت

می‌کردند، در تقابل با مسیحیت لیبرال، مدرنیته و سکولاریسم شکل گرفت. آموزه‌هایی همچون تولد مسیح از باکره، بازگشت مجدد مسیح، خطاناپذیری کتاب مقدس و عدم قبول هرگونه تفسیر از متن مقدس، رد نظریه داروین، تأکید شدید بر تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس و اعتقاد به هزاره‌گرایی و پایان دوران از ویژگی‌های آنها است. در واقع بستر زایش این نهضت، آیین انجیلی است که شعار بازگشت به متن مقدس را می‌داد. رهبران این جنبش از دهه چهل خود را به جای بنیادگرا، «انجیل‌گرا»^۳ نامیدند؛ چراکه واژه بنیادگرا معنای ضد عقل‌گرایی، ستیزه‌جویی و افراط‌گرایی را در ذهن مردم آمریکا تداعی می‌کرد. از آن زمان به بنیادگرای آمریکایی «اوانجلیک» می‌گویند و نیز به عنوانی چون مسیحیت تبشیری، مسیحیت صهیونیستی، مسیحیت یهودی و مسیحیت انجیلی ملقب شده‌اند؛ چراکه به بازگشت یهودیان به ارض موعود و تشکیل دولتی یهودی برای ظهور مجدد مسیح اعتقاد راسخ دارند.^۴

پیروان کلیسای انجیلی حدود یک چهارم جمعیت آمریکا^۵ را شامل می‌شوند و تعدادشان رو به رشد است. ایشان مهم‌ترین خاستگاه نظری راست‌گرایان مسیحی هستند. هسته مرکزی پیروان این جریان، مطلق‌گرا و معتقد به نبرد دائم بین خیر و شر هستند. «بازگشت دوم حضرت مسیح» در «آخر الزمان» بعد از طی مراحلی که نهایت آن به «جنگ و ویرانی بزرگ» ختم می‌شود، از جمله مبانی اعتقادی این جریان است.

بر مبنای چنین اعتقاداتی حضرت مسیح روزی به زمین باز خواهد گشت و برای هزار سال حکومت خواهد کرد. اقدامات مسیح طی هفت مرحله صورت می‌گیرد که اکنون مرحله ششم، یا مرحله کلیسا،

است. مرحله بعد، «آخر الزمان» است که طی آن حضرت مسیح به سوی زمین رو می‌کند و مؤمنان مسیحی را حیاتی دوباره می‌بخشد. سپس «ضد مسیح» در زمین ظاهر خواهد شد و خود را به دروغ منجی یهودیان خواهد خواند. برخی معتقدند آنچه موجب باور برخی به ضد مسیح می‌شود این است که او قادر به اعاده صلیبی ظاهری در خاور میانه خواهد شد. حکومت ضد مسیح، هفت سال به طول می‌انجامد و دوره «رنج یا آزمایش بزرگ» خوانده خواهد شد. آنها معتقدند تاریخ بشر در طی نبردی در آخر الزمان به نام «آرماگدون» به پایان می‌رسد و نقطه اوج آن ظهور دوباره مسیح است. پس از آن، دوری نهایی برای همه مردگان و زندگان انجام می‌شود.

اصول آموزش هواخواهان «مشییت الهی» این است که قبل از استقرار پادشاهی جهانی مسیح، مطابق پیشگویی‌های کتاب مقدس، ابتدا باید یهودیان به اسرائیل بازگردند. سپس دولت یهود تأسیس و کلام خدا برای همه امت‌ها تبلیغ شود. آنها معتقدند یک روز، یک یهودی افراطی، قدس را منفجر خواهد کرد. سپس در جای آن معبد سلیمان بازسازی می‌شود و مراسم قربانی یهود از نو آغاز می‌شود و سپس نوبت به آرماگدون خواهد رسید.^۶

پی‌نوشت:

۱. Encyclopedia of religion, Eliade, vol. ۵, page ۵۲.
۲. بنیادگرایی به معنای سرسختی در مذهب و جهان بینی است که هدف آن پیشبرد تفکر و اندیشه بر بنیاد ریشه‌های اولیه دین و ایدئولوژی است.

۳. اوانجلیک.
۴. رابرت آی، وان وورریست؛ مسیحیت از لابه‌لای متون؛ ترجمه جواد باغبانی.

۵. در حدود هفتاد میلیون نفر.

۶. فهیم دانش، علی؛ «مسیحیان صهیونیست را بهتر بشناسیم»؛ سایت مضاف: masaf.ir

تأثیر ادیان باستانی دوگانه و سه‌گانه پرست بر مسیحیت

محسن گلپایگانی (دانشجوی دکتری ادیان ابراهیمی)

▲ تأثیر آیین میترائیسم بر مسیحیت

میترائیسم یا آیین مهرپرستی یکی از بزرگ‌ترین و قوی‌ترین ادیان رایج در دنیا و رقیبی جدی برای مسیحیت بود. میترائیسم از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح بین آریایی‌ها به عنوان خداوند پیمان رواج داشته است و در قرن یکم میلادی، در زمان امپراتوری اشکانی از طریق ارمنستان به اروپا رفت و با اندیشه‌های افلاطون در هم آمیخت. این آیین بیش از سیصدسال در ممالک روم دوام داشت؛ ولی با ظهور و رسمیت یافتن مسیحیت، کم‌کم از میان رفت؛ اما بسیاری از اصول آن در دین عیسی باقی ماند.

▲ تأثیر دوگانه پرستی آیین گنوسی بر مسیحیت

آیین گنوسی را گاهی گنوستیسیسم (Gnosticism) نیز می‌نامند. تا اواخر قرن نوزدهم، عقیده حاکم این بود که گنوستیسیسم منشأ مسیحی دارد؛ اما امروزه با کشف متون جدید و مطالعه آنها، این عقیده به وجود آمد که نظریات گنوسی در جهان مسیحی شکل نگرفته است و مسیحیان تنها یک نوع از انواع گنوسیس را در تاریخ ارائه داده‌اند.^۱ درست است که از قرن دوم به بعد، گنوسیس‌ها برای تأیید افکار خویش به کتب مقدس عیسوی استناد می‌جستند؛^۲ ولی در حقیقت، نظریات گنوسی از یک قرن قبل از ظهور مسیحیت در تاریخ وجود داشته است.^۳ اعتقادات گنوستیسی در ادیان و مکاتب فلسفی پیش از مسیحیت مانند ایران، یونان، مصر، روم و برخی فرقه‌های یهودی ریشه دارد.

گنوسیس نوعی معرفت و شناخت باطنی است که - طبق ادعا - از طریق آن می‌توان از جهان مادی و شرّ نجات یافت و به عالم معنوی و خیر نایل آمد. آیین گنوسی به ثنویت اعتقاد دارد و خدای واقعی و متعالی را از خدای خالق این جهان متفاوت می‌داند. به اعتقاد گنوسی‌ها، جهان مادی، شرّ، فاسد و مخلوق خدای خودخواه و نادان است.

گنوسی‌های مسیحی، خدای یهود (یهوه) را خالق این دنیای مادی می‌دانند و شریعت تورات را نیز مطابق خواست این خدا می‌دانند. آنان معتقدند که روح از خدای خیر است و باید از عالم مادی نجات یابد. خدای خیر و متعالی برای نجات روح انسان، فرزند خود عیسی مسیح را به پاری‌اش فرستاد تا او را به یاد خدای خیر و جایگاه اصلی‌اش بیندازد. آموزه‌های گنوسی درباره انسان، نجات و عیسی مسیح در تعالیم عهد جدید - به

خصوص در رساله‌ها و نامه‌های پولس و یوحنا نویسنده انجیل چهارم - به خوبی نمایانده شده است که بیانگر تأثیرپذیری آن دو از آیین گنوسی است. لقب‌هایی مانند گوسفند خدا، فرزند خدا، بردارنده گناهان، فدا شونده، خدای نجات‌بخش، کلمه و لوگوس، همه اینها القاب و الفاظی است که از قبل در میان بت‌پرستان، فلاسفه یونان قدیم و... وجود داشت و پولس با آگاهی از آنها استفاده کرده است.^۴

بزرگ‌ترین جشن مهر در روز ۲۵ دسامبر

بوده است که آن را روز تولد مهر

می‌دانستند و در بین مسیحیان این روز

عید فصیح و روز صعود عیسی تصور

می‌شود.

در میترائیسم هفت درجه و مقام تقدس قائل بودند که برای وارد شدن به هر یک از درجات، شست‌وشوی مخصوصی لازم بوده است؛ غسل تعمید در مسیحیت برگرفته از همین آموزه است. مهرپرستان در روزهای هفته از ستاره خاص همان روز استغاثه می‌کردند و روز یکشنبه را مخصوص به خود مهر می‌دانستند و مقدس می‌شمردند. بزرگ‌ترین جشن مهر در روز ۲۵ دسامبر بوده است که آن را روز تولد مهر می‌دانستند و در بین مسیحیان این روز عید فصیح و روز صعود عیسی تصور می‌شود. در مسیحیت مراسم عشای ربانی که عبارت است از شراب و نان و آن را خون و گوشت مسیح می‌نامند، همان هوم و روان آیین مهر است که فقط نامش تغییر پیدا کرده است. از ناقوس و ارغنون کلیسا گرفته تا این عقیده که مسیح خود را برای نجات دنیا فدا کرد، از آیین مهر گرفته شده است.^۵

▲ تأثیر آیین‌های سه‌گانه پرست بر مسیحیت

آموزه تثلیث یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین اعتقادات مسیحیان است. آنان اعتقاد به سه اقدوم را جزو اعتقادات اصلی خود به شمار می‌آورند و به شدت از آن دفاع می‌کنند. اعتقادنامه‌های مسیحی هم تأکید بسیاری بر این مسئله دارند.^۶ به نظر می‌رسد تثلیث بر اثر تحریف، وارد دین مسیحی شده است و در دین مسیحیت فقط اسامی خدایان سه‌گانه، تغییر پیدا کرد. با رجوع به تاریخ، انطباق این افکار با افکار مشرکین به خوبی آشکار می‌گردد.

تثلیث در بین النهرین

قرن‌ها پیش از مسیح تثلیث‌هایی از خدایان در بابل



تثلیث بر اثر تحریف، وارد دین مسیحی شده است و در دین مسیحیت فقط اسامی خدایان سه گانه، تغییر پیدا کرد. با رجوع به تاریخ، انطباق این افکار با افکار مشرکین به خوبی آشکار می‌گردد.



و آشور قدیم وجود داشت. در این ادیان عالم به سه ناحیه تقسیم شده بود و هر ناحیه به قلمرو یک خدا تعلق داشت. آنها با یکدیگر مجموعه سه‌گانه خدایان اعظم را تشکیل داده بودند.

تثلیث مصری

مصر یکی از خواستگاه‌های تثلیث در ادیان ابتدایی است. تثلیث مصری این‌گونه است: اوزیریس (پدر) ایزیس (مادر) و هروس (پسر). مصریان اوزیریس، ایزیس و هروس را به مقام الوهیت رسانده بودند. این سه، خانواده‌ای در پنتئون یا مجموعه خدایان مصری هستند.

تثلیث هندو

تثلیث هندو قرن‌ها پیش از مسیح وجود داشته است. در این آیین براهما، ایزد آفرینش، در کنار ویشنو (خدای محافظ) و شیوا (خدای هلاکت)، از ایزدان تریموتی است. تریموتی به برخی از تفاسیر تثلیث مسیحیان چون سابلیانیسم (Sabellianism) شباهت دارد و تعبیر «سه در یک» موجود در تثلیث مسیحیت در تریموتی نیز وجود دارد.

ادوارد گیبون در کتاب «تاریخ مسیحیت» می‌نویسد: «اگر بت‌پرستی مغلوب مسیحیت شد، مسیحیت نیز به همان میزان به بت‌پرستی آلوده گشت. کلیسای روم خداگرایی محض مسیحیان اولیه را به عقیده خشک و غیرقابل درک تثلیث مبدل کرد». کتاب «بت‌پرستی در مسیحیت ما» ادعان می‌کند: «منشأ [تثلیث] کاملاً بت‌پرستانه است».^۷

پی‌نوشت:

۱. ایلخانی، محمد؛ «مذهب گنوسی»؛ معارف؛ دوره دوازدهم، ش ۱ و ۲، فروردین - آبان، سال ۱۳۷۴؛ ص ۱۶-۱۷.
۲. میرچا الیاده؛ آیین گنوسی و مانوی؛ ص ۱۸.
۳. ایلخانی، محمد؛ پیشین؛ ص ۱۷.
۴. آزادیان، مصطفی؛ «تنوی‌گری در آیین گنوسی و نقد آن»؛ معرفت ادیان؛ سال اول، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۹؛ ص ۵۷-۸۲.
۵. عطاء‌الهی؛ زرتشت، تأثیر میترا ایسم بر مسیحیت.
۶. رک به اعتقادنامه نقیه، قسطنطنیه و ...
۷. «ریشه‌های تثلیث مسیحی در ادیان باستانی و قدیم»؛ دایره‌المعارف طهور؛ <http://www.tahordanesh.com>

تعامل ادیان

دین و کارزار سحر و سحر

محمدصادق احمدی
دانشجوی دکتری دین پژوهی

تساهل و تسامح از مصدر باب تفاعل اند و معنای نزدیکی با هم دارند. برخی از معانی‌ای که برای این عبارت به‌کار رفته است از این قرار است: آسان‌گیری، مدارا کردن، کوتاهی کردن، فروگذار کردن، سعه صدر، ملایمت و ارفاق.^۱

اسلام تساهل و تسامح صحیح را تحمل عقاید مخالف می‌داند، آن‌هم در حالی که باورهای خویش را کنار نگذاشته و حقانیت آن را مسلم بداند. در این مرحله اسلام دو گونه تساهل و تسامح را طرح می‌کند: یکی با مخالفان و دیگری با موافقان و مؤمنان. تساهل با مخالفان به معنای سعه صدر و گشودن باب گفتگوی علمی در عین توانمندی فائق آمدن بر ایشان است؛ اما تساهل و تسامح با مؤمنان بدین معناست که اسلام در امور دینی از مکلفان توقع انجام تکلیفی بیش از آنچه در توانشان است، ندارد و به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های بشری توجه می‌کند.^۲

اسلام در سومین سوره قرآن نظر خویش را در مورد این مسئله به شکلی بدیع مطرح کرده است، آنجا می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین».^۳ این آیه به‌صراحت عدم وجود اکراه در مورد انتخاب دین را به پیروان دین اسلام آموزش می‌دهد؛ زیرا حکمت آفرینش انسان، کمال انسان بر مبنای آزادی و اختیار اوست؛ البته این بدان معنا نیست که اسلام با کفر و شرک کنار بیاید. از دیگر آیاتی که بر این مطلب دلالت دارند این موارد است: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج»^۴ یا «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج»^۵ و یا «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر».^۶

روایات اسلامی نیز مملو از مفاهیمی است که در برخی از آنها صراحتاً به سهل‌گیری در اسلام تصریح شده است؛ مانند آنجا که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «بعثت بالحنیفة السمحة».^۷

البته باید توجه داشت که درباره تساهل و تسامح در اسلام دو رویکرد عمده میان مسلمانان معاصر وجود دارد. یکی رویکردی است که تأکید و اصرار بر آن گاه ممکن است تا مرز بی‌هویتی و ضربه زدن به باورها و اعتقادات کشیده شود. این رویکرد، تساهل را ذاتی دین دانسته، معتقد است دین با سخت‌گیری سازگاری ندارد؛ زیرا همان‌گونه که جان لاک استدلال کرده با سخت‌گیری و عدم تساهل ریاکاری و ناخالصی وارد دین می‌شود.^۸

اما رویکرد دیگر که پشتوانه قرآنی و روایی دارد و سنت صحیح اسلامی نیز آن را تأیید می‌کند، این تفسیر است که احکام اسلامی در قیاس با دیگر ادیان از سهولت بیشتری برخوردار است و علاوه بر این، اسلام در اصل انتخاب دین نیز با تساهل و آسان‌گیری برخوردار کرده است.

تساهل و تسامح در غرب

آنچه امروزه برخی از محققان و مترجمان سهواً در برابر تساهل و تسامح قرار می‌دهند، واژه تولرنس (tolerance) است. این در حالی است که تولرنس به معنای تحمل کردن و مدارا نمودن است و کمی تفاوت معنایی با تساهل و تسامح دارد. مهم‌تر از این تفاوت، اختلاف کاربردی این دو واژه است. تولرنس بیشتر برای امور سیاسی و مدیریتی استفاده می‌شود؛ در حالی که تساهل و تسامح در اسلام مسئله‌ای اخلاقی است.^۹



مسیحیان با استناد به برخی از سخنان پولس شریعت را به طور کامل کنار نهاده‌اند. باور ایشان این بود که با مرگ عیسی ایشان نیز نجات یافته و دیگر نیازی به رعایت شریعت ندارند؛ بنابراین با آسان گرفتن در شریعت به تدریج تمامی مظاهر شریعت از میان مسیحیان رخت بر بست و کلیسا ناگزیر به وارد کردن شعائر هفت‌گانه^{۱۲} برای التزام عملی مسیحیان به دین شد.

پی‌نوشت:

۱. فرهنگ معین؛ ج ۱، ص ۱۰۷۸؛ ر. ک. المنجد و لسان العرب.
۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۰۵، ر. ک. بقره: ۲۸۶.
۳. بقره: ۲۵۶.
۴. حج: ۷۸.
۵. مائده: ۶.
۶. بقره: ۸۵.
۷. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۱۷.
۸. کدیور، محسن؛ «تسامح و تساهل دینی، پویایی و بالندگی یا التقاط و انحراف»؛ کیهان فرهنگی، ش ۱۳۵، ص ۴.
۹. داوری، محسن؛ «تساهل و تسامح»؛ نامه فرهنگ؛ ش ۴۸، ص ۴.
۱۰. بشیریه، حسین؛ دولت عقل؛ ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی؛ ج ۱، تهران؛ مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۴، ص ۷۱-۱۱۰.
۱۱. مک‌گراث، الیستر؛ مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی؛ ترجمه پهلروز حدادی؛ ج ۲، قم؛ دانشگاه ادیان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴.
۱۲. ازدواج، تممید، تأیید، توبه، عشای ربانی، دستگذاری، تدهین.
۱۳. ماتزراث، آر. و پی. سورگل؛ «آیین کالونی»؛ ترجمه محمد حقانی فضل؛ دانشنامه ادیان.
۱۴. نیکزاد، عباس؛ «تسامح و تساهل در آموزه‌های پیامبر اعظم و تفاوت‌های آن با تسامح و تساهل در لیبرالیسم»؛ اندیشه تقریب؛ س ۳، ش ۹ (زمستان ۱۳۸۵).
۱۵. اصفهانی، سجاد؛ «تساهل و تسامح در دین»، مجله نور علم؛ ش ۱۰، دوره سوم (۱۳۶۴).
۱۶. نور؛ ۲.

در غرب مطرح شد، بدون هرگونه غرض‌ورزی و تعصب، باید اذعان کرد که به‌گواه تاریخ، رفتار و تعامل پیامبر اسلام ﷺ و ائمه طاهرين در برخورد با مسلمانان و نیز غیرمسلمانان همواره با آسان‌گیری و تساهل همراه بوده است. هر چند ممکن است در قرون بعدی مسلمانان در دوره‌هایی متأثر از فرهنگ غرب، اندیشه و یا ایده‌های مبتنی بر رواداری و آسان‌گیری در برخورد با مخالف را وارد جامعه اسلامی کرده باشند، در وهله نخست این حکومت و جامعه اسلامی بوده که در تعاملاتی که با مسیحیان و غربیان داشت، شیوه مدارا و تساهل را به ایشان آموخت.^{۱۴}

نخستین تأثیری که جامعه اسلامی در این رویکرد بر مسیحیان نهاد، در همان سال‌های پس از جنگ‌های صلیبی بود. مسیحیان با ورود به اورشلیم و مشاهده زندگی راحت و بی‌دغدغه یهودیان و مسیحیان در حکومت اسلامی از این شیوه استفاده کرده، نهایتاً تا چند قرن بعد اصول این شیوه را میان جوامع مسیحی پیاده کردند. این تغییر رویکرد مشخصاً از قرن هفدهم و با اندیشمندانی چون جان لاک شروع شد و به تدریج گام در مسیر تکامل نهاد.^{۱۵}

اما آنچه تأثیر جامعه اسلامی از فرهنگ تساهل و تسامح در غرب خوانده می‌شود، بیشتر همان رویکردی است که از نظر شرع اسلام و سیره مسلمانان نوعی وادادگی تلقی می‌شود و در جامعه اسلامی پذیرفتنی نیست.

تساهل به معنای ولنگاری و کوتاه آمدن از اجرای حدود و احکام الهی که منجر به دست برداشتن از برخی باورهای دینی می‌شود، بنابر نظر شریعت اسلامی مذموم بوده و مؤمنان از آن نهی شده‌اند. این‌گونه نرمش در اسلام با نام مدهانه و مसानعه شناخته می‌شود.^{۱۶}

در تمدن غربی تاریخچه ورود این بحث را گاهی تا دوران سال‌های آغازین شکل‌گیری کلیسای مسیحی پیش می‌برند و گاهی آن را ناشی از تمدن فلسفی یونان باستان می‌دانند؛ اما از زمانی که کلیسا قدرت را در دستان خود دید، وجود مخالفان خویش را بر نتافت و اهتمام خویش را در محو فیزیکی مخالفانش قرار داد. این رویه در کلام بزرگانی چون قدیس آگوستین که مجازات مرتدان و مخالفان را مرگ می‌دانست به خوبی هویدا می‌شود.^{۱۱} علاوه بر آگوستین در سال‌های نهضت اصلاح دینی نیز مؤمنان مسیحی مخالفان خویش را شکنجه می‌کردند و گاهی ایشان را به جرم داشتن باوری بر خلاف باور رایج، زنده‌زنده در آتش می‌سوزاندند.^{۱۱}

باید خاطر نشان کرد که در مسیحیت تسامح و تساهل در امور شرعی به گونه‌ای متفاوت وارد شده است. مسیحیان با استناد به برخی از سخنان پولس شریعت را به طور کامل کنار نهادند. باور ایشان این بود که با مرگ عیسی ایشان نیز نجات یافته و دیگر نیازی به رعایت شریعت ندارند؛ بنابراین با آسان گرفتن در شریعت به تدریج تمامی مظاهر شریعت از میان مسیحیان رخت بر بست و کلیسا ناگزیر به وارد کردن شعائر هفت‌گانه^{۱۲} برای التزام عملی مسیحیان به دین شد.

اما در دوران رنسانس و نهضت اصلاح دینی، اصلاح‌طلبان همین شعائر را نیز حذف کردند و فقط دو مورد (عشای ربانی، تعمید) از آن هفت مورد را نگاه داشتند. امروزه در بیشتر کلیساهای پروتستان فقط همین دو مورد وجود دارد.^{۱۳}

تأثیر و تأثر اسلام و غرب در بحث تساهل و تسامح
 با توجه به آنچه در تاریخ بحث تساهل و تسامح

تحلیل و نقد

دین‌ورزی به شرط فقدان شریعت

محسن گلپایگانی
دانشجوی دکتری ادیان ابراهیمی

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در الهیات مسیحی بحث «شریعت» است. شریعت دو معنا دارد: شریعت در معنای عام، مترادف کلمه دین است و در معنای خاص، احکام و دستورها و عبادات و اخلاقیاتی است که هر پیغمبر می‌آورد. در این مقاله مقصود از شریعت، معنای خاص آن، یعنی احکام و دستورهای فقهی است.

شریعت یهودی

یهودیان معتقدند که شریعت از زمان نوح بر انسان‌ها واجب شده است و با رعایت آن می‌توان به رستگاری رسید. شریعت نوح، هفت فرمان است که خدا به نوح داد.^۱ شریعت نوح تا زمان ابراهیم ادامه داشت و بنا به روایت کتاب مقدس، در زمان ابراهیم، ختنه‌کننده نشانگر عهد بین او و خدا بود، به فرمان‌های پیشین افزوده شد.^۲

پس از ظهور موسی و خروج بنی‌اسرائیل به همراه او از مصر، موسی ده فرمان را بر دو لوح برای قوم به ارمغان آورد. از این به بعد این ده فرمان به همراه سایر محرمات و واجباتی که خدا به موسی داده بود که مجموعاً شامل ۶۱۳ حکم می‌شدند، شریعت فقهی بنی‌اسرائیل را تشکیل دادند.^۳

شریعت عیسوی

شریعت و احکام یهودی تا زمان عیسوی رسمیت داشت و بسیار خشک و ظاهرگرایانه اجرا می‌شد؛ اما عیسوی علیه السلام ظهور کرد و از این رویه انتقاد کرد.^۴ با بررسی عهد جدید می‌توان گفت در مسیحیت دو نوع شریعت وجود دارد:

شریعت عمل: شریعت عیسوی مبتنی بر شریعت یهود. در اناجیل همونوا (متی، مرقس و لوقا)، حضرت عیسوی فردی است که در صدد اصلاح شریعت موسوی است.

عهد جدید نشان می‌دهد حضرت عیسوی رعایت تعالیم شریعت موسوی را لازم می‌دانست و در صدد نفی آن نبود:

«گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم؛ زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه

واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچک‌ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود؛ اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.»^۵ «آنکه عیسوی آن جماعت و شاگردان خود را خطاب کرده گفت: کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشستند؛ پس آنچه به شما گویند نگاه دارید و به‌جا آورید، لیکن مثل اعمال ایشان مکنید؛ زیرا می‌گویند و نمی‌کنند...»^۶

قرآن کریم نیز ضمن آنکه برای حضرت عیسوی کتاب آسمانی جدیدی معرفی می‌کند،^۷ بر تأیید تورات از سوی عیسوی علیه السلام همراه با پدید آمدن اصلاحاتی در شریعت موسوی برای آسان‌تر ساختن شریعت قبلی، تأکید کرده است.^۸

شریعت ایمان: در دیدگاه دیگر که در آموزه‌های پولس و انجیل یوحنا وجود دارد، عیسوی صاحب شریعتی جدید است. در این نظام الهیاتی، شریعت موسوی نفی می‌شود و شریعتی جدیدی به نام «شریعت ایمان» جای آن را می‌گیرد که بر ایمان به جای انجام تکالیف شرعی تکیه می‌کند.

نظریه پولس در مورد شریعت، مبتنی بر دیدگاه الهیاتی خاص اوست که به مباحثی مانند ایمان، فداء و نجات ربطی وثیق دارد. پولس شریعت را برای دوره قبل از آمدن مسیح می‌دانست که با فدا شدن عیسوی مسیح، دوره کارآمدی شریعت (اعمال) به پایان رسیده است. پولس معتقد بود وجود شریعت دیگر لازم نیست، بلکه مضر است: «اما شریعت در میان آمد تا خطا زیاده شود».^۹

پولس اعلام کرد ختنه (نماد شریعت) واجب نیست و رعایت حلال و حرام در طعام و شراب ضرورت نخواهد داشت.^{۱۰} او عمل به شریعت را غیر ضروری معرفی کرد و در نهایت با حمله به حواریون که عمل به شریعت را لازم می‌دانستند، پیروی از شریعت را غیر مجاز اعلام کرد.^{۱۱}

بنابر الهیات پولسی، مؤمنان به فیض مجانی خدا از طریق کفاره مسیح، عادل شمرده می‌شوند: «و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند، به وساطت آن فدیة که در عیسوی مسیح است...»^{۱۲}

توجیه او این بود که همچنان‌که به گناه آدم بسیاری مردند و روح انسان‌ها اسیر گناه شد، با فدیة و مرگ مسیح، بسیاری زنده و از اسارت گناه آزاد شدند.^{۱۳} او در واقع، با این اندیشه، شریعت جدیدی پدید آورد که آن را شریعت ایمان نام نهاد: «به کدام شریعت؟ آیا به شریعت اعمال؟ نی بلکه به شریعت ایمان».^{۱۴}

در عین حال که پولس شریعت را نفی کرد، اما خود او و پیروانش متوجه شدند که دین بدون داشتن اعمال، نمی‌تواند هویت اجتماعی خود را حفظ کند؛ به همین دلیل، اعمالی جدید ایجاد کردند. از میان دستورهای فقهی و اخلاقی، تنها بر دستورهای اخلاقی مانند مهرورزی، انفاق و مانند آن تأکید شد. علاوه بر احکام اخلاقی، به مرور، مراسم‌هایی نیز به‌عنوان مراسم‌های رسمی مسیحیت پذیرفته شد، مانند مراسم عشاء ربانی، تممید، تدهین و به مرور، شوراها کلیسایی و مقام‌هایی مانند پاپ، اسقف و... پدید آمد.^{۱۵}



پولس شریعت را برای دوره قبل از آمدن مسیح می‌دانست که با فدا شدن عیسوی مسیح، دوره کارآمدی شریعت (اعمال) به پایان رسیده است. پولس معتقد بود وجود شریعت دیگر لازم نیست، بلکه مضر است



پی‌نوشت:

۱. پیدایش ۹.
۲. پیدایش ۱۷: ۱-۱۴.
۳. خروج ۲۰: ۱-۱۷.
۴. متی ۲۳.
۵. متی ۵.
۶. متی ۲۳: ۱-۷.
۷. مائده: ۴۶.
۸. آل عمران: ۵۰.
۹. رومیان ۵: ۲۰.
۱۰. ناس، جان بابر، تاریخ جامع ادیان: ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶.
۱۱. اعمال رسولان: ۱۵ و رومیان: ۲-۴.
۱۲. رومیان ۳: ۲۴-۲۶.
۱۳. رومیان ۵: ۱۵-۱۹.
۱۴. رومیان ۳: ۲۷-۳۱.
۱۵. وورست، رابرت ای. وان؛ مسیحیت از لایه‌های متون؛ ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، ص ۴۸۳.

سوگواری در ناصریه^۱

«درنگی در آیین سوگواری مسیحیت»

محمد ادهمی (کارشناس ارشد ادیان ابراهیمی)

وجود روزهای برگزیده دینی و مذهبی یکی از مشترکات ادیان بزرگ جهان است. در همه ادیان الهی روزها و یا ایامی هستند که از آنها به عنوان ایام ویژه مذهبی یاد می‌شود. این ایام ویژه مذهبی در فرهنگ‌های دینی از تقدس فراوانی برخوردارند و متدینان به ادیان شادی و یا غم را جزئی از مناسک و عادات دینی می‌شمارند و با هدف اجر گرفتن از خداوند به آن مباردت می‌ورزند.^۲

مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام را به صلیب کشیدند و به دست و پای ایشان میخ کوبیدند. برخی از گروه‌های آنان از جمله جامعه مسیحی در ایامی که معتقدند این اتفاق رخ داده است گرد هم جمع می‌شوند و به عزاداری می‌پردازند. در مسیحیت چله‌ای بنام چله «لنت» وجود دارد که مسیحیان در آن روزه می‌گیرند. هفته آخر این چله هفته مقدس^۳ است و عزاداری مسیحیان برای شخص عیسی مسیح در این هفته صورت می‌گیرد. این آیین نخست صرفاً در دیرها و صومعه‌ها مرسوم بوده و سپس مؤمنان عادی نیز آن را انجام می‌دادند.

در اروپای قرون وسطی دسته‌های شلاق زنان مسیحی رواج داشته است. اولین سند تاریخی که این سنت را نقل می‌کند به سال ۱۲۶۰ میلادی برمی‌گردد. در آن سند گفته می‌شود که راهبی به نام رانتری فزانی ملیس به لباده‌ای از گونی، با شلاقی از رشته‌های چرمی در خیابان‌های شهر پروچیا راه افتاده بود و مردم را به تقلید از خود دعوت می‌کرد. مردم زیادی همان لباس را پوشیدند و با شلاق خودزنی کردند. خیلی زود این آیین در روستاهای اطراف آن شهر گسترش یافت و بعد به شهرهای دیگر کشیده شد. در کمتر از دو ماه، در خیابان‌های اغلب شهرهای ایتالیا دسته‌هایی مشاهده می‌شد از مردهای نیمه برهنه‌ای که خود را شلاق می‌زدند. در این مراسم ضمن اجرای شلاق‌زنی اشعاری به زبان لاتینی خیلی ساده و دارای قافیه خوانده می‌شد. از همه مشهورتر شعر «استاباتامتر» بود که هنوز در کلیسا خوانده می‌شود و بیانگر غم و غصه مریم، مادر عیسی، است؛ وقتی به یاد صلیب ایستاده بود در حالی که فرزندش بر روی آن می‌خکوب شده بود. شب‌ها زنان در خانه‌ها یا نمازخانه‌ها جمع می‌شدند و به شلاق‌زنی می‌پرداختند.

این عادت از مرز ایتالیا فراتر رفت و فرانسه، آلمان و لهستان را فراگرفت. به مرور زمان فعالیت این دسته‌ها صورت منظمی به خود گرفت و انجمن‌هایی پدید آمد با آیین‌نامه‌ها و قوانین مشخص که علاوه بر شلاق زدن خود، اعمال خیر نیز انجام می‌دادند. از

قرن سیزدهم تا چهاردهم این انجمن‌ها اصلی‌ترین عوامل انجام کارهای خیر بودند. در بعضی از شهرها مانند رم، هنوز بیمارستان‌هایی از آن دوران باقی مانده است که در آرم آنها تصویر یک شلاق به چشم می‌خورد. هنوز در بعضی از استان‌های ایتالیای جنوبی و اسپانیا انجمن‌هایی از شلاق زنان وجود دارد که اعضای آن با شلاق چرمی یا با چند دسته نی

از اشکال دیگر عزاداری در مسیحیت حمل نمادین تابوت است. گذاشتن تاج خار بر سر از نموده‌های دیگر عزاداری مسیحیت است. مسیحیان برای تشبیه به عیسی، خود را ملامت می‌کنند؛ که چرا وقتی عیسی شلاق خورد یا مصلوب شد او را همراهی نکردیم. در مسیحیت عزاداری برای عیسی مغفرت الهی برای خود است.



خود را می‌زنند. در هفته مقدس اعضای آن انجمن‌ها لباده‌های سفید بلند بر تن می‌کنند که پشت آن باز است تا شلاق به پوست بدن اصابت کند. مقامات کلیسا فعالیت‌های آن انجمن‌ها را رسمیت بخشید و قوانینی وضع کرد تا کسانی که به این مرام ملحق می‌شدند، زندگی ساده‌ای را در پیش بگیرند. قوانین از این قرار بود: افراد عضو باید لباس‌هایی از پشم زمخت و به رنگ تیره به تن کنند، موهای خود را بتراشند و صورت اصلاح نکنند و ریش مرتب نکنند. مهم‌ترین دستورشان پرهیز از ثروت و تجملات بود. اعضای آن انجمن‌ها چهار روز در هفته در طول تمام سال روزه کامل می‌گرفتند و بعضی‌ها از روابط زناشویی نیز خودداری می‌کردند.

شکل دیگر عزاداری مسیحیت، تعزیه‌خوانی بر مسیح است. گاهی حمل صلیب در این تعزیه‌خوانی‌ها نمود پیدا می‌کند. در تعزیه مسیحیت، «مریم‌خوانی» از جایگاه خاصی برخوردار است. در این برنامه ذکر مصیبت از زبان مریم در شرایطی که فرزندش بالای صلیب است، صورت می‌گیرد.

امروزه این نوع عزاداری‌ها در بعضی نقاط ایتالیا و اسپانیا برقرار است؛ ولی محتوای کهن خود را از دست داده است و صرفاً صورت ظاهری آن باقی مانده است. در مسیحیت فلسفه عزاداری در حقیقت سوگواری کردن و گریستن بر کسی نیست. عزاداری در مسیحیت نوعی همانندسازی است. در مسیحیت غایت اخلاقی «تشبیه به مسیح» است؛ به همین دلیل است که آنان در همه چیز حتی در زجر کشیدن و بر صلیب شدن هم مایل‌اند این تشابه را نشان دهند. ♦

پی‌نوشت:

۱. برگرفته از نامه‌ارسالی پرفسور فرانکو آماتو، شرق‌شناس ایتالیایی به مجله فلسفه و کلام؛ ضمیمه خردنامه همشهری؛ شماره ۱۸ (۱۹ فروردین ۱۳۸۱).

۲. ابطحی، محمد علی؛ عزاداری، اصل مشترک ادیان؛ پایگاه اطلاع‌رسانی چهاران: http://jamaran.ir/fa/asp/NewsContent-id_22828.

۳. هفته‌ای که به اعتقاد مسیحیان، مسیح دستگیر، محاکمه و به صلیب کشیده شده است.



تعامل ادیان

کدام فدا کدام بخشایش

سید محسن باقی زاده (طلبه سطح عالی حوزه)

«وَفَدَيْنَاهُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ»^۱ هر چند امتحانی سخت برای ابراهیم علیه السلام بود، اما خبری آمد مسرت بخش برای ابراهیم حنیف علیه السلام. ای ابراهیم، فدیة ای عظیم به جای نازنین پسرت دادیم، رهاکن نازدانه ات را. هر چند ارباب تفاسیر، فدیة عظیم را به همان قربانی بهشتی اعطایی خداوند، تفسیر کرده اند، اما تا من الحجاج علیه السلام در روایتی می فرماید: «خداوند از گوسفندی بهشتی به عنوان ذبح عظیم یاد نمی کند؛ بلکه مشیت الهی بر آن بود که اسماعیل علیه السلام قربانی نشود؛ ولی در امت خاتم الانبیاء علیه السلام ذبح بزرگی انجام شود که همانا آن، حسین بن علی علیه السلام است»^۲. این قربانی عظیم در محرم سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد و حسین علیه السلام زندگی دنیوی اش را فدا کرد. مسئله اساسی این است که این ذبح شدن، این فدا شدن چرا و برای چه بود؟

دلیل این فدا را امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین چنین بیان فرموده است: «وَبَدَلٍ مُّهِجْتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَ تَقْدُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الضَّلَالَةِ». عرب زمانی کلمه بدل را به کار می برد که شخص هیچ چشم داشت و طمع، در بخشش خود نداشته باشد. حسین علیه السلام برای رهایی انسان ها از ضلالت و گمراهی، تمام هستی خود را بخشید.

مسئله رهایی انسان ها، از دیرباز یکی چالش های پیش روی ادیان بوده است. نظیر این مطلب را می توان در آیین مسیحیت، به وضوح دید. هر چند این نگاه، از همان نافرمانی حضرت آدم به صورت یک نگرش اعتقادی در غالب ادیان شکل گرفته است، ولی بیشترین تأثیر را در آیین مسیحیت داشته است. بر اساس دیدگاه مسیحی، معصیت آدم، دامن تمام انسان ها را به لکه ننگ گناه آغشته و موجب هبوط انسان از آن جایگاه رفیع و گرفتاری در دنیای خاکی شده است. بدتر اینکه نسل آدم هم به این گناه ذاتی مبتلا شده است. بنابراین نیاز به مطهر گناه، ساده ترین راه حل شمرده می شود.^۳ در این مقال بر آنیم مقایسه ای کوتاه میان مسئله فدا در مسیحیت

و شباهت آن با رویکرد برخی از مسلمانان در مورد قربانی شدن حسین علیه السلام داشته باشیم.

بر اساس تفسیر پولس از جریان به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام، مسیحیان معتقدند که وی با تن دادن به صلیب، بخشش گناهان، پاک شدن، رستگاری و سعادت پیروان را به ارمغان آورده است. در این نوع نگرش، مسیحیان معتقدند که برای جبران گناه موجود در ذات انسان، نه توبه کفایت می کند و نه عمل خوب. بنابراین برای جبران مافات، باید کفاره ای اساسی و فدیة ای ناب پرداخت؛ فدیة ای سالم برای قربانی به درگاه خداوند؛ نه انسان های ذاتا معیوب. بنابراین خداوند بگانه پسرش را در عوض گناهان انسان، فدا کرده است تا همه انسان ها رستگار شوند. ایشان معتقدند پس از این قربانی، پاکی انسان ها را فرارگفت و دیگر نیازی به شریعت احساس نخواهد شد.

در میان مسلمانان هم عده ای معتقدند که امام حسین علیه السلام به استقبال شهادت رفت تا گناهان فساق و فجار امت، بخشیده و اسباب نجات ایشان فراهم گردد. این امر را هم با استناد به تعبیری همچون «یا بَابَ نَجَاةِ الْأُمَّةِ» ذکر می کنند. شیعیان با عذارای برای امام حسین علیه السلام، در مقابل فدکاری وی، مراتب سیاسگذاری خود را اعلام می دارند.^۴

آیا واقعا امام حسین علیه السلام خود را فدا کرد تا امت اسلامی بخشیده شوند؟ آیا خون او کفاره تمام گناهان شیعیان است؟ این تحلیل با اصول مسلم مذهب حقه جعفری ناسازگار است و این گمان که شهادت امام و فرزندانش، سپر بالای معصیت کاران را در مقابل عذاب خداوند خواهد بود، نادرست است. این پندار غلط که هر کس بر مصائب آن حضرت بگریزد، حتی اگر پایبند به ضروریات دین نباشد و غرق در گناه و فساد باشد، اهل نجات است، بی تأثیر از رویکرد پولسی در مسیحیت نیست.

مگر نه اینکه در روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده

است: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحْفًا بِالصَّلَاةِ: شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نخواهد رسید»^۵ یا اینکه خود امام حسین علیه السلام فرمود: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی و ان امر بالمعروف و النهی عن المنکر». تعبیر امر به معروف و نهی از منکر اشاره به این مطلب دارد که قیام عاشورا برای امر به معروف بود. امام در گرم کارزار جنگ با یزیدیان، با اعطای چند شهید، نماز اول وقت ظهر را به جامی آورد؛ آن هم به جماعت. در حالی که حضرت می توانست دستور دهد یارانش هر کدام به تنهایی و در زمان های مختلف نماز بخوانند تا کسی از لشکر به شهادت نرسد. خواندن نماز واجب بود؛ اما برگزاری جماعت در آن شرایط سخت چه؟ همه این توصیفات، نشان می دهد که چقدر فدایی عظیم (حسین بن علی علیه السلام) خود پایبند به شرع مقدس بوده است.

اگر امام رضا علیه السلام در آن روایت معروف به ابن شیبب می فرماید: «یا ابن شیبب، ان كنت باکیا لشیء فابک للحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام... یا ابن شیبب! ان بکیت علی الحسین حتی تصیر دموعک علی خدیک، غفر الله لک کل ذنب اذنبته، صغیرا کان او کبیرا، قلیلا کان او کثیرا، یا ابن شیبب ان سرک ان تلقی الله عزوجل ولاد ذنب علیک فزر الحسین علیه السلام: ای پسر شیبب! اگر برای حسین چنان گریه کنی که اشک هایت بر گونه هایت جاری شود خداوند همه گناهان کوچک و بزرگ ترا می آمرزد؛ اندک باشد یا بسیار. ای پسر شیبب! اگر تو را خوشحال می کند که به هنگام ملاقات با خدا گناهی نداشته باشی، پس حسین علیه السلام را زیارت کن»^۶ بدان معنا نیست که شیعیان هر گناه و معصیتی خواستند انجام دهند و فقط با ریختن قطره ای اشک خود را از عذاب الهی برهانند؛ بلکه اشاره به عظمت شأن حضرت حسین بن علی علیه السلام و ثواب گریه کردن بر مصیبت های وارده بر آن حضرت است.

آیا آیات توبه در قرآن به معنای مجوز گناه برای بندگان است؟ مسلما آیات توبه از آن جهت نازل شده اند که

اخبار ادیان

اخبار ادیان

محمد حسن جاویدی



این پندار غلط که هر کس بر مصائب آن حضرت بگرید، حتی اگر پایبند به ضروریات دین نباشد و غرق در گناه و فساد باشد، اهل نجات است، بی تأثیر از رویکرد پولسی در مسیحیت نیست.

آمده است. به نظر می‌رسد تگزاس شاهد ظهور نوع جدیدی از اوانجلیست‌ها - مبلغان مسیح - است که این نوع تبلیغات را برای نشر چیزی که بدان معتقدند انتخاب کرده‌اند.

بر اساس نظرسنجی مؤسسه پیو در سال ۲۰۰۷ بیش از یک سوم از جوانان هجده تا ۲۵ سال خالکوبی دارند و بسیاری از آمریکایی‌های مسن‌تر نیز خالکوبی را زمینه‌ساز تخریب روحیه انسان می‌دانند. این در حالی است که بسیاری از مردم تگزاس این بیلبوردها را نوعی توهین به این پیامبر می‌دانند.

انزجار شدید مردم لهستان از اظهارات اخیر اسقف اعظم کلیسای کاتولیک درباره قربانیان کودک آزاری

شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه): اسقف اعظم کلیسای کاتولیک لهستان به دلیل اظهارات اخیرش درباره کودکانی که مورد آزار جنسی کشیش‌ها قرار می‌گیرند، زیر حمله‌ای از انتقادها قرار گرفته است.

به گزارش آسوشیتد پرس، جوزف میکالیک، چندی پیش گفت کودکانی که از خانواده‌های مسئله‌دار و بحرانی بر خور دارند، خود جویای نزدیک شدن به دیگران هستند و مقصر پیشامدهایی هستند که از این نزدیکی حاصل می‌شود.

انتقادهای عمومی از این اظهارات چنان بالا گرفت که وی مجبور به عذرخواهی شد و گفت در درک اظهارات او، سوء تفاهم پیش آمده است. او تصریح کرد منظورش این نبوده که مسوئولیت آزار جنسی، بر دوش خود قربانیان است.

بیش از دو هفته است که شهروندان لهستان، دوشادوش سیاستمداران این کشور به انتقادهای شدید خود از اسقف اعظم کلیسای کاتولیک لهستان ادامه می‌دهند. گزارش رسانه‌های لهستان نیز حاکی از این است که اسقف میکالیک در سال ۲۰۰۴ از یک کشیش که به سوء استفاده جنسی از یک کودک متهم شده بود، حمایت کرده است.

سخنگوی کلیسای کاتولیک لهستان جوزف کلاچ نیز در پاسخ به انتقادهای عمومی گفته است: کلیسای لهستان در برابر مسئله کودک آزادی هیچ ماشاتی از خود نشان نخواهد داد، اما همه ما نیاز داریم که یاد بگیریم چطور باید درباره این مسئله صحبت کنیم.

برای دریافت تابعیت اسپانیا باید مرتد شوید! به گزارش شیعه آنلاین، اخیراً قانونی در کشور اسپانیا تصویب شده است که بر اساس آن هر فرد مسلمانی که می‌خواهد تابعیت این کشور را دریافت کند، باید از دین اسلام خارج و مرتد شود.

در همین راستا خبرگزاری اروپایی RNW اعلام کرد: بر اساس توافق انجام شده میان کابینه «ماریانو راخوی» نخست‌وزیر اسپانیا با «آنتونیا ماریا» اسقف اعظم این کشور، مقرر گردید که شرط دریافت تابعیت برای مسلمانان، خارج شدن از دین مبین اسلام و مرتد شدن باشد.



گفتنی است این توافق زیر نظر و با تلاش «آلبرتو رویس گباردون» وزیر دادگستری اسپانیا صورت گرفت. بر اساس این توافق مسلمانانی که از اسلام خارج می‌شوند و تابعیت اسپانیایی را دریافت می‌کنند، باید پیرو «مسیحیت کاتولیک» شوند!

مسیح خالکوبی کرده

به گزارش ادیان نیوز، در سطح شهر تگزاس ایالات متحده آمریکا بیلبوردهای متعددی از شمایل مسیح ﷺ وجود دارد که با خالکوبی‌های مختلفی پوشانده شده است. خالکوبی‌های این بیلبوردها گاهی شامل عباراتی توهین‌آمیز هستند. به گزارش این سایت، نوع جدیدی از مبلغان مسیحیت در تگزاس در حال ظهور است.

وب سایت مستولان این تبلیغات می‌نویسد: عده‌ای از مسیحیان عاشق عیسایی هستند که کلیسا ندارند و خواستار تصحیح روابط خلق با این پیامبر هستند. در خالکوبی‌هایی که در این تصاویر منتشر شده است کلماتی نظیر معتاد، ترسو و به درد نخور نیز

مؤمنان با انجام گناه یا گناهانی از بخشایش خداوند رحمان ناامید نگردند. هیچ مؤمنی با خواندن آیات مذکور تأکید بر گناه نخواهد کرد.

درک صحیح قیام عاشورا و فهم فلسفه این حادثه عظیم که با هدف هدایت امت صورت گرفت، نیازمند به مذاقه‌ای سخت و پیچیده نیست؛ چراکه توجه به منش و الگوی رفتاری حضرت معصومین علیهم‌السلام مخصوصاً سید الشهدا، آن را کاملاً مشخص می‌کند. حتی بسیاری از غیرمسلمانان هم وقتی تکه‌های تصویر تاریخ اسلام و زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام را کنار هم قرار می‌دهند، حادثه عاشورا را به معنای قربانی شدن یک نفر برای انسان‌های بی‌قید تفسیر نمی‌کنند. فریشر، مورخ بزرگ آلمانی در این باره معتقد است که «امام حسین علیه‌السلام در فداکاری قدم را از حدود فدا کردن خود فراتر نهاد و فرزندان را هم فدا کرد... تصمیم ثابت حسین علیه‌السلام برای فداکاری مطلق، نه ناشی از لجاجت بود و نه معلول هوس و هوس. او با پیروی از عقل، مصمم شده بود که به طور کامل فداکاری کند تا اینکه مجبور نشود بر خلاف آرمان والای خود به وسیله سازش‌کاری با یزید بن معاویه، به زندگی ادامه دهد»^۸.

پی‌نوشت:

۱. صافات: ۵.
۲. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۲، ص ۱۲۴؛ همان؛ ج ۴۴، ص ۲۲۵.
۳. ریچارد بوش و دیگران؛ جهان مذهبی؛ ادیان در جوامع امروز؛ ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی (۱۳۷۴)؛ ج ۲، ص ۷۳۸.
۴. عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها؛ زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی؛ ص ۶۹.
۵. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۵.
۶. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۳۲۹.
۷. همان؛ ص ۲۸۵.
۸. فریشر، کورت؛ امام حسین و ایران؛ ترجمه ذبیح‌الله منصور؛ تهران: جاودان (۱۳۵۵)؛ ص ۴۴۴.



مبلغان مسیحی در ایران؛ از صفویه تا انقلاب اسلامی

محمد حسن جاویدی

همراز، ویدا؛ مبلغان مسیحی در ایران؛ از صفویه تا انقلاب اسلامی؛ تهران (۱۳۹۱)؛ انتشارات پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی. این اثر در سه فصل به نگرش درآمده است. نویسنده در فصل ابتدایی به بیان تاریخچه‌های از فعالیت مبلغان مسیحیت در ایران پرداخته است. سپس در فصل دوم روش‌های تبلیغ آیین مسیحیت در کشور ایران را توصیف و تبیین نموده و در فصل انتهایی واکنش‌های جامعه ایران از دیرباز تا کنون به تبلیغ مسیحیت را، بررسی کرده است.

نویسنده در این مجموعه کوشیده است تا تلاش‌های اجتماعی، فرهنگی و خصوصاً مذهبی مسیونرهای مسیحی در ایران را با ذکر دلایل حضور آنها و نیز تأثیرات ایشان بر جامعه مذهبی ایران، تبیین کند. مؤلف با این رویکرد که حضور فرهنگ مسیحی - غربی در ایران در سایه تبشیر و تبلیغ آیین مسیحیت شکل گرفته است، سعی دارد برگی از تاریخ فرهنگ ایران را نشان دهد که دستخوش تغییر شده است که بازیگران اصلی عرصه آن مبلغان مذهبی مسیحیت هستند.

مؤلف با بهره‌گیری از اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، وزارت ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات تاریخ معاصر، سازمان اسناد ملی و حتی انجمن مبلغان آمریکا نشان داده است که چرا و چگونه فرق مختلف مسیحیت از جمله کاتولیک و پروتستان، در منطقه خاورمیانه، کشور ایران را به‌عنوان هدف تبلیغی و ترویجی آیین خود انتخاب کرده‌اند و با اتخاذ روش‌های مختلف در ابعاد گوناگون، سعی در گسترش عقاید خود داشته‌اند. این کتاب به همت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در ۳۴۰ صفحه و قطع رقعی به زیور طبع آراسته شده است.

اقامتگاه‌های سوئیس، به گردشگران مسلمان ارائه می‌شود. در این اقامتگاه‌ها همچنین نوشیدنی‌های بدون الکل در قسمتی جداگانه از هتل ارائه می‌شود. هتل‌داران سوئیس هدف خود را از این طرح جلب رضایت گردشگران مسلمان اعلام و ابراز امیدواری کردند که ارائه این امکانات در سوئیس بتواند رضایت مسلمانان را جلب کند و موجب سفر هر چه بیشتر و آسوده‌تر آنان به این کشور شود.

▶ دو سوم از نسل سومی‌ها بی‌دین هستند
کلیساهای پروتست در انقلاب علیه نظام آلمان شرقی نقش عمده‌ای ایفا کردند. امروزه و بعد از گذشت سال‌ها، روز به روز از تعداد مسیحیانی که به این کلیساهای تردد می‌کنند کاسته شده است و این مسئله نشان می‌دهد که میزان تدین در میان آنها کاهش یافته است.

به گزارش ادیان نیوز به نقل از دویچه وله، کشیش «اولریش کاسپاریک»، مسئول یازده کلیسا در قسمت شرقی آلمان تأکید کرد: دو سوم از نسل سومی‌ها بی‌دین هستند و نسبت به اجداد خود و دین مسیحیت هیچ شناختی ندارند.

کلیسای پروتست آلمان شرقی بیش از سایر کلیساهای این کشور شاهد بی‌دینی پیروان خود بوده است؛ اکسل نوواک از اسقف‌های سابق پروتست و استاد دانشگاه تصریح کرد: در طول بیست سال اخیر بسیاری از کلیساهای مرمت شدند و برای آنها کلاس‌هایی گذاشته شد تا شاید این مسئله به نوعی تشویق‌کننده حضور مردم در کلیسا باشد.



وی با اشاره به اهمیت کودکان تأکید کرد: ضروری است که مسائل دینی در مهد کودک‌ها و دبستان‌ها به کودکان آموزش داده شود تا آنان نیز با مطرح کردن پرسش‌ها و بحث‌های دینی، در خانه و نزد والدین خود، برخی از مشکلات موجود را از میان بردارند. اولریش کاسپاریک برای جذب کردن مسیحیان به کلیسای خود اقدام به تأسیس مزرعه‌های پر از گل در قسمت پشتی کلیسا کرده است که برخی از گیاهان آن دارای عمری ۱۰۰۰ ساله هستند! ♦

▶ اولین مسجد در اسلونی

مسلمانان اسلونی با بی‌صبری تمام منتظر آغاز ماه نوامبر هستند تا بعد از مراسم کلنگ‌زنی، عملیات ساخت اولین مسجد در کشور آغاز شود.



به گزارش سرویس ترجمه شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) به نقل از ای نیوز عربیه، مسلمانان اسلونی چهار دهه منتظر ساخت مسجدی بودند که قرار است همزمان با روزهای ابتدایی ماه نوامبر کار ساخت آن آغاز شود. انتظار می‌رود این مسجد در سال ۲۰۱۶ به بهره‌برداری برسد.

«الینکا پراستوک»، رییس جمهوری اسلونی در مراسم کلنگ‌زنی مسجد مذکور که در یک منطقه صنعتی احداث می‌شود، گفت: ساخت مسجد، پیروزی بزرگی بر تمام تعصب‌های دینی است و اروپا بدون وجود اسلام، نمی‌توانست به چنین درجه‌ای از فرهنگ برسد.

در مراسم گذاشتن سنگ بنای مسجد برخی از وزیران، مفتی اسلونی و برخی از شهروندان شرکت کردند. گفتنی است در این مراسم زنان شرکت‌کننده با حجاب حضور یافتند.

مسلمانان که حدود ۴۷ هزار نفر از دو میلیون جمعیت کشور اسلونی را به خود اختصاص می‌دهند، اولین تقاضای رسمی برای ساخت مسجد را حدود ۴ دهه قبل به دولت داده بودند که به دلایلی از سوی مسئولان کشور به تعویق افتاد. مسجد مذکور دارای تالار و مدرسه اسلامی خواهد بود و برای آن بودجه‌ای به میزان ۱۵۰۹ میلیون دلار تعیین شده است.

▶ دوستانه با مسلمان

مذهب نیوز به نقل از ایکنا بیان کرد با افزایش رشد اسلام در اروپا، هتل‌داران سوئیس تصمیم گرفتند، به ارائه خدمات و وسایل رفاهی ویژه مسلمانان در اقامتگاه‌های خود بپردازند. بر همین اساس، بسته ویژه «دوستانه با مسلمان» (muslim friendly) شامل قرآن، جانماز و قطب‌نما برای تعیین جهت قبله در

فصل سوم محراب

حرکت در یک مسیر

تنوع هیئت‌ها در استفاده از امکانات و تجهیزات مدرن و همچنین وجود مداح‌های جوان و سبک‌های جدید و متفاوت باعث شده تا مخاطبان هیئت‌گزینه‌های زیادی برای انتخاب هیئت مطابق با سلیقه خود داشته باشند و بتوانند قسمتی از برنامه زندگی خود را به حضور در آن هیئت اختصاص دهند.

این حضور در هیئت به مرور زمان نوع نگرش و رفتار فردی و اجتماعی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این روند به تدریج یک اجتماع عظیم از جوانان را به وجود می‌آورد که در بعضی مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی با هم هماهنگ هستند. در نتیجه هر هیئت مطابق با ذوق و سلیقه گردانندگان و محتوای ارائه شده توسط آنان به سمت و سویی خاص می‌رود.

استفاده درست و بجا از این پایگاه اجتماعی که هم ظرفیت نیروی انسانی بسیار عظیم و هم ظرفیت محتوایی بسیار غنی‌ای را به خود اختصاص داده است می‌تواند در ارائه سبک زندگی دینی جامعه - به خصوص جوانان - بسیار کارساز باشد. هیئت‌ها چه مداح‌محور باشند و چه سخنران‌محور، یک هدف مشترک دارند.

این حضور پرشور فرصت مناسبی است تا با برنامه‌ریزی اصولی، نیاز مخاطبان خود را از جهت معنوی، اخلاقی، فکری و آموزش مهارت‌های زندگی با استفاده از متون دینی تأمین کنیم.

جمله عیب
می‌بگفتی
هنرش نیز بگو

همه زیر
یک پرچم

کفش‌هایی
... که

نشور و
نشور



مسجد طراز

مسجد باید محور اداره مملکت باشد

در دیداری که با حجت‌الاسلام و المسلمین صفری داشتیم، ایشان درباره مسجد و نحوه ارتباط حکومت با مسجد سخنان گهرباری ایراد کردند که در ادامه گوشه‌ای از آنها را می‌خوانیم.

دولت در مسجد این نیست. ممکن است گفته شود که توده‌های مردم وقتی می‌بینند دولت در امور مسجد دخالت زیادی می‌کند از حضور در مسجد و مراسم‌هایی که در مسجد برگزار می‌شود استقبال نمی‌کنند؛ چون فکر می‌کنند آنان برای منافع دنیوی خودشان می‌خواهند مسجد رونق بگیرد. یا اینکه احساس می‌کنند که در اداره مسجد هیچ نقشی ندارند و برنامه‌ها به شکل بخشنامه‌ای و خشک از بالا اعلام می‌شود. این موضوع برای مردم خوشایند نیست؛ لذا بهتر است که کار را دست مردم بدهیم. دخالت دولت هزینه‌های سنگینی را به دوش دولت می‌گذارد. غیر از حقوق کارمندان، هزینه‌های ساخت و نگهداری و سایر هزینه‌های جاری و هزینه‌های برگزاری مراسم نیز هست.

علمکردهای مراکز و نهادهای متکفل مسجد از قبیل سازمان اوقاف، ستاد اقامه نماز و مرکز رسیدگی به امور مساجد نیز باید بررسی شود. ما در این دولت و قانون اساسی طرح وزارت امور مساجد را با این کارکردها

کودک، اتفاقی برای تشکل‌های فرهنگی، بسیج، کانون، هیئت، امور خواهران، درمانگاه، آشپزخانه، ابدارخانه، انبار، اتاق‌های اداری که برای واحدهای اداری هیئت‌امنا در نظر گرفته می‌شود و اتاق امام جماعت که در دسترس مأموران باشد، برای سؤال‌ها و مشاوره‌ها. حتی اگر بشود باید سالن همایش، سالن ورزشی، پارکینگ، چند کلاس آموزشی را نیز در آن مستقر کرد. اینها چیزهایی است که امروزه باید برای ساخت یک مسجد در نظر گرفته شود. البته ضرورتی ندارد که مسجد با یک معماری مستقل همه این کاربری‌ها را داشته باشد. می‌شود خانه‌های اطراف را خریداری کرد و بخشی را به این فضاها تبدیل کرد و بخشی را از بین برد و تغییراتی ایجاد کرد تا یک مجموعه فرهنگی در نزدیکی مسجد داشته باشیم.

نقش حکومت اسلامی در مسجوداری (ایشان در این بخش به توضیح مقاله‌ای که در حال نگارش آن هستند پرداختند)

نقش حکومت اسلامی در فضای مسجد محور اصلی بحث ماست. ما در وظایف و اختیارات حکومت به ویژه حکومت اسلامی در اداره مساجد چند فصل را در نظر گرفتیم. در ابتدا جایگاه قدسی و کارکردهای اجتماعی مسجد را از منظر قرآن و سنت بررسی کردیم و یک تحلیل فرهنگی سیاسی از نماز جماعت ارائه دادیم. مسجد اولین و مهم‌ترین کارکردش اقامه نماز جماعت است. ما درباره نماز کتاب‌های زیادی نوشتیم؛ اما در باره اسرار نماز جماعت و تحلیل فرهنگی - سیاسی نماز جماعت کتابی تا به حال ندیده‌ام. در حالی که اگر منابع دینی مان را بررسی کنیم، این چنین احساس می‌شود که اصل در نماز، اقامه آن به جماعت است و نماز فراداد یک نوع تخفیف در نماز است.

ما در بحث نقش دولت به این می‌رسیم که حکومت اسلامی باید بستر و ساختاری را ایجاد کند که همه مردم بتوانند نماز خودشان را با کمترین هزینه و زحمت به جماعت برگزار کنند. ما حتی فتوا هم داریم که اصل در نماز، جماعت است. «الذین ان مکتاهم فی الارض اقاموا الصلاة»؛ اولین وظیفه حکومت اقامه نماز است. باید دید که نقش دولت در تحقق هر چه بهتر کارکردهای مسجد چیست؟

درباره وضعیت کنونی مساجد ایران اول باید اوضاع کنونی را آسیب‌شناسی کنیم. بعد بین جایگاه مساجد ایران و جایگاه مسجد در تاریخ و تمدن اسلامی مقایسه کنیم. در این مقایسه می‌بینیم از این جهت انحطاط و عقبگرد به قبل از اسلام داشته‌ایم؛ چون از صدر اسلام تاکنون در هیچ دوره‌ای مسجد این قدر مظلوم نبوده است. بحث دیگر هم بررسی جایگاه مساجد ایران با جایگاه مسجد در سایر دولت‌های اسلامی در عصر حاضر است.

درباره دخالت دولت در مساجد یک نظریه این است که یک عده می‌گویند دولت دینی آری، دین دولتی خیر. از طرف دیگر می‌گویند انگیزه‌های مردمی برای اداره امور مساجد بسیار خالص‌تر و قوی‌تر از انگیزه‌های کارمندی در اداره مسجد است. ما پاسخ می‌دهیم که منظور ما این نیست که برای اداره مسجد کارمند بگیریم؛ منظور ما تولیت و دخالت

رابطه هیئت‌امنا با دیگر تشکل‌های موجود در مسجد و اهمیت طرح جدول سازمانی در مسجد هیئت‌امنا، مسجد مسئولیتی فرهنگی را دنبال می‌کند که ماهیت اصلی و کارکرد اصلی یک مسجد است. مسئول امور فرهنگی مسجد باید با تشکل‌های فرهنگی داخل مسجد مثل بسیج، کانون فرهنگی مساجد، هیئت، و کتابخانه کمیته فرهنگی تشکیل بدهد. در این جلسات باید تقسیم وظایف صورت بگیرد. در همین جلسات تقسیم وظایف می‌تواند این‌گونه باشد:

۱. گروه برنامه‌ریزی؛ که برای تبلیغات مسجد، اذان، تکبیر، قرآن، صوت و مراسمات برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲. گروه پیگیری امور عمرانی، فنی و مهندسی مسجد؛ حضور یک تیم مهندسی در نگهداری و استمرار مدیریت لازم است.

۳. روابط عمومی؛ یکی از هیئت‌امنا به عنوان مسئول روابط عمومی باید به امور نمازگزاران و مشکلات اهالی محله رسیدگی کند. مردم یک محله باید بدانند که تمام مشکلاتشان، چه مشکلات اجتماعی، چه مشکلات عمرانی و شهرسازی و بهداشتی، باید در مسجد حل شود. این مسجدی‌ها هستند که دغدغه رونق و بهبود وضع زندگی مردم محل را دارند. در محله باید اگر کسی هم می‌خواهد پیشنهادی بدهد یا انتقادی کند مرجع و پناهگاهش مسجد و مسجدی‌ها باشند. تشکیل مرکز مشاوره‌ای، در مانگاه یا هر مرکز دیگری بر عهده روابط عمومی است.

۴. تشکیل صندوق قرض الحسنه یا انجمن خیریه.

۵. دبیر اجرایی هیئت‌امنا؛ دبیر اجرایی در عین اینکه مسئولیت گرد هم آوردن اعضای هیئت‌امنا و استفاده از تجارب و تخصص‌های آنان را دارد، باید صورت‌جلسات را به طور منظم ثبت کند و وضعیت امور مالی، نظافت و خادمان افتخاری مساجد را پیگیری کند.

۶. امام جماعت؛ امام جماعت در رأس همه اینها است. اگر امام جماعت قدرت و خلاقیت مدیریت را داشته باشد، بهتر است او رئیس هیئت‌امنا باشد. اگر این طور نیست، دست‌کم عضوی از هیئت‌امنا باشد.

امام جماعت باید بیشترین وقت خود را صرف مطالعه و ارتقا سطح علمی خود کند تا بتواند در حوزه‌های مختلف، جنبه تبلیغی و تعلیمی را از دست ندهد. نباید امام جماعت تمام مسئولیت را بر عهده بگیرد

امام جماعت باید بیشترین وقت خود را صرف مطالعه و ارتقا سطح علمی خود کند تا بتواند در حوزه‌های مختلف، جنبه تبلیغی و تعلیمی را از دست ندهد. نباید امام جماعت تمام مسئولیت را بر عهده بگیرد. متأسفانه مساجد ما فاقد این الگو و جدول مدیریتی هستند.

فضاهای مورد نیاز يك مسجد در دوران کنونی فضاهای جانبی یک مسجد هم مهم است؛ مثل حسینیه، کتابخانه، خانه خادم، خانه عالم، مهد

اصل این است که مسجد باید محور تمام فعالیت‌ها و تمام اداره امور مملکت باشد.

مسجد و زارخانه‌ای می‌خواهد که ده

وزارخانه باید با او هماهنگ باشند. مسکن

و شهرسازی، ارشاد، سازمان تبلیغات،

حوزه‌های علمیه و ...

پیشنهاد می‌دهیم. اصل این است که مسجد باید محور تمام فعالیت‌ها و تمام اداره امور مملکت باشد. مسجد و زارخانه‌ای می‌خواهد که ده وزارخانه باید با او هماهنگ باشند. مسکن و شهرسازی، ارشاد، سازمان تبلیغات، حوزه‌های علمیه و ...

در آرمان شهر مهدوی که مد نظر ماست، هیچ اداره‌ای جز مسجد ندارد. قوه قضاییه ما در مسجد است، تمام امور اجرایی ما در مسجد هست. این چیزی است که از سیره پیامبر و امیرالمؤمنین به دست می‌آید و آنچه در روایات و منابع ما درباره دولت امام زمان دیده می‌شود این است که هیچ نهاد و اداره فرهنگی، هیچ ساختمان و بنای فرهنگی و هیچ محل تجمعی غیر از مسجد وجود ندارد. تمام مسائل در مسجد حل می‌شود. اینکه این طرح چه آثار و برکاتی دارد خودش یک کتاب مستقلی می‌خواهد. با این طرح می‌خواهیم به مدلی برسیم که تمام مشکلات را با کمترین هزینه و بیشترین خدمت در راستای رسیدن به اهداف بلند اسلام حل کنیم.

در تربیت انسان تراز اسلامی بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه مشارکت مردمی و استقبال مردم است. در واقع می‌خواهیم بگوییم که تنها سیستمی که دین برای اداره مملکت در نظر گرفته است نظام ولایی است. من وقتی دو-سه سال پیش، این موضوع را در دانشگاه شیراز تبیین می‌کردم، یکی از دانشجویها گفت: اخیراً استاد ما مقاله‌ای از یک جامعه‌شناس انگلیسی گرفته بود که این نظریه را داده بود؛ یعنی آنها محله‌های کلیسا محور را تأسیس کردند و تمام شئون مدیریت را به کلیسا سپردند.

مسجد طراز

بانوان اسوه

رابطه امنیت و حضور اجتماعی

علی بانثی

مسجد طراز

کفش‌هایی که...!!!

بررسی جایگاه کفشداری در مسجد

سید محمد امین حسینیان

مسجد همچون نگینی بر انگشتر محل می‌درخشد. این درخشندگی تنها در همدلی و یک‌پارچگی در انجام فرایض نیست، بلکه فضای معطر، فرش تمیز، وضوخانه‌ای نظیف، مهرهایی در شان سجده بر درگاه الهی، قرآن‌ها و مفاتیح‌هایی مرتب و... بر درخشش این مکان مقدس می‌افزاید.

کفشداری جلوی ورودی مسجد است و در دید عموم. اولین مشاهدات و قضاوت‌ها در مورد نظم عمومی مسجد از درگاه آن شروع می‌شود.

اگر شخصی غریبه وارد مسجد شود و به نگاه تصویری از کفش‌های نامرتب و روی هم انباشته بر ذهنش حک گردد، ایامی تواند قضاوتی صحیح در مورد مسجد به‌عنوان کانون وحدت و یک‌پارچگی مسلمین داشته باشد؟

کفشداری نیاز به مهارت‌آموزی دارد.

از جمله نکات قابل توجه در کفشداری عبارت‌اند از:

۱. تعبیه مکانی مناسب و ایمن جهت نصب قفسه‌های جاکفشی.
 ۲. استفاده از نوجوانان مسجد به‌عنوان کفشدار.
 ۳. قرار دادن کیسه‌های پلاستیکی یا برزنتی جهت استفاده کسانی که قصد بردن کفش به داخل مسجد دارند.
 ۴. نصب پیام فرهنگی در کفشداری با هدف آگاهی بخشی نماز گزاران نسبت به رعایت نظم عمومی در درگاه و داخل مساجد.
 ۵. گاهی مشاهده می‌شود که نماز گزاران پس از خروج از وضوخانه کفش‌های خود را بدون پوشش مناسب در کنار ستون‌ها یا بین صفوف قرار می‌دهند. پیام‌های فرهنگی با چنین موضوعی می‌تواند اهمیت نظافت عمومی مسجد را گوشزد کند.
- رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تَعَاهَدُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ: کفش‌هایتان را در آستانه در مسجد واری کنید»^۱.

پی‌نوشت:

۱. تهذیب الاحکام؛ ج ۳، ص ۲۵۶.



در فرآیند زندگی اجتماعی است که استعدادها و توانمندی‌های نهفته در درون هر فرد شکل گرفته، شکوفا می‌شود. زنان نیز به‌عنوان بخش عظیمی از ظرفیت اجتماعی هر جامعه، نیاز به حضور در اجتماع جهت بهره‌گیری از برنامه‌ها و بروز توانمندی‌های خود دارند. حضور این قشر عظیم نیازمند این است که جامعه آمادگی لازم را جهت پذیرفتن آنها داشته باشد. طوری که بانوان هم از آرامش و احساس امنیت کامل برخوردار باشند.

دین اسلام موضوع زیست اجتماعی را در تمام بخش‌های احکام از قبیل نماز، حج، جهاد، خمس، زکات و... لحاظ کرده و خود را آئینی اجتماعی معرفی کرده است. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «واقعاً برای شما چاره‌ای از زندگی با مردم نیست؛ هیچ‌کس در دوران زندگی خودش، از دیگران بی‌نیاز نیست و مردم نیز از نظر برقراری روابط بعضی از آنان ناگزیر [از ارتباط] با برخی دیگر هستند»^۱.

مسجد می‌تواند در تأمین امنیت این قشر، جهت حضور حداکثری در برنامه‌های مسجد مؤثر باشد. امنیت اجتماعی زنان یعنی اینکه جامعه به‌گونه‌ای باشد که بانوان، هم از جهت سکونت و هم از جهت معاشرت و حضور بی‌دغدغه در اجتماع در امنیت روحی و روانی به سر ببرند. برنامه‌های مسجد را در سه حوزه می‌توان بیان کرد:

الف) فعالیت مسجد در جهت پابندی اعضای محله به مسائل دینی؛ مهم‌ترین کاری که مسجد باید انجام دهد زمینه‌سازی ایجاد فرهنگ دینی در محله است. ب) یاری طلبیدن از کسانی که در یک محله زندگی می‌کنند؛ به کمک خود اعضای محله می‌توان یک محله امن را تشکیل داد. وقتی که مدیریت تأمین امنیت محل به خود مردم واگذار شود، آسیب‌های کمتری به همراه دارد و تمام افراد برای آن تلاش می‌کنند.

ج) مورد حمایت قرار دادن بانوان و دختران؛ خانواده‌ها و ساکنان محله باید بانوان را در هر جایگاهی که هستند مورد تکریم، احترام و حمایت کامل قرار دهند. باید فضایی را مهیا کنند که خود را نسبت به یکدیگر مسئول بدانند تا در آن همه افراد به راحتی بتوانند فعالیت اجتماعی داشته باشند. ♦

پی‌نوشت:

۱. کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۶۳۵.



برابر نه! دو برادر دینی

نگاهی به رفتار مسجد در برابر هیئت‌های خارج از مسجد

محمد رضا آل غفور

میان مساجد همواره یکی از تأثیرگذارترین نهادها در طول دوره اسلامی بوده‌اند. مسجد در تمدن اسلامی تنها محل برگزاری عبادات نبوده؛ بلکه محوریت جامعه اسلامی بر مدار مساجد بوده است. متأسفانه امروزه اهمیت مساجد مورد غفلت واقع شده و کارکردهای متنوع مسجد در نهادهای دیگر گنجانده شده است. پرداختن به عوامل و علت‌های این موضوع از حوصله این نوشتار بیرون است.

یکی از نهادهایی که امروزه به‌عنوان سمبلی برای دینداری افراد محسوب می‌شود، هیئت است. اگر قبول کنیم در تمدن اسلامی محوریت با مسجد باشد، تمامی تلاش این نوشته این است با نگاهی آسیب‌شناسانه رفتار مسجد در برابر هیئت را بررسی کند. شایان ذکر است که بسیاری از هیئت‌ها در بستر مساجد نضج گرفته‌اند و برنامه‌های خود را در مساجد اجرا می‌کنند. بنابراین در این نوشته به موضوع آسیب‌شناسی رفتار مساجد در برابر هیئت‌های خارج از مسجد می‌پردازیم و از پرداختن به هیئت‌های مسجدی صرف نظر می‌کنیم.

در تقسیم‌بندی کلی می‌توان آسیب‌شناسی ارتباط مسجد با هیئت را به سه محور عوامل درونی، زمینه‌های اجتماعی و عوامل سیاست‌گذار تقسیم کرد.

در زمینه عوامل درونی باید گفت مسجدی‌ها عموماً نسبت به هیئات خارج از مسجد موضعی انتقادی دارند. بیگانه بودن، خود را بر حق دانستن، به هیئتی‌ها به چشم عیاش نگاه کردن، و بی‌خاصیت دانستن هیئت همگی آسیب‌هایی است که برخاسته از نوع نگاه منفی به هیئت‌ها است. اگر قرار بر تعامل

میان مسجد و هیئت باشد باید نوع نگاه انتقادی به هیئت‌ها برداشته شود و به هیئت همچون یک فرصت‌نگریسته شود. یکی دیگر از آسیب‌ها اختلاف در ابزارها و روش‌ها است. هیئت‌ها بر اساس رابطه محبتی شکل می‌گیرند. دینمداران مسجدی در این نگاه خطر محدودسازی دین به مراسم مذهبی را مشاهده می‌کنند و این امر باعث می‌شود که موضعی انتقادی در برابر هیئت‌ها داشته باشند.

آسیب دیگر در تعامل مسجد و هیئت‌ها فراموش کردن رسالت اصلی مسجد و رقیب‌انگاشتن هیئت‌ها است. جایگاه مسجد و رسالت آن، رهبری نهادهای دینی است و به نظر می‌رسد خلا مباحث تئوریک در این زمینه باعث شده تا مساجد به جزئی‌گرایی وارد شوند و نه تنها در برابر هیئت‌ها که در برابر دیگر نهادهای دینی نیز حس رقابت داشته باشند.

آسیب مهم دیگر، جدایی محراب و منبر از هیئت‌ها است. ائمه جماعت نقش پررنگی در این تعامل خواهند داشت. متأسفانه هیئت‌های زیادی وجود دارند که خود را بی‌نیاز از سخنرانی می‌بینند. مشکل دیگر در زمینه عدم تناسب برنامه‌های مسجد با پدیده هیئت‌ها و مخصوصاً هیئت‌های نوپدید است. بی‌شک در سالیان اخیر هیئت‌هایی پدید آمده‌اند که سختیّت میان آنها با آموزه‌های دینی و دستورات اهل بیت (ع) مشخص نیست. با این حال تعمیم دادن این موضوع به بقیه هیئت‌ها خود یکی از آسیب‌های مهم بر سر راه تعامل این دو نهاد دینی است.

در مورد وجود عوامل و زمینه‌های اجتماعی نیز باید یادآوری شد که جامعه سیال است و برنامه‌های آن

روز به روز نو می‌شوند. مسجد نباید از این نو شدن‌ها احساس خطر کند؛ بلکه باید با تدبیری عاقلانه به تحلیل هر پدیده پرداخته، موارد مفید را برگزید و آن دسته که قابل اصلاح است را اصلاح کند و مابقی را دور بیندازد. هیئت‌های نوپدید یکی از همین جریان‌هاست. اگر بخواهیم این هیئت‌های نوپدید را در بستر جامعه تحلیل کنیم، باید عوامل و زمینه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری درباره همراهی و عدم همراهی با این هیئت‌ها را لحاظ کنیم.

بی‌تردید چگونگی تعامل بین مسجد و هیئت وابسته به شرایط است و ما نمی‌توانیم نسخه‌ای واحد برای تعامل مسجد و هیئت تجویز کنیم. با این توضیح یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که در چگونگی رفتار مسجد در برابر هیئت‌ها مؤثر خواهد بود، درک ویژگی‌های اجتماعی و شرایطی است که هیئت‌ها در آن رشد کرده‌اند و مراسم خود را در آن فضا برگزار می‌کنند.

به نظر می‌رسد یکی دیگر از آسیب‌های موجود که به ارتباط میان مسجد و هیئت خدشه وارد کرده است، نبود سیاست‌گذاری کلان و جامع در مورد مسجد و هیئت است. به نظر می‌رسد هنوز در میان مسئولان برای چگونگی تعریف و ارتباط این دو نهاد دینی توافق عملی به وجود نیامده است. به نظر می‌آید مسئولان درگیر با این موضوع می‌توانند با سیاست‌گذاری درست و بهینه راه را برای تعامل هر چه بهتر نهادهای دینی با یکدیگر و خصوصاً نهادهای حساسی چون مسجد و هیئت فراهم سازند. به امید آن روز که مسجد و هیئت بتوانند با تعامل هر چه بیشتر، سعادت جامعه دینی را رقم بزنند. ♦

باز این پرسش که در خلق عالم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باز این پرسش که در خلق عالم

حجت الاسلام بصیر سلخشور

اگر چه پیشینه و سابقه مسجد بسیار طولانی است و در برخی مساجد این سابقه حتی به زمان آدم (علیه السلام) می‌رسد و اگر چه پس از ظهور امام زمان (عج) بنا بر روایات، یک مسجد به عنوان پایگاه

حضرت انتخاب می‌شود، با این حال در اسلام مکان‌های دیگری به جز مسجد وجود داشته که به عنوان محلی برای اجتماعات و عزاداری مورد قبول و پذیرش قرار گرفته است. بنا بر این برگزاری مجالس در جایی غیر از مساجد قبیح ذاتی ندارد؛ بلکه بهتر است که مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی محل رفت و آمد و عبور و مرور مؤمنان باشد.

پیش از پرداختن به سؤال اصلی باید نیم‌نگاهی به سیر احداث غالب مسجدها داشته باشیم. در ساخت غالب مساجد افراد ساکن در یک محل به مرور زمان و پس از بالا رفتن سن و سال و افزایش مال تصمیم می‌گیرند برای محله مسجدی احداث کنند. همین احداث مسجد برای آنها یک تولیت و حق اولوی را نسبت به مسجد به وجود می‌آورد. علاوه بر اینکه با دخالت اوقاف و انتخاب هیئت امنایی متشکل از همین افراد، نسبت به این اولویت تأکید بیشتری می‌شود. در مقابل جوان‌ها از این سطح از درآمد برخوردار نیستند و بالطبع قدرت احداث یک مسجد را ندارند. همچنین غالباً به دلیل عدم رعایت آداب برخورد با پیشکسوتان و یا عدم آشنایی با روحیات آنها برخی برخوردهای نسنجیده را انجام می‌دهند. همه این عوامل منجر به این می‌شود که هیئت امنای جوانان و نوجوانانی که می‌خواهند تحت عنوان هیئت یا بسیج فعالیت‌هایی را در مسجد صورت دهند درگیر شوند که نتیجه‌اش متأسفانه به سود دشمنان اسلام است. در یکی از مساجد قم که محل برگزاری هیئت ما بود یکی از بزرگان مسجد به ما گفت «ما مسجد درست کرده‌ایم که در آن راحت باشیم و نمی‌خواهیم در آن هیئت برگزار شود». متأسفانه این سخن نشان می‌دهد که ساخت مسجد از سوی ایشان برای خدا نبوده، بلکه مکانی برای رفاه حال شخصی است. یا سخنی که بسیار شنیده‌ایم که می‌گویند «تا دیر وقت عزاداری می‌کنید و نماز صبح‌تان قضا می‌شود». در حالی که باید بگویند عزاداری‌تان را انجام دهید و مراقب نماز صبح‌تان هم باشید؛ سخن آنها نوعی تقابل و تضاد میان عبادت و عزاداری را می‌رساند. بنا بر این مسجد باید محل رجوع عموم مردم باشد؛ نه متعلق به قشر و گروهی خاص. همچنین نوع برخورد بزرگترها باید کمی حلیمانه‌تر باشد. مسجد اگر بخواهد فقط به کارهای عبادی - به معنای خاص آن، یعنی نماز و دعا و... اختصاص داده شود، چیزی شبیه کلیسا می‌شود که فقط برای نیاز عبادی محل رجوع مردم است. البته در کلیسا این مسئله برای توجیه آزادی‌های نفسانی مطرح شده است، اما به هر حال مسجد نباید فقط برای نوبت‌های کوتاه نماز باز باشد؛ بلکه باید جوابگوی تمام نیازهای مردم باشد. البته مساجدی هم هستند که این اتفاق در آنها افتاده است؛ یعنی کتابخانه، حسینیه، صندوق قرض الحسنه و حتی آشپزخانه هم در آنها مهیاست.

نکته دیگری که باید به آن توجه شود محدودیت مساجد است؛ چه از حیث شرعی و چه از حیث مادی؛ یعنی حرمت مساجد اجازه برگزاری بعضی از جلسات جشن را نمی‌دهد و بهتر است این جلسات در حسینیه‌ها و تکایا و به طور کلی مکان‌هایی غیر از مسجد برگزار شود. ضمناً برخی از هیئت‌ها به دلیل جمعیت زیادی که دارند نمی‌توانند در مساجد برنامه اجرا کنند؛ زیرا اغلب مساجد محدودیت گنجایش دارند.

به نظر من مهم‌ترین اقدام باید از سوی اداره اوقاف و مسئولان و سیاستگذاران مساجد اعمال شود. به این صورت که با انتخاب ائمه جماعات جوان، باسواد و مدیر پیوند و ارتباط این دو رکن را برقرار کنند.

۱. معروف است که می‌گویند نیمی از جواب در سؤال پنهان است؛ زیرا وقتی می‌توانیم به یک سؤال جواب درستی بدهیم که سؤال را فهمیده باشیم و از همه جوانب آن مطلع باشیم.

۲. برای حل یک مشکل فرهنگی و اجتماعی، می‌شود رفت سراغ اساتید، محققان، پژوهشگران و... و از آنها خواست که برای حل آن مشکل راهکار ارائه دهند. البته می‌شود قبل از پرداختن به نگاه کارشناسی و از بالا به پایین با یک تحقیق میدانی از افرادی که به طور مستقیم با مسئله در ارتباطند خواست تا با توصیف مسئله و مشکل، راهکارهایی را برای حل آن پیشنهاد دهند؛ زیرا بدنه‌ای که بی‌واسطه با مسئله مرتبط هستند راحت‌تر می‌توانند حدود و ثغور آن را توصیف کنند.

۳. نشریه مسجد برای حل مشکل فاصله گرفتن هیئت‌های عزاداری از خاستگاه اصلی شان، یعنی مسجد، اقدام به طرح سؤالاتی کرده است و از مخاطبان که از بدنه اصلی این دو رکن - هیئت و مسجد - انتخاب شده‌اند خواسته است به آنها پاسخ دهند. در شماره قبل مخاطب گفت‌وگوی ما ائمه جماعات نمونه استان تهران بودند. در این شماره با برخی از مسئولان هیئات، مادحین و ذاکرین اهل بیت به گفت‌وگو نشستیم تا از نگاه ایشان این مسئله را بررسی کنیم. مهم‌ترین سؤالات ما عبارت بودند از:

آیا جدایی هیئات از مسجد آسیب‌زا است؟

مقصر در این جدایی چه کسی است؟

راه حل این مشکل چیست؟

قانون نانوشته

آسیبشناسی جدایی هیئت از مسجد از نگاه مداحان



سیدر ضا محبوبی

این طور نیست که جدایی هیئت از مسجد همیشه آسیب‌زا باشد؛ زیرا این دو نهاد در عین جدایی می‌توانند با یکدیگر هماهنگ باشند و دورکن جامعه اسلامی قرار گیرند. مشکل زمانی پیش می‌آید که بی‌اخلاقی، این جدایی و فاصله طبیعی را به تفرقه تبدیل کند. علت این اتفاق را هم می‌توان در بی‌اخلاقی خلاصه کرد. بداخلاقی هم در مسئولان هیئت‌ها وجود دارد و هم در مسئولان مساجد. نمی‌توان فقط یک طرف را مقصر دانست. به نظر می‌رسد راه‌حل این مسئله ریش سفیدی و یا درمیانی‌کسانی است که مورد قبول هر دو طرف این جریان باشند. در مواردی که در هر دو طرف هم افراد مسن و هم افراد جوان وجود دارد این مشکل زودتر حل می‌شود؛ زیرا حرف جوان را جوان می‌فهمد و حرف مسن را مسن.

سید محمدرضا هاشمی

دور شدن هیئت از مسجد آسیب‌های فراوانی را به دنبال دارد که بزرگ‌ترین آسیب آن این است که هیئت در صورت عدم نظارت، به مکانی در مقابل مسجد تبدیل می‌شوند. عدم نظارت بر سبک‌ها و شعرها نیز اتفاق دیگری است که در دوری هیئت‌ها از مساجد می‌تواند مشکل‌زا باشد. شاید نوع نامناسب فضاسازی، برخورد‌های ناسالم، نصب عکس‌ها، استفاده از تمثیل غیرواقعی ائمه و استفاده از شعرها و سبک‌های نامناسب را بتوان از آسیب‌های این جدایی به حساب آورد. در این جدایی اگرچه مسئولان دو طرف را باید مقصر دانست؛ اما مسئولان مسجد و طیفه سنگین‌تری را به دوش داشته و دارند؛ زیرا آنان به عنوان متولی باید به جای برخورد قهری با سبک‌های جدید و شیوه‌های تازه عزاداری، به کنترل و نظارت عالمانه و دوستانه با آن بپردازند.

علی زمانیان

ممکن است این جدایی آسیب‌هایی هم داشته باشد؛ اما نمی‌شود کسی را مقصر دانست؛ زیرا دو گونه از عزاداری وجود دارد که عبارت است از عزاداری مسجدی و هیئتی. البته هر طرف نسبت به طرف دیگر توقعات و انتظاراتی داشته است که برآورده نشده. مثلاً مساجد معمولاً به دنبال این هستند که رأس فلان ساعت جلسه تمام شود؛ اما هیئتی‌ها می‌گویند زمانش بیشتر باشد. در کنار این مسائل محدودیت مساجد از حیث فضا، عدم هماهنگی دو طرف با یکدیگر و... را نیز می‌توان اضافه کرد. مساجد به دلیل محدودیت‌هایی که دارند باید پیرو قاعده‌ها و چارچوب‌های موجود عمل کنند. غالباً این چارچوب‌ها با مراسم و برنامه‌های هیئات منطبق نیست. برای مثال به دلیل عمومی بودن مساجد و برای رعایت حال همه اقشار و همچنین برپایی نماز صبح در آنجا، مجالس عزاداری در مساجد در ابتدای شب تشکیل می‌شود و به سرعت به پایان می‌رسد. در حالی که هیئات غالباً یک یا دو ساعت بعد از نماز برنامه‌هایشان را شروع می‌کنند.



پرونده ویژه

جمله عیب می بگفتی، هنرش نیز بگو

بررسی فرصت‌هایی که هیئت‌های خارج از مسجد برای مسجد ایجاد می‌کنند.

جعفر مروّجی

هیئت‌های مذهبی، حافظ ایمان و شوق مردم به اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام و انتقال دهنده ارزش‌های حسینی از نسلی به نسل دیگر هستند. هیئت‌ها، بارقه‌های درخشان حسینی در فضای جامعه اسلامی و از برکات آن نهضت عظیم الهی محسوب می‌شوند. دشمنان اسلام نتوانسته‌اند این عادت دینی و الهی را از شیعیان سلب کنند که این امر، نشان دهنده تأثیر جریان عزاداری مجالس و هیئت‌های مذهبی در ایمان و عقیده شیعیان است.

حرکت هیئت‌های حسینی در ماه محرم همانند بارانی است که تمامی پلیدی‌ها و برنامه‌های فاسد دشمنان را از فضای جامعه می‌زداید و به سان نسیم دلنوازی است که روح الهی را در کالبد جامعه می‌دمد.

پرچم عزای حسینی در دست هیئت‌های مذهبی است و این مقام و مرتبه بزرگی در نهضت عاشورا محسوب می‌شود. پرچمداران این نهضت کسانی هستند که عزای حسینی را اقامه می‌کنند. بنابراین هیئت‌های مذهبی باید این فرصت را آن چنان که شایسته است قدر بدانند.

در سال‌های اخیر بحث‌های فراوانی درباره نهادهای موازی مسجد، همچون حسینیه‌ها و هیئت‌ها شکل گرفته است. برخی این نهادها را مانع کار مسجد می‌دانند و برخی دیگر این نهادها را کمک‌کار مسجد.

در یک داور بیطرفانه می‌توان گفت که این نهادها به هیچ‌وجه مانع فعالیت‌های مسجد نیستند و افرادی که به این اماکن می‌روند، هیچگاه ادعا نداشته‌اند که این مکان‌ها را به مساجد ترجیح می‌دهند. در این میان، هیئت‌های مذهبی که روح حاکم بر حسینیه‌ها است، می‌توانند با ایفای نقش مثبت خود - البته با رعایت شروطی چند - بازوی کمکی مساجد باشند و اسباب رونق مساجد را فراهم آورند. تحقق این امر منوط به حفظ کارکرد اصلی هیئت‌ها است. هیئت‌های مذهبی می‌توانند به طرق زیر پویایی مساجد را رقم بزنند:

۱. هیئت‌ها و گسترش معارف دینی
هیچ کس منکر کارکرد هیئت‌ها در گسترش معارف دینی نیست. این کارکرد خودبه‌خود باعث اقبال جوانان به مساجد می‌شود. معمولاً افرادی که به هیئت‌ها می‌روند، اهل مسجد نیز هستند. چنانچه هیئت‌های مذهبی برنامه‌های خود را در مساجد برگزار کنند، این خاصیت دوچندان خواهد شد.

۲. هیئت‌ها و آموزش کار دسته‌جمعی
مسجدی شدن آدابی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، هماهنگی با جمع است. هماهنگی و متحد بودن نمازگزاران، ضرورتی است که در صورت فقدان آن، نظم عمومی مسجد به هم می‌خورد و به پویایی و شادابی مسجد لطمه وارد می‌شود. متأسفانه معمولاً در مراسم و اماکن مذهبی، نظم چندان رعایت نمی‌شود و افراد تصور می‌کنند که این بی‌نظمی، نشان دهنده شور و احساسات پاک مذهبی است! در صورتی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شخصاً پیش از نماز صف‌ها را منظم می‌کردند و توصیه‌ها و دستورالعمل‌های فراوانی برای رعایت این موضوع مهم صادر می‌فرمودند.

این مسعود می‌گوید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با دستان مبارکش، شانه‌های ما را در نماز منظم می‌کردند و می‌فرمودند: «استووا، و لا تختلفوا، فتختلف قلوبکم: مرتب بایستید، پراکنده نباشید؛ چون در میان قلب‌ها و دل‌های شما پراکندگی ایجاد می‌شود»^۱.
هیئت‌ها روحیه جمعی افراد را تقویت می‌کنند و معمولاً افراد یک هیئت، در جلسات مذهبی با همدیگر هماهنگ‌ترند. هیئت‌های مذهبی می‌توانند این هماهنگی را به مساجد نیز انتقال دهند تا شاهد مساجدی باشیم که برنامه‌های خود را در کمال هماهنگی انجام می‌دهند.

۳. هیئت‌ها و برگزاری مراسم مختلف
برگزاری مراسم مختلف توسط هیئت‌ها در مسجد، پویایی مساجد را به دنبال خواهد شد. پس از اقامه

نماز، برپایی مراسم مذهبی، بارزترین کارکرد مسجد است. نقش هیئت‌ها در برپایی این مراسم انکارناشدنی است. ضمن اینکه جوانان هیئتی معمولاً بدون هیچ‌گونه توقعی در مراسم مذهبی به اجرای وظایف خود می‌پردازند و به این ترتیب، بدون هیچ هزینه‌ای موجبات نشاط مساجد را فراهم می‌آورند.

۴. هیئت‌ها و زنده نگه داشتن شور نوجوانان و جوانان

نوجوانان و جوانان شور و حال معنوی خاصی دارند؛ به طوری که وجود آنان در مراسم مختلف باعث پر شور شدن آن مراسم می‌شود. این حس و حال معنوی را باید قدر دانست و زنده و پویا نگاه داشت. هیئت، بهترین مکان برای زنده نگه داشتن این احساس است؛ احساسی که به هرچه معنوی‌تر شدن نوجوانان و جوانان کمک می‌کند. پرورش دادن و بارور کردن معنویت در قشر جوان، زمینه‌پویوند دائمی و مستحکم آنان با مساجد را فراهم می‌آورد.

متأسفانه برخی شور را مغایر با شعور می‌دانند و معتقدند که بین شعور و آگاهی، و شور و نشاط، یکی را باید انتخاب کرد؛ حال آنکه با عمق بخشیدن به آگاهی‌های دینی، می‌توان به شور برخاسته از شعور دست یافت.

سخن پایانی

در پایان باید این نکته را متذکر شد که تمام موارد فوق در صورتی محقق می‌شود که هیئت‌ها وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند و به دنبال ترقی و تعالی معنوی باشند. روشن است که چنانچه محافل مذهبی به دام افراط و تفریط و مسائل حاشیه‌ای بیفتند، دیگر نباید انتظار داشت که این کارکردها تحقق یابد. البته این تهدیدی است که متوجه مساجد ما نیز هست و فقط دامگیر هیئت‌های مذهبی نیست. ♦

پی‌نوشت:

۱. محدث نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۶، ص ۵۰۷.

پرونده ویژه

همه زیر يك پرچم

نگاهی اجمالی به موانع ارتباط دوسویه مسجد با هیئت‌های مذهبی

جواد زمانی (فعال فرهنگی)



حضور دارند و برای برگزاری مراسم عزاداری علاقه به آرامش و شنیدن سخنرانی و در مسجد ماندن دارند. ممکن است جوانان علاقه‌مند باشند که با راه‌اندازی دسته عزاداری به خیابان بروند یا با شور بیشتری عزاداری کنند. معمولاً اختلافات در این مواقع بروز پیدا می‌کند. اضافه کنید به این اختلاف سلیقه نکات اخلاقی و قدری هم هواهای نفسانی را.

اینجا یکی از بزنگاه‌های مدیریت مسجد است. امام جماعت یا دیگر برنامه‌ریزان باید سعی کنند طوری برنامه‌ریزی شود که هر دو طیف از مسجد استفاده کنند. مسجد برنامه خود را داشته باشد و هم‌زمان فضای مناسبی را ایجاد کند که جوانان نیز فرصت فعالیت داشته باشند. باید با خبرگی از دو طرف بخواهند که هر کدام قدری از مواضع خود کوتاه بیایند و دیگری را بپذیرند. در این صورت خواهیم دید که در کنار هم قرار گرفتن این گروه‌های سنی زیبایی و شکوه بیشتری به مراسم خواهد داد.

موانع مادی؛ منظور از موانع مادی امکاناتی است که در اختیار مساجد و هیئات قرار دارد که هر کدام به منظور هدفی خاص تهیه شده‌اند. مسجد برای برگزاری نماز وقف شده است و از لحاظ احکام شرعی محدودیت‌هایی دارد. بیشتر اوقات مراسم مسجد آرامش و نظم خاصی را می‌طلبد که در زمان‌های خاص مانند ایام محرم و عزاداری‌ها ممکن نیست. برای مثال در مسئله بانوانی که اجازه حضور در مسجد را ندارند و علاقه دارند از فرصت خاص روزهای محرم استفاده کنند، به حضور در هیئت توصیه شده است. مثال دیگر حضور کودکان و نوجوانان است که شور و علاقه‌ای خاص برای تحرک و هیجان دارند، چه بسا آنها در مسجد با محدودیت‌هایی مواجه شوند.

در این مجال کوتاه فرصت بررسی همه موانع نیست؛ لیکن بر متولیان امر لازم است که در برگزاری مراسم و آیین‌های مذهبی غرور و خودبینی را کنار گذاشته، به حرمت مکان و زمانی که در آن قرار دارند همه چیز را فدای برگزاری مراسمی ابرومند برای زنده نگاه داشتن یاد و خاطره صاحب این ایام کنند.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که در هر محله و شهری موانع خاصی موجود است که نمی‌توان برای آن حکم کلی صادر کرد و باید به صورت خاص و در همان وضعیت مورد بررسی و گره‌گشایی قرار گیرد. در این گونه موارد فعالان فرهنگی به همراه امام جماعت و ریش سفیدان محل می‌توانند برای رفع مشکل گام بردارند. همیشه در خاطرمان باشد که در اختلافات و جدایی‌ها شیطان حاکم است و هر چه دل‌ها از هم دور باشد ما از هدف خود دور تر خواهیم بود. ♦

از آغازین روز حرکت اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان حاضر، هرگاه مسلمین به صورت متحد و یکپارچه در کنار یکدیگر حاضر بودند حرکت‌ها قرین توفیق و موفقیت بوده و هرگاه اختلاف و دودستگی پیرنگ شده موجب شکست و خسران و زیان شده است. ذات مسجد و هیئت که هر کدام شاخه‌ای تنومند از شجره طیبه الهی هستند، در تشکیل تعارض با یکدیگر ندارند. برای ایجاد اتحاد و هم‌افزایی بین نیروهای مذهبی و فعالان فرهنگی باید برای پیوند هر چه بیشتر این دو نهاد کوشید. برای بررسی موانع این پیوند باید به سراغ مؤلفه‌های انسانی و نیروهای مادی و اجرایی برخی اختلافات برویم. بررسی ابتدایی اختلافات موجود نشان از این دارد که غالباً جدایی افراد از مسجد و هیئت به دلیل برخوردی فردی بر اساس سلیقه‌ای خاص بوده است.

در ایام محرم و رمضان بیش از زمان‌های دیگر شاهد حضور مؤمنین در مکان‌های عمومی هستیم. در این مناسبت‌های خاص افراد انگیزه بیشتری برای بیرون آمدن و انجام عزاداری و امور معنوی دارند. برخی از ایشان فقط در همین ایام به مساجد می‌آیند و باقی سال به دلیل مشغله‌های جاری در منازل به انجام واجبات و مستحبات خود می‌پردازند. از مسئولان مسجد انتظار می‌رود که با برنامه‌های مدون از این اقبال به اصطلاح «فصلی» به مسجد بهره‌برداری کنند و با تدابیری موجب نهادینه شدن این حرکت شوند و در جذب مؤمنان برای حضور دائمی در سال فکری بکنند. از سوی دیگر از فعالان هیئتی که متناسب با مناسبت‌های خاص در مسجد حضور پیدا کرده‌اند نیز انتظار می‌رود الزامات و شرایط مسجد را درک کنند و متناسب با ظرفیت‌های موجود رفتار کنند. در این موقعیت‌ها کنار گذاشتن جنبه‌های شخصی و سلايق فردی در برخوردها و برگزاری مراسم ضروری است.

موانع پیش روی وحدت مسجد و هیئت را شاید بتوان موانع رفتاری و موانع مادی تقسیم کرد.

موانع رفتاری؛ عبارت است از نوع تعامل و برخوردهای افراد با یکدیگر. در این مورد نکته مهم این است که کسی انتظار ندارد همه به یک شیوه عمل کنند و مانند یکدیگر فکر کنند، ولی در این مسئله می‌توان با گذشت و همدلی به سوی یک هدف حرکت کرد. هوای نفس و علاقه طبیعی آدمی برای دیده شدن گاهی موجب پرنگتر شدن این اختلافات و تفاوت‌هاست.

برای ملموس تر شدن این نکته مثالی را در ادامه بیان می‌کنیم. دو گروه سنی مختلف را فرض کنید؛ ۱. جوانانی که در ایام محرم علاقه بیشتری برای حضور در مسجد دارند و می‌خوانند در این ایام هیئتی داشته باشند و خودشان آن را اداره کنند و سهمی در عزاداری داشته باشند. ۲. افراد مسنی که در ایام سال به صورت منظم در مسجد

ظرفیت نامرئی

توصیه‌ای برای توشه‌گیری هیئت‌ها از مساجد

محمد رضا نظری

تمام مشکل از جایی شروع می‌شود که می‌خواهی از هیئت‌هایی بگویی که قرار است با نهاد دینی مهمی همچون مسجد، ارتباط داشته باشند و برای تعامل هر چه بیشترشان راهکار بدهی. قبل از شروع بحث باید این نکته را خاطر نشان کنم بسیاری از هیئت‌ها هستند که مرکز فعالیت خود را مسجد قرار داده‌اند، پس آنگاه که از دوری هیئت و مسجد سخن به میان می‌آوریم، باید بدانیم که این گزاره کاملاً نسبی است و در همه موارد صادق نیست. نمی‌دانم آیا از ابتدایی که قرار شد هیئت‌هایی برای تشکیل حلقه اظهار محبت نسبت به اهل بیت شکل بگیرد بنای آن بر دوری از مسجد بود یا نه؛ اما متقدم حداقل یک پیشینه تاریخی را برای این موضوع در زمان رضا خان می‌توان یافت. در آن هنگام که عزاداری ممنوع بود و محبان اهل بیت علیهم‌السلام مجبور بودند مخفیانه علم عزای سالار شهیدان را برپا کنند، کم‌کم سنت دوری هیئت‌ها از ظرفیت بزرگی همچون مسجد شکل گرفت. این شاید سرآغازی بر جدایی هیئت از مسجد در دوران معاصر باشد. اگر بخواهیم به علل دوری هیئت‌ها از مساجد سخن بگوییم و آن را آسیب‌شناسی کنیم، باید به صورت عینی به تبیین این ماجرا پرداخت؛ اما موضوع این نوشتار بررسی ظرفیت‌هایی است که مسجد می‌تواند برای هیئت فراهم کند. از این رو باید کمی انتزاعی و در فضای ذهنی به این بحث ورود پیدا کرد و جنبه‌های مختلف آن را مرور کرد.

وقتی می‌گوییم مسجد چه ظرفیت‌هایی دارد که یک هیئت می‌تواند از آن به بهترین وجه استفاده کند، در واقع می‌توانیم لیست بلند بالایی از توانایی‌های مساجد را بنویسیم. همواره معتقد بوده و هستم که مسجد نهادی است سرشار از توانایی؛ توانایی‌هایی که می‌توان خدمات سترگ آن را در گذشته مشاهده کرد و متأسفانه امروزه دیگر حتی نامی از آن خدمات نیست. توانایی‌هایی هم هست که به دلیل اقتضات

روز زمینه پرداختن به آنها در مسجد مهیا است و پیش از این سراغی از آنها را نمی‌توان در تاریخ مسجد یافت، اما متأسفانه از آن غفلت شده است.

این نوشته تلاشی برای تبیین ظرفیت ناپرداخته‌ایی است که به صورت بالقوه و به صورت رایگان در مساجد وجود دارد و هیئت‌ها با استفاده از این ظرفیت می‌توانند رشد و شکوفایی خود را رقم بزنند.

هیئت‌گروهی متشکل از افراد مذهبی و مؤمن است که پیرامون اظهار محبت به اهل بیت علیهم‌السلام گرد هم آمده، به ابراز علاقه می‌پردازند. در نقطه مقابل مسجد نیز گروهی متشکل از افراد مذهبی و متدین است که به اقامه شعایر دینی می‌پردازند. این برداشت می‌تواند دو سوی حداقلی و حداکثری هم داشته باشد. یعنی می‌توان موارد بسیاری را به آن اضافه کرد و موضوعاتی را نیز حذف نمود. به بیان دیگر هم هیئت یک نهاد دینی است و هم مسجد؛ اما یکی بر جنبه‌های عاطفی و محبتی تأکید دارد و یکی هم ظهور پرورش عرصه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر مسجد یک نهاد دینی پر قدرت است که به دلیل ویژگی‌های ذاتی‌اش و همچنین اتصال با منابع اصیل اسلامی می‌تواند قابلیت‌های متنوعی را در درون خود پرورش دهد؛ قابلیت مهمی که نباید از آن غافل بود و می‌تواند به عنوان برگ برنده‌ایی برای یک هیئت به شمار آید و آن همین نهاد دینی بودن مسجد است. دین به واسطه معنادگی پر رنگی که در زندگی آدمیان دارد، می‌تواند به معنابخشی هیئت نیز کمک شایانی کند. این ظرفیت سترگ در مسجد وجود دارد و به نظر می‌رسد هیئت‌ها می‌توانند در بستر این ظرفیت مهم از تربیت دینی برخوردار شده، رشد خود و جامعه را به ارمغان آورند.

وقتی می‌گوییم «ظرفیت دینی» بودن مسجد ذخیره‌ای ارزشمند برای هیئت‌ها به شمار می‌آید، منظورمان این نیست که هیئت‌ها خالی از جنبه‌های

دینی هستند؛ بلکه مرادمان پیوند وثیق دین با مسجد است. در مسجد امام جماعت نسبت به تمام مسائل دینی مسئول است و باید برای آن برنامه‌ریزی کند. امام جماعت با تبیین و تفسیر دین نظم مهم دینی را برقرار می‌کند. این موضوع را نباید دست‌کم گرفت. فضای دینی مسجد و رفت و آمد مؤمنان هم دلیلی بر قدرتمندی این نهاد دینی در میان مردم است. خلاصه آن‌که نمی‌توان مسجدی خالی از جنبه‌های دینی را تصور کرد. «نهاد دینی بودن» یکی از شاخصه‌های اساسی مسجد به شمار می‌رود. حال باید دید که آیا امکان وقوع هیئت‌هایی وجود دارد که از ابعاد دینی فاصله گرفته باشند و فقط در یک یا چند محور خاص مشی نمایند؟ متأسفانه باید اذعان کرد هر چند امروزه چنین چیزی به صورت گسترده شایع نیست و یک تهدید بالقوه است؛ اما می‌توان در مواردی هیئت‌هایی را تصور کرد که تنها خود را به مثابه ابزاری برای تخلیه احساسات تعریف کرده‌اند و از جنبه‌های معارفی دینی غفلت کرده‌اند. به نظر می‌رسد با نفوذ تفکر انسان‌مداری در لایه‌های هویتی جوانان، این آسیب بیش از پیش خود را نشان خواهد داد. از این رو باید این تأمل به صورت دغدغه‌ایی همگانی وجود داشته باشد که هیئت‌ها به پشتوانه‌هایی نیاز دارند تا از این آسیب‌ها در امان باشند و بقای دینی خود را تضمین کنند. بهترین و در دسترس‌ترین الگو و ساز و کار استفاده از ظرفیت دینی مسجد است. بر هیئت‌ها لازم است از این ظرفیت مهم غافل نشوند. ♦





پرونده ویژه

رقیبی برای مسجد

راهکارهای پیشگیری از به وجود آمدن هیئت‌های موازی با مسجد

علیرضا جمالی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای مسجد در طول تاریخ شیعه، مدیریت مراسم مذهبی در طول سال بوده است. مراسم‌های مختلف به علت ظرفیت بالای فرهنگی و معنوی بهترین فرصت برای افزایش شور و شعور دینی مردم هستند.

با گذشت زمان به تدریج غیر از مساجد مکان‌های دیگری چون تکایا، حسینیه‌ها و حتی خانه‌های شخصی به برپایی عزای ابا عبدالله (ع) اقدام کردند. وجود این مکان‌ها و برگزاری مجالس عزای در آنها، به خودی خود چیز بدی نیست؛ همان‌طور که در طی سالیان دراز شکل‌گیری و فعالیت این مراکز، نه تنها با مخالفت فقهای دین‌شناس روبه‌رو نبوده‌اند؛ بلکه مورد تشویق و حمایت آنها نیز قرار داشته‌اند.

در ابتدای شکل‌گیری این حسینیه‌ها و هیئات - به علت ارتباط تنگاتنگ با علمای دین و تأثیرپذیری آنها از مساجد - وجودشان در طول مساجد بود؛ به این معنا که برنامه‌های آنها با احترام و تکریم مساجد برگزار می‌شد. همچنین به علت نظارت عالمان دین‌شناس بر آنها عزای سالار شهیدان در همه عرصه‌ها اعم از مرثیه‌خوانی، سینه‌زنی و پذیرایی از عزاداران، براساس مبانی اصیل فقهی برگزار می‌شد. چه بسا در مواردی اعمال سلیقه‌های شخصی و انحرافات نیز در عزاداری‌ها به وجود می‌آمد؛ اما هرگز تبدیل به رویه‌ای عمومی نمی‌شد و با تذکر و برخورد دلسوزان و دین‌شناسان به سرعت اصلاح می‌شد.

متأسفانه در دوره اخیر شاهد آن هستیم که هیئات و تکایا به تدریج تبدیل به رقیب برای مساجد شده‌اند و علاوه بر دوری از مساجد، انحرافات در عزاداری نیز به‌طور بسیار گسترده و در ابعاد مختلف در آنها رخنه کرده است. همه تکایا و هیئات این‌گونه نیستند؛ اما در بسیاری از آنها شاهد این چالش بزرگ هستیم. برای رفع این مشکل فرهنگی - مذهبی در ابتدا باید علل بروز این چالش را بررسی کنیم تا بتوانیم راهکارهایی عملی و مناسب را توصیه کنیم.

مسجد باید به این بلوغ فکری برسد که تمامی مسلمانان یا هر اندیشه سیاسی پذیرفته شده در بدنه نظام اسلامی، حق حضور و بهره‌مندی از مسجد را دارند. از این رو امام جماعت در برخورد با طرفداران احزاب مختلف سیاسی باید مشی اعتدال را در پیش گرفته، در سخنرانی‌های خود به طرف‌داری از حزبی خاص نپردازد. تکیه بر مشترکات پذیرفته شده تمام احزاب سیاسی نه تنها اشکالی ندارد، بلکه باعث همگرایی بیشتر اهالی مسجد می‌شود.

هم‌فکری با هیئت‌ها

دعوت از مدیران هیئت‌های منطقه و کمک گرفتن از آراء و اندیشه‌های آنها باعث جذب آن هیئت‌ها به مسجد می‌شود. اگر مدیریت مسجد با هیئت‌هایی در اطراف خود مواجه است با دعوت از نخبگان آنها و احترام گذاشتن به اندیشه‌هایشان می‌تواند زمینه را برای جذب مهیا کند.

دعوت از همه کسانی که به نحوی دارای اندیشه و ذوق سلیم هستند برای حضور در جلسه هیئت‌ها، علاوه بر اینکه حس احترام را در آنها زنده می‌کند، باعث می‌شود آراء مختلف شنیده شود و فضا برای بهتر برگزار شدن مراسم فراهم شود.

حضور داشتن در برنامه هیئت

ارتباط‌گیری امام جماعت و مدیریت مساجد با سایر هیئت‌ها، حضور بزرگان مساجد در هیئت‌های دیگر و کمک به آنها باعث نزدیک شدن هیئت‌ها به مساجد شده، زمینه را برای رفع انحرافات فراهم می‌کند. زمانی تکایا برای دور ماندن از آفات به عالمان دین رجوع می‌کردند؛ اما اکنون لازم است در بعضی موارد عالم دینی خود به سراغ تکایا برود و با برخوردی انسانی و اسلامی در ابتدا حس احترام و محبت آنها را برانگیزد و در مرحله بعدی به اصلاح انحرافات همت گمارد. حضور بزرگان مساجد در هیئات محل باعث می‌شود تا بزرگان آنها نیز برای احترام در مساجد حاضر شوند. همین رفت و آمد به تدریج زمینه را برای تابعیت هیئت از مسجد فراهم می‌کند. ♦

می‌زنند که بعد از بررسی مشخص می‌شود، دلیل این جدایی اختلاف سلیقه آنها در طریقه برگزاری مجالس بوده و به علت عدم توجه به رأی آنها و برخورد مستبدانه مدیریت مسجد، آنها تصمیم گرفتند تا آراء خود را در جایی غیر از مساجد عملی کنند. در بسیاری از موارد این سلیقه‌ها مخالف با دین نیستند و رنگ و بوی انحراف ندارد؛ اما اگر در مسجد به آنها توجه نشود با جدایی از مسجد و شکل‌گیری هیئت، زمینه برای بروز سلیقه‌های انحرافی شکل می‌گیرد.

اگر مدیریت مسجد یک مدیریت بسته و بی‌توجه به نظرات نخبگان پیرامون خود باشد، به تدریج تجزیه می‌شود. با این رویه مسجدی که تا مدتی محوریت منطقه را برعهده داشته است، تبدیل به گروه‌های کوچک و جدا از هم می‌شود که هر گروهی در جمع خود به دنبال عملی کردن آراء و سلیقه‌های خود است. مدیریت مسجد اعم از امام جماعت و هیئت‌ها باید با سینه‌های فراخ و سعه صدر سلیقه‌های مخالف خود را بشنوند و فضا را برای مشارکت نخبگان فراهم کند.

تک‌قشری بودن برنامه‌ها

برنامه‌های مسجد باید متناسب با علایق و ظرفیت‌های همه باشد. در مواردی دیده می‌شود که مدیریت مسجد در برنامه‌ریزی‌هایش تنها به علایق قشری خاص توجه می‌کند که این مسئله باعث جدایی سایر اقشار از مساجد می‌شود.

انتخاب سخنران، مداح و تنظیم زمان و قالب‌های عزاداری باید به نحوی باشد تا هم میانسالان و کهنسالان از برنامه‌ها استفاده کنند و هم جوانان انگیزه لازم برای حضور در مسجد و بهره‌مندی از برنامه‌هایش را داشته باشند. تک‌قشری بودن برنامه‌های مسجد باعث سرخوردگی دیگر اقشار از مسجد شده، زمینه را برای رونق هیئت‌های موازی با مسجد فراهم می‌کند.

پرهیز از سیاست‌زدگی

گاهی نیز استبداد مدیریت مسجد و پافشاری بر یک دیدگاه سیاسی خاص باعث جدایی گروهی از مسجد و تشکیل هیئت موازی با مسجد می‌شود. مدیریت

شور و شعور

مصاحبه با بچه‌های هیئت

حسین فروغی

▲ سید نیما حسینی؛

هیئت صاحب الزمان (عج) قم

همیشه این طور نیست که به دلیل اختلافات میان مسئولان هیئت و هیئت امنای مسجد مراسم خارج از مسجد برگزار شود. گاهی به دلیل کمبود جا و امکانات این اتفاق می‌افتد؛ مثلاً هیئتی که پانصد نفر جمعیت دارد، نمی‌تواند در مسجد محله برگزار شود؛ بنابراین در مدارس یا مکان‌های دیگری برگزار می‌شود. علاوه بر اینکه در مسجد محدودیت‌های شرعی فراوانی وجود دارد؛ البته باید عدم اطلاع از حکم شرعی را هم به این محدودیت‌ها اضافه کرد. به همین دلیل از نصب پارچه تا استراحت خادمان هیئت در مسجد و خوابیدن آنها در فضای این مکان مقدس مورد اختلاف افراد است. به نظرم مرکز رسیدگی به امور مساجد باید حکم مسائل فقهی مورد مبنی را اطلاع‌رسانی کند.

چرا هیئات از خاستگاه و مولد خود که مسجد است فاصله می‌گیرند؟ مقصر چه کسی است؟ پاسخ این دو سؤال از زبان بچه‌های هیئت:

▲ محمدجواد حیدری آل‌کثیر

من اطلاع دارم در بعضی از شهرستان‌ها هیئاتی هست که شب‌ها در مکان‌هایی مثل کوچه و خیابان برگزار می‌شود که صبح‌ها محل عبور و مرور مردم است. در حالی که در همان محل و در همان شب‌ها دو یا سه مسجد خالی وجود دارد. به نظر من نباید یک طرف این ماجرا را مقصر بدانیم. اشکال هم از سوی اداره‌کنندگان مسجد است و هم از سوی دوستان هیئتی.

▲ علی محلاتی

هیئت فاطمیون، قم

به نظرم در هیئاتی که مسئولان آن از خود هیئت امنای مسجد انتخاب می‌شوند، چنین مسائلی وجود ندارد؛ زیرا در آن هماهنگی به راحتی صورت می‌گیرد؛ اما در هیئاتی که این طور نیستند معمولاً به دلیل ضعف مسئولان و مدیران علاوه بر عدم هماهنگی، این هیئات دچار مشکل می‌شوند و غالباً تشکل خود را از دست می‌دهند. مشکلی که از سمت مسجد وجود دارد این است که مسئولان آن می‌خواهند یک‌شبه مشکلات را حل کنند. علاوه بر اینکه از راه مستقیم و امر و نهی‌های غلیظ و شدید وارد می‌شوند؛ در حالی که با رفاقت و در طول زمان به طور تدریجی باید این مشکل را حل کرد.

حضور سخنران و منبری قوی در بصیرت بخشی و آگاهی دادن به هیئتی‌ها مؤثر است. اینکه از نمونه‌های تاریخی، مثال‌هایی بیاورد که مثلاً یاران ابا عبدالله در راه شهادت از هم سبقت می‌گرفتند و هر کدام می‌خواستند فدای دیگری شوند و برخورد آنها نسبت به یکدیگر چقدر متواضعانه بود، می‌تواند در از بین رفتن ادعاهایی که گاهی مانع جمع شدن دوستان است مؤثر باشد.

▲ سید مهدی حسینی

برگزاری هیئات در خارج از مسجد و ایجاد مجالس متنوع و زیاد در رئای سیدالشهدا (عج) کار خوبی است و هیچ اشکالی ندارد. نباید در جریان عزاداری امام حسین دخالت کرد؛ زیرا نماز و روزه ما از این عزاداری هاست. البته در جدایی هیئات از مساجد آسیب‌هایی وجود دارد. به نظر من مهم‌ترین مسئله در این جدایی عدم کیفیت مجالسی است که در مساجد برگزار می‌شود؛ زیرا غالباً در مساجدها به دنبال این هستند که مجلس را سریع برگزار کنند و به سرعت درب مسجد را ببندند و بروند؛ یعنی به جای اینکه برای جوانان محل و مسجد برنامه داشته باشند حال افراد مسن و پیرمردهای جلسه و محله را در نظر می‌گیرند؛ در حالی که این جوان‌ها هستند که باید این مساجد را رونق ببخشند و باید برای آنها برنامه‌ریزی کرد. علاوه بر اینکه گاهی در برخورد با جوان و نوجوان مسائل تربیتی رعایت نمی‌شود. اگر برخورد بزرگترها خوب باشد، نتیجه و عکس‌العملی هم که در مقابلش به وجود می‌آید مناسب خواهد بود. بنابراین برخی از این تندروی‌ها که از سوی بعضی هیئتی‌ها وجود دارد واکنش به برخورد بزرگان مسجد است که متأسفانه زینده مجالس سیدالشهدا (عج) نیست. همه اینها را اضافه کنید به کم‌کاری طلاب و آقایان منبری که در راه پر بار کردن و جذب بودن موضوعات سخنرانی اقدام خاصی ندادند. به همین دلیل متأسفانه غالباً مجالس سخنرانی، که وظیفه تبیین جنبه معرفتی و عقلانی حادثه عاشورا را بر عهده دارند، با استقبال کمی روبرو می‌شود. در حالی که مجالس مداحی که شور و احساسات را تأمین می‌کند از سوی جوانان و نوجوانان مورد استقبال قرار می‌گیرد.



پرونده ویژه

آنگاه که پرچمی برافراشته می‌شود...

نگاهی به ضرورت تعامل
بین مسجد با هیئت‌های
مذهبی (سیاست‌ها و راهکارها)

علی‌قانی‌پیلی (فعال فرهنگی)

برقرار باشد؛ یا دست کم باید برقرار شود. به این صورت که تمامی جامعه اسلامی مسجدی باشند و جمعی از این مسجدی‌ها در هیئات هم حضور داشته باشند؛ نه آنکه عده‌ای مسجدی و عده‌ای هیئتی و هر کدام راه خودشان را بروند. در هندسه اجتماعی و معرفتی اسلام نماز آن هم به صورت جمعی و اول وقت از ارکان حرکت اجتماعی است و هیچ امر دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود؛ چنان‌که عملکرد امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا نیز مؤید همین مطلب است.

در تمامی شهرها و روستاهای کشورمان مسجد به‌عنوان نقطه ثقل حضور اجتماعی مردم نقشی کلیدی دارد که در مناسبت‌های خاص یا برنامه‌های هفتگی هیئت‌ها نیز فعال است.

مسجد و هیئت هر کدام امکاناتی دارند. غالباً مساجد فضاهای مناسبی برای برگزاری مراسم دارند؛ به همراه امکانات جانبی جهت پذیرایی و امکانات

اهمیت خاصی برخوردار است. مسجد و هیئت دو نهاد در برآورده کردن هر دوی این نیازها هستند که هم جنبه فردی و هم جنبه عمومی را در نظر دارند؛ البته جنبه عمومی و جمعی در آنها پررنگ‌تر و اساسی‌تر است. در جامعه امروز و فضای کنونی کشور ما هر دوی این نهادها دارای انسجام و رونق خاص خود هستند و به شکر خدا و به لطف تلاش‌های اقدار گوناگون جامعه و علاقه‌مندان اهل بیست عصمت و طهارت علیهم السلام در تمامی شهرها و روستاهای ایران اسلامی شاهد برپایی مراسم مفصل در طول سال و مناسبت‌های خاص هستیم. از آنجاکه هر دوی این نهادها دارای یک هدف و ویژگی‌های مشترک هستند و در راستای یک برنامه معنوی گام برمی‌دارند، هر چه به یکدیگر نزدیک شوند و همدیگر را یاری کنند، توفیقات بیشتری به دست خواهند آورد. به نظر می‌رسد از میان نسبت‌های قابل تصور در رابطه مسجد و هیئت رابطه عموم و خصوص مطلق

احکام و مناسک دینی در اسلام در کنار جنبه فردی، جنبه‌ها و نمودهای جمعی نیز دارد. به عبارت دیگر برخی عبادات قائم به فرد است و هر چه در خلوت و دور از نگاه دیگران و مخلصانه‌تر باشد به هدف نزدیک‌تر است و برخی عبادات نیازمند اعلان بیرونی و حرکتی اجتماعی است. در موضوع نماز، نماز شب و نمازهای مستحبی وقتی در خلوت و با حضور قلب و در تاریکی شب اتفاق می‌افتد، صفای خاص خود را دارد و آنگاه که نماز جماعت مطرح است هر چه پرشکوه‌تر و با حضور افراد بیشتری برگزار شود پسندیده‌تر است.

ارتباط معنوی با معصومین علیهم السلام و توسل به آن بزرگواران گرچه یک حالت درونی و فردی است، ولی برخی مناسبت‌ها به گونه‌ای است که حرکتی جمعی را می‌طلبد و ابلاغ پیام آن لازمه‌اش اعلان عمومی آن است؛ مانند عزاداری سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین علیه السلام که اعلان عمومی و برگزاری جمعی از

پرونده ویژه

خانه خدا

بایسته‌های خادمی

علی بانشی

مسجد تنها جایی است که ملک شخصی هیچ کس نیست و به تبع آن لوازم، امکانات و برنامه‌هایی هم که در آن اجرا می‌شود متعلق به هیچ گروه یا فردی نمی‌باشد.

عزاداری ایام محرم از برنامه‌هایی است که معمولاً در همه مساجد برگزار می‌شود و در آن ایام مردم میهمان حضرت اباعبدالله علیه السلام هستند و بر سر سفره ایشان می‌نشینند. کسانی که متصدی برگزاری این مراسم می‌شوند، توفیق پیدا کرده‌اند که به عزاداران حضرت، خدمت کنند و آنها را تکریم کنند.

نوکری امام حسین علیه السلام لوازمی می‌خواهد که همه دست‌اندرکاران این مراسم باید به خوبی از آنها آگاه باشند:

الف: امام حسین علیه السلام رأس الامور هستند؛ برنامه‌های مسجد شامل سخنرانی و مداحی باید به گونه‌ای باشد که از آنها فقط بوی امام حسین علیه السلام به مشام برسد. برخورد گروهی و جناحی در انتخاب مداح و سخنران موجبات نارضایتی عده‌ای را به همراه خواهد داشت.

ب: تکریم عزاداران؛ وظیفه خادمان امام حسین علیه السلام این است که عزاداران را چه کوچک و چه بزرگ، خوش آمد گویی کنند و نسبت به آنها با احترام رفتار نمایند.

ج: مانع عزاداران نشدن؛ مجلس عزاداری متعلق به صاحب واقعی آن است و هر کس به مقدار ظرفیت



خود از آن بهره‌مند می‌شود. مراسم باید به گونه‌ای برگزار شود که برای همه امکان حضور و استفاده باشد.

د: نظم‌دهی به عزاداران؛ لازم است کسانی با قرار گرفتن در جایگاه مناسب، عزاداران را جهت استقرار در مکان مناسب راهنمایی و هدایت کنند و جهت هر چه بهتر برگزار شدن برنامه سخنرانی، مداحی و سینه‌زنی صفوف را منظم نمایند. ♦



و سنت پیامبر گرامی اسلام اقدام به مخالفت با یزید و عدم پذیرش بیعت او کرده است، چگونه می‌توانیم نام ایشان را گرامی بداریم، ولی از هدف او دور بمانیم. حضور حداکثری مؤمنین در صفوف نمازهای جماعت به عنوان رکن اصلی جامعه اسلامی، باید یکی از اهداف راهبردی هیئت مذهبی باشد.

مقام معظم رهبری در بیاناتشان فرمودند: «لازم است از همه برادران و خواهرانی که در سراسر کشور، در ایام عزاداری، با اقامه عزا و به راه انداختن مراسم عزاداری، به خصوص با اقامه نماز جماعت در ظهر عاشورا و با عرض ارادت به خاندان پیامبر، این روزها را بزرگ داشتند سپاسگزاریم».

هیئت امنای و مسئولان مسجد باید مقدمات حضور را فراهم کنند و فعالان هیئت باید برنامه‌ها را بر محور نماز جماعت اول وقت در مسجد طرح‌ریزی کنند تا هر چه بیشتر به فلسفه تأسیس مسجد در صدر اسلام که همانا تمرکز حضور اجتماعی مردم بر محوریت معنویت اسلامی است، نزدیک شویم. ♦

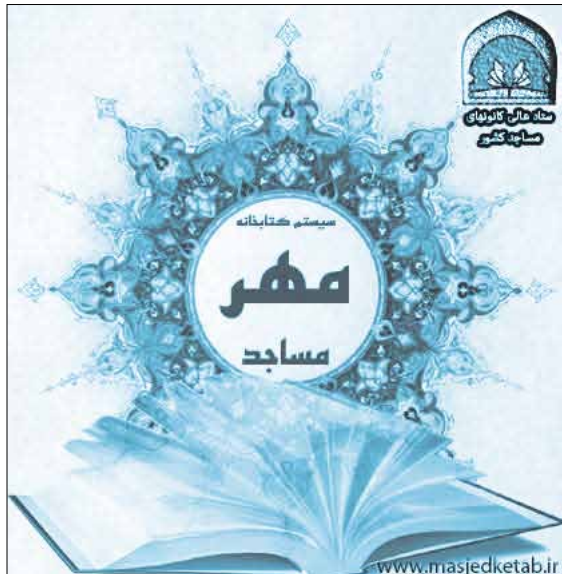
رفاهی. اگر متولیان مساجد به گونه‌ای در اداره مسجد برنامه‌ریزی کنند که بیشترین امکان برای حضور اهالی محل و عموم مردم در مسجد فراهم شود، چه بسا نیازی به احداث بنایی جداگانه در کنار مسجد نباشد و بیشترین بهره‌برداری از فضای موجود حاصل شود. در مسجد باید برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به نحوی باشد که هیئت یکی از ارکان مسجد باشد و در کنار همه برنامه‌های مسجد، اعضای هیئت نیز به صورت متمرکز مسئول برگزاری مناسبت‌ها باشند، تا هر چه بیشتر این دو جریان از امکانات مادی و معنوی برای رسیدن به اهداف خود و تعظیم شعائر الهی بهره‌مند شوند.

برگزاری مراسم مذهبی در حسینیه‌ها و منازل از سنت‌های نیکو و پسندیده جامعه شیعی معاصر ماست که تقویت آن نیز باعث رونق بیشتر جنبه معنوی جامعه و شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی دینی خواهد بود. البته ترجیح در برگزاری این مراسم بر این است که این برنامه‌ها ضمن حفظ هویت خود در راستای برنامه‌های مسجد باشد؛ برای مثال با برنامه‌های مساجد در تعارض نباشد و تداخل با زمان برگزاری نماز جماعت افراد نداشته باشد تا افراد بعد از نماز به هیئت‌ها بروند. مسجدمحوری یکی از ضروری‌ترین سیاست‌هایی است که تمام نهادهای فرهنگی باید مد نظر داشته باشند؛ چه از نظر زمان‌بندی و چه از نظر محتوایی.

ارتباط و هماهنگی هیئت و مسجد موجب هم‌افزایی و وحدت بیشتر مؤمنین و نزدیک شدن دل‌ها و موفقیت‌های بیشتر خواهد بود. اگر این باور را بپذیریم که قیام سید الشهداء علیه السلام در راستای احیای ارزش‌های اسلامی بوده و حضرت به جهت حفظ هویت اسلام

نرم افزارهای مسجدی

ابوذر کمال



مهر مساجد

این بار برای معرفی یک نرم افزار جدید به سراغ فضای کتاب و کتابخوانی و کتابداری رفته‌ایم. ما مسجدی‌ها بهترین خاطرات و تجربه‌های کتابخوانی‌مان را از کتابخانه‌های مساجد محلمان داریم. کتابخانه‌هایی که معمولاً در شروع تأسیس شان، تعداد معدودی کتاب داشتند و حتی شده بود که یک کتاب را چند بار بخوانیم و هر بار نیز از خواندن آن لذت ببریم! کتاب‌هایی که آنقدر خوانده شده بود که از شدت فرسودگی داشتند متلاشی می‌شد. کتابخانه‌هایی که کم‌کم تجهیز شدند به قدری که حالا دیگر باید به رایانه گوشه کتابخانه که آمار کتاب‌ها را دارد مراجعه کرده و کتاب دلخواه خود را پیدا کنیم.

بخش زیادی از این پیشرفت‌ها به همت اداره کل کتابخانه‌های مساجد کشور وابسته به ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور انجام می‌شود که مسئولیت خود را پیوند بین کتاب و مسجد و مسجدی تعریف کرده‌اند. یکی از این اقدامات کارساز و مفید در این عرصه، نرم‌افزار «مهر مساجد» است که سازماندهی ویژه‌ای را در کتابخانه‌های مساجد کشور ایجاد کرده است. اخیراً نسخه‌ی دوم این نرم‌افزار طراحی شده است. نرم‌افزار «مهر مساجد ۲» از دهه‌ی ولایت امسال در سایت اینترنتی اداره کل کتابخانه‌های مساجد کشور به آدرس masjedketab.ir به صورت رایگان در اختیار تمامی کتابخانه‌های مساجد کشور قرار گرفته است و کاربران با دانلود رایگان نسخه به‌روز شده‌ی آن می‌توانند از آن استفاده کنند. در این نرم‌افزار جدیدترین و کاملترین امکانات دیجیتالی برای فهرست‌برداری از کتاب‌ها برای کتابداران و سریعترین امکانات جستجو را در اختیار کاربران می‌گذارد.

فایل‌های آموزشی این نرم‌افزار که مدیریت جامع اطلاعات کتابخانه‌ی مساجد را در اختیار دارد در سایت مذکور قرار دارد. هم‌چنین در برخی استان‌ها به صورت حضوری نیز به آموزش این نرم‌افزار به کاربران و کتابداران مساجد پرداخته شده و از امکانات این نرم‌افزار بهره‌برداری می‌شود. برای نمونه به گفته‌ی آقای هاشم شیرازیان، مسئول دبیرخانه کانون‌های فرهنگی هنری استان خراسان شمالی ۲۴ کتابخانه از مساجد خراسان شمالی به نرم‌افزار مهر مساجد تجهیز شده است. البته در این استان ۲۰۰ کتابخانه باز و مخزن دار در مساجد وجود دارد. و با حجت‌الاسلام سیدعلی موسوی، مسئول دبیرخانه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان لرستان از آموزش ۲۸ نفر از کتابداران این استان خبر می‌دهد که در دوره‌ی آموزشی این نرم‌افزار شرکت کرده‌اند. به امید روزی که همه کتابخانه‌های مساجد به این نرم‌افزار کارگشا مجهز شوند. ♦

پرونده ویژه

بر سر خوان کرم

نکاتی در باب پذیرایی هیئت

علی بانیشی

دو روز از محرم گذشته بود و هنوز نتوانسته بودم در مجلس عزاداری حاضر شوم. روز سوم به هر شکلی بود خودم را زود به خانه رساندم تا بتوانم حداقل دقایق آخر مجلس را در مسجد حضور داشته باشم. با پسر راهی مسجد شدیم. همین که خواستیم وارد مسجد شویم، نوجوانی که جلوی در ایستاده بود گفت که نمی‌توانید وارد مجلس شوید. من که از تعجب چشم‌هایم از حدقه بیرون زده بود با لحنی تند گفتم: یعنی چی نمی‌تونید برید تو؟! وقتی که تعجب من را دید و به سن و سالم نگاه کرد عذرخواهی کرد و گفت بفرمایید. من متوجه شدم که به این طفل معصوم سفارش کرده‌اند تا راه را بر کسانی که برای شام به مجلس می‌آیند ببندد. تمام این پرحرفی به این دلیل بود که نکاتی را در باب مجلس عزاداری و پذیرایی یادآور شوم.

۱. مجلس عزاداری عام‌المنفعه و متعلق به همه مردم است. همه به یک اندازه حق دارند در مجلس شرکت کنند؛ چه برای پذیرایی باشد، چه نباشد. ۲. معمولاً کسی برای غذا در این مجالس شرکت نمی‌کند تا اگر غذا به اندازه نباشد و به او نرسد ایرادی بگیرد. هر چند اگر هم پذیرایی باشد مردم به عنوان تبرک به آن نگاه می‌کنند.

۳. اگر فرض را بر این بگیریم که عده‌ای برای غذا در مراسم شرکت می‌کنند، باز هم دلیلی برای ممانعت از حضور آنها وجود ندارد. شاید خانواده‌ای به سبب فقر، در این ایام از برکت سفره امام حسین علیه السلام استفاده کند.

۴. همیشه یک طرفه به قاضی نرویم. وظیفه خادمین ابا عبدالله علیه السلام بر خورد محترمانه با عزاداران است. شاید برای شخصی امکان حضور در مجلس از ابتدای آن وجود نداشته باشد؛ مثلاً تازه از سفر برگشته باشد، در خانه میهمان داشته باشد، بیماری خاصی داشته باشد، در خانه مریض داشته باشد و... .

۵. توزیع غذا یکی از حساس‌ترین و پرزحمت‌ترین کارهای هیئت است. شاید راحت‌ترین روش توزیع غذا این باشد که عزاداران را به صف کرده، غذا را به صورت بسته‌بندی به آنها داد؛ اما این کار با تکریم عزاداران و احترام به عزت نفس آنها منافات دارد. شخصیت بعضی‌ها به آنها اجازه نمی‌دهد که در صف‌های فشرده بایستند و در امواج حضور مردم به این طرف و آن طرف بروند. بهترین روش این است که بعد از مراسم به صورت منظم و به اندازه مناسب سفره انداخته شود و با دعوت از عزاداران جهت حضور در کنار سفره به شکل گسترده و منظم از آنها پذیرایی شود. ♦

سایتهای مسجدی

ابوذر کمال



برای یار آشنا، کتاب

masjedketab.ir

در سال ۱۳۷۱ وقتی ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد آغاز به کار کرد یکی از اولین مأموریت‌های خود را تجهیز کتابخانه‌های مساجد کشور قرار داد. از آن روزها بود که گسترش کتابخانه‌ها باعث جذب تعداد زیادی از جوانان به مساجد و ارتقای سطح علمی و معرفتی آنان شد. هر کس می‌خواست فضایی آرام را برای درس خواندن یا مطالعه کتاب پیدا کند اولین گزینه مطلوبش مسجد محله بود. در آن جا بود که جمع‌های علمی و دوستانه در محیطی معنوی شکل می‌گرفت و در وعده‌های نماز با شرکت در این فریضه الهی به آرامش بیشتری دست می‌یافتند.

در این شماره از نشریه به پایگاه اینترنتی اداره کل کتابخانه‌های مساجد کشور می‌پردازیم. این سایت که در ۱۴ مردادماه سال ۹۱ همزمان با میلاد مسعود امام مجتبی (علیه‌السلام) افتتاح شده است اطلاعات جامعی را در زمینه کتابخانه‌های مساجد سراسر کشور در اختیار کاربر قرار می‌دهد. به محض ورود به سایت با آمار جذابی روبرو می‌شویم تا سامان‌دهی این سایت و کتابخانه‌های مساجد کشور در اولین نگاه به رخ کشیده شود: «تا این لحظه تعداد ۱۴۲ نفر عضو سایت و ۳۰۵ کتاب‌دار از ۸۸۳ کتابخانه مسجد به ثبت رسیده است. در کل تعداد ۲۸۰۵۴۲۶ جلد کتاب در کتابخانه‌های فوق موجود است. همچنین تعداد ۴۳ کتابخانه درجه یک و ۴۳ کتابخانه درجه دو و ۱۰۹ کتابخانه درجه سه و ۲۰۹ کتابخانه درجه چهار و ۴۷۹ کتابخانه درجه پنج

محیطی به‌روز و نو برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و تجربیات خود تبدیل کرده‌اند.

در این سایت مسئولان و کتابداران مساجد از آخرین خبرها و مصوبات در زمینه‌ی درجه‌بندی، استانداردهای آگاهی، برنامه‌های ابلاغی، تأمین منابع و تجهیز کتابخانه‌ها آگاهی می‌یابند. همچنین خبرها را می‌توان بر اساس نوع کتابخانه‌های مساجد که به دیجیتال، باز، تحت پوشش، تخصصی، روستایی، کودک و مساجد خارج از کشور تقسیم می‌شود مشاهده کرد.

با تمام تلاشی که در مدت بیش از یک سال برای تأسیس و ارتقای این سایت شده است اما بیشتر به یک پایگاه خبری و جمع‌آوری آمار و اطلاعات از کتابخانه‌های مساجد کشور تبدیل شده است و به نظر می‌رسد به نیاز مخاطب در زمینه‌ی مباحثی همچون متون محتوایی درباره چرایی پیوند کتاب و مسجد و تحلیل و بررسی روش‌های نوین کتابداری توجه کمتری شده است. ♦

از سراسر کشور در این سامانه به ثبت رسیده است. از آمار فوق تعداد ۵۷۶ کتابخانه شهری و ۳۰۶ کتابخانه روستایی است و ۸۵۰۷۵ متر مربع مساحت را شامل می‌شود و نیز تعداد ۱۹۳۷۷۹ عضو ثابت از خدمات کتابخانه‌های مساجد بهره می‌گیرند. کمی پایین‌تر نقشه‌ی ایران دیده می‌شود که با کلیک بر روی هر استان با آمار دقیقی از مشخصات کتابخانه‌های مساجد و کتابداران آن روبرو می‌شویم.

در صفحه اول این پایگاه اینترنتی از آخرین و پربازدیدترین اخبار در حوزه کتابخانه‌های مساجد مطلع می‌شویم. برای نمونه با خبر می‌شویم: «با حضور مدیر کل کتابخانه‌های مساجد کشور در اصفهان: مجوز فعالیت ۲۰۰ کتابخانه به مساجد استان اصفهان اعطا شد»، «اعطاء مجوز رسمی به ۳۱ باب از کتابخانه‌های مساجد استان کرمان» و یا «فعالیت ۱۰ هزار کتابخانه در مساجد کشور». وقتی به بخش‌های دیگر سایت نیز مراجعه می‌کنیم بنا بر موضوع آن بخش می‌توانیم به آخرین خبرها در آن بخش دسترسی پیدا کنیم. مثلاً بخش کتابداران و اعضا در سایت به این چند قسمت تقسیم می‌شود: «بیمه‌ی کتابداران، اعضای کتابخانه‌های مساجد، برترین‌ها و آموزش کتابداران» که در هر قسمت خبرهای مربوط به آن مشاهده می‌شود. نکته امیدبخش درباره‌ی این سایت، مشارکت مسئولان ستادهای عالی کانون‌های فرهنگی مساجد کشور و کتابخانه‌های مساجد است که در اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها و داشته‌ها و ارائه‌ی نظرات و پیشنهادات، سنگ تمام گذاشته‌اند و این پایگاه اینترنتی را به

فصل چهارم شبستان

افتخارم این است که خود بسیجی‌ام

تشکیل حکومت اسلامی توسط امام خمینی ره به طور قطع از جمله بزرگ‌ترین اتفاقاتی بود که در قرن گذشته رخ داد؛ اما بزرگ‌تر از آن حفظ و نگهداری آن بود؛ کاری که بعد از امام ره، مقام معظم رهبری با پشتوانه ملت ایران این کار را انجام دادند و بعد از این هم چنانچه رهبری و مردم در کنار هم باشند دست‌های آلوده داخلی و خارجی توان آسیب زدن به این درخت تنومند را نخواهند داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات امام خمینی ره بعد از تحقق انقلاب فرمان تشکیل بسیج بود. ایشان با توجه به مشکلات متعدد نظام اسلامی که به هیچ وجه تنها به دست دولتمردان حل نمی‌شد این فرمان را صادر کردند. حضور مردم در عرصه‌های مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... که بانی‌ت خدایی و برای تعالی جامعه اسلامی تحت عنوان بسیج اتفاق افتاد، نظام اسلامی را از گزند آسیب‌ها به نگاه داشت. امام خمینی ره نه تنها فرمان به تشکیل این بسیج داد، بلکه خود به عنوان شخصیتی فرهنگ‌ساز در این عرصه خود را یک بسیجی خواند ایشان در این رابطه بیان داشتند: «من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند؛ چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام. من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولان عرض می‌کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگترین ساده‌اندیشی این است که تصور کنیم جهان‌خواران خصوصاً آمریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته‌اند؛ لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم»^۱.

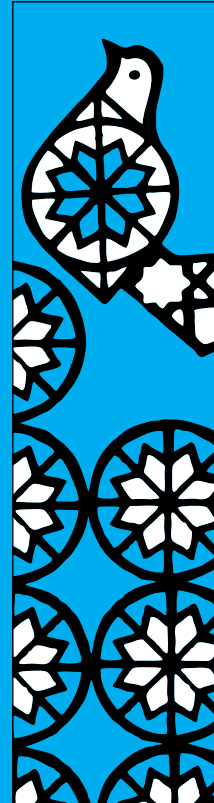
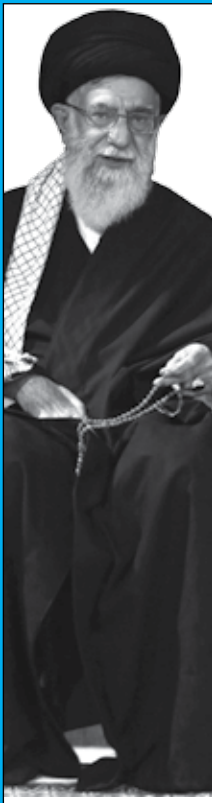
ایشان بعد از اهمیت وجود بسیج سخن از دشمنان خارجی می‌زند که بیانگر این نکته است که قطعاً با کمک و همت روحیه بسیجی و خلوص بسیجی است که می‌توان در مقابل آنان ایستاد. ایشان نه تنها وجود بسیج را برای داخل ایران امری ضروری می‌دانند، بلکه می‌فرمایند: «بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می‌توان اسلام را فاتح جهان نمود»^۲. این دیدگاهی جهان‌شمول است که باید فراگیر شود. بسیج به معنای مقاومت در مقابل ظلم و تعدی، عدالت‌محوری، نظم در عمل، آگاهی از شرایط و تصمیم صحیح و سریع در گفتار ایشان و مقام معظم رهبری یاد شده است. به امید روزی که امید و آرزوی این دو بزرگوار در مورد بسیج ده‌ها میلیونی محقق شود.

پی‌نوشت:
۱. جماران ۱۳۶۷/۹/۲.
۲. همان.

من يك
بسیجی
هستم
روشن‌شناسی
در گفتمان
اسلام ناب

چپستی و چرایی
شعر آیینی
درآمدی بر

شاعری به
نام مسکین



انقلاب اسلامی

من يك بسیجی هستم

نگاهی به بیانات رهبر
فرزانه انقلاب اسلامی
پیرامون بسیج

سمانه‌بغیری



«به طور قطع زمانی که دستور تشکیل بسیج از سوی امام خمینی علیه السلام مطرح شد کمتر کسی فکر می کرد این سازمان مردمی تا این اندازه بتواند در پیش برد اهداف انقلاب اسلامی کمکیار و مؤثر باشد. هر چند در ابتدا بروز و ظهور قدرت این سازمان مردمی در دفاع مقدس بود، اما هر چه از عمر انقلاب گذشت، بسیج نشان داد که در عرصه های مختلف کارآمد و فعال است.»

نقش برآب خواهد شد» (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲).

معنای بسیج

معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی. از نظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، يك حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد (بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲).

در واقع بسیجی به معنای یک مؤمن واقعی است. بسیجیان کسانی هستند که نه تنها ایمان آوردند، بلکه عمل صالح، که مکمل ایمان است، را نیز به همراه دارند؛ کسانی که به خدا ایمان آورده اند و اعمال خود را در جهت تقویت اسلام همسو کرده اند. این معنای یک بسیجی است که مقام معظم رهبری آن را بیان می کنند: «وقتی با حقیقت معنا به بسیج نگاه شود، بسیج رمز پایداری و ماندگاری و عزت ملی است. جمعی از بهترین و مؤمن ترین مردم در هر عرصه ای که کشور و نظام به آن احتیاج دارد، بی محابا وارد شوند، همه توان خودشان را کف دست بگیرند، بیاورند توی میدان، اجر و مزدی هم نخواهند، نام و نشانی هم برایشان مطرح نباشد؛ این خیلی چیز مهمی است» (بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۷/۹/۴).

ویژگی های بسیجی

واقعا یک بسیجی کیست و چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟ در بیانات مقام معظم رهبری ویژگی های متعددی برای یک بسیجی به چشم می خورد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. بسیجی باید عاشق، با ایمان، با اعتمادبه نفس و خلاق باشد. عشق سختی های مسیر را هموار و آسان می کند. ایمان راه و مسیر را مشخص می کند، اعتماد به نفس باعث قطع دست بیگانگان از کشور است و

بسیج معجزه های الهی

مقام معظم رهبری در موارد متعددی از دستور امام خمینی علیه السلام در مورد تشکیل بسیج بیست میلیونی، تعبیر به معجزه کرده اند: «این حرکت عظیم بسیج، این اقدامی که امام در سازماندهی بسیج کرد - مطالبه سازماندهی بسیج را امام کرد، ارتش بیست میلیونی را امام مطرح کرد - یکی از همان کارهای معجزه آسای انقلاب بود که امام انجام داد» (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲).

«به طور قطع زمانی که دستور تشکیل بسیج از سوی امام خمینی علیه السلام مطرح شد کمتر کسی فکر می کرد این سازمان مردمی تا این اندازه بتواند در پیش برد اهداف انقلاب اسلامی کمکیار و مؤثر باشد. هر چند در ابتدا بروز و ظهور قدرت این سازمان مردمی در دفاع مقدس بود، اما هر چه از عمر انقلاب گذشت، بسیج نشان داد که در عرصه های مختلف کارآمد و فعال است. که این معنای معجزه بودن بسیج را بیشتر نشان می دهد. بسیج بیست میلیونی به معنای آمادگی بیست میلیون انسان مؤمن در مقابل حملات مختلف دشمنان است. این بیست میلیون نیز عددی در مقابل جمعیت حدود چهار میلیون ایرانی بود که مقام معظم رهبری به آن اشاره می کند: «امام با این مضمون فرمودند که وقتی بیست میلیون انسان آماده مبارزه با سلاح در يك جامعه ای باشد، هیچ قدرتی در دنیا طمع نمی ورزد؛ می فهمد هزینه تهاجم به این مجموعه، هزینه زیادی است. ارتش بیست میلیونی را امام مطرح کردند؛ البته بیست میلیون در مقایسه با جمعیت آن روز کشور که حدود چهار میلیون بود؛ بعد ما عرض کردیم ارتش ده ها میلیون؛ واقع قضیه هم همین است. البته این معنایش این نیست که همه جامعه نظامی می شوند، همه تفنگ دست می گیرند؛ معنایش این است که همه آماده دفاع می شوند، آماده مبارزه اند. ملتی که همه آماده مبارزه اند، این ملت دیگر شکست نخواهد خورد. هر توطئه ای در مقابل این ملت این چنینی، این جور با این سطح از آمادگی،

اشاره

بسیج در جمهوری اسلامی به طور قطع و یقین یکی از تأثیرگذارترین سازمان های مردمی است که تحلیل آن برای بسیاری از سیاستمداران دنیا غیرممکن است. تحلیل اینکه عده ای از مردم عادی بدون اجر و مزد قدم در خدمت به جامعه و حکومت خود نهند و بی نام و نشان به دنبال خدمت رسانی باشند. در هر عرصه ای که نظام جمهوری اسلامی به کمک نیاز داشته باشد، این بسیج مردمی است که جلوتر از همه و پیش گام تر از بقیه سازمان ها، خودجوش قدم در میدان می گذارد. بسیاری از تهدیدهای داخلی و خارجی به واسطه حضور بسیج است که دفع می شود. بسیج همواره از سوی دشمنان مورد هجوم قرار گرفته است؛ «دشمنان این انقلاب یکی از اصلی ترین نقاط حمله خود را همیشه بسیج قرار داده اند. بسیج را متهم کردند. در میدان های سیاسی، بازیگران سیاسی هر چه خواستند علیه بسیج گفتند. بسیج، آرام-مثل يك اقیانوس آرام و پر عمق - در پاسخ به آنها چیزی نگفت و چیزی نمی گوید؛ و چیزی نگویید» (بیانات در دیدار گردان های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵).

آری این برخورد بسیج و بسیجی با دشمنان بود. هر جا که باید وارد صحنه شود، می شود. در عین حال به بیان مقام معظم رهبری، در جایی نیز که به آن ظلم روا داشته می شود آرام و ساکت است. بسیج در کلام رهبری دارای تعریف، ویژگی ها و وظایفی است که به آن اشاره می شود.



احساس و تلقی تان از مسئولیت يك انسان در قبال اسلام باید این باشد که می توانید مؤثر باشید، می توانید این حرکت عظیم را سرعت ببخشید، می توانید گره‌هایی را باز کنید، می توانید در مقابل تهاجم‌های گوناگون ایستادگی کنید؛

و... «احساس و تلقی تان از مسئولیت يك انسان در قبال اسلام باید این باشد که می توانید مؤثر باشید، می توانید این حرکت عظیم را سرعت ببخشید، می توانید گره‌هایی را باز کنید، می توانید در مقابل تهاجم‌های گوناگون ایستادگی کنید؛ چه تهاجم سیاسی، چه تهاجم تبلیغاتی، چه جنگ‌های روانی و چه احیانا تهاجم نظامی و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و کشور ما به این حضور مردمی و پرانگیزه و برخاسته از ایمان، حداکثر نیاز را دارد؛ چون اتکا این نظام به خدا و عوامل الهی است و مهم‌ترین عوامل الهی همین ایمان‌های مردمی است؛ «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین». خداوند به پیغمبرش می فرماید: خدا تو را به وسیله نصرت خود و به وسیله مؤمنین تأیید کرد. یعنی یکی از مظاهر نصرت الهی، اعمال قدرت الهی، نصرت مؤمنین است» (بیانات در دیدار با بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴).

۳. حضور در تمام صحنه‌های جهادی؛ «جنگ تخمیلی تمام شد؛ سطحی‌نگرها خیال می‌کردند بسیج هم تمام شد؛ اما بسیج ماند، چون مجاهدت باقی بود، چون میدان مجاهدت ادامه داشت. هر جا مجاهدت هست، در آنجا حضور بسیج هست؛ مجاهدت در میدان علم، مجاهدت در میدان سیاست، مجاهدت در میدان فعالیت‌های اجتماعی، مجاهدت در میدان وسیع و عرصه عظیم بین‌المللی. این مجاهدت‌ها ادامه دارد و همچنان ادامه خواهد داشت» (بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲).

۵. بصیرت، اخلاص و عمل به اندازه؛ «آنچه که برای همه ما، برای همه بسیجیان عزیز، برای جوان‌ها در هر نقطه‌ای از این عرصه عظیم که مشغول کار هستند، باید به عنوان شاخص مطرح باشد، عبارت است از این سه عنصر: بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام و به اندازه. این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه‌گانه باید برای ما شاخص باشد؛ بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام و به اندازه» (بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲).

مقررات نیست، پاینده قوانین نیست، پاینده ضوابط مستقر در جامعه نیست؛ نخیر، این اشتباه است، این خطاست» (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲). متأسفانه گاهی از برخی بسیجی‌نماها دیده شده است که فکر می‌کنند بی‌نظمی لازمه یک بسیجی است، در صورتی که بی‌نظمی با فرامین اسلامی در منافات است. تعدی به حقوق دیگران، بستن راه و بد اخلاقی صرفاً برای اینکه لباسی نظامی بر تن کرده‌ایم برانزنده یک بسیجی نیست. این سخن رهبری که بسیجی باید با نظم و منضبط باشد ناظر به همین آفات است.

۶. گستردگی بسیج در تمام عرصه‌های اجتماعی و فردی؛ «آن وقتی که نوبت سازندگی است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت مدد رسانی و خدمات است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت تحقیقات بسیار دقیق و ریز و حساس است، نیروهای بسیجی در صفوف اول‌اند. امروز شما نگاه کنید در همین قضیه هسته‌ای، در این فناوری پیچیده و بسیار دشوار، جوان‌هایی که آنجا هستند، جوان‌های متدین که اجزاء طبیعی و حقیقی بسیج را تشکیل می‌دهند؛ در همه جا همین جور است» (بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵).

◀ وظایف بسیجی

از مهم‌ترین وظایف بسیج می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. دفاع از اصول مسلم اسلامی؛ «از جمله اساسی‌ترین کارهایی که بر عهده بسیج است و در بافت درونی هویت بسیج دخالت دارد، عبارت است از حمایت و دفاع از اصول مسلم اسلامی. این هم در بیانات امام هست؛ اصول تغییرناپذیر اسلامی» (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲). عدالت، ظلم‌ستیزی، مبارزه با استکبار، حمایت از ضعیف و... از جمله اصولی است که بسیج و بسیجی وظیفه حمایت از آن را به عهده دارد.

۲. مؤثر بودن در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی

خلافت، هدف را با سرعت بیشتری در اختیار قرار می‌دهد. برای همین است که ایشان می‌فرماید: «بسیج، حرکت برخاسته از ایمان، از عشق، از اعتماد به نفس و توأم با ابتکار است» (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲).

۲. بسیجی باید احساس نیاز کند تا این احساس موتور محرک وی برای فعالیت باشد و بعد از احساس نیاز باید آمادگی لازم را برای حرکت داشته باشد و این آمادگی چیزی جز علم و پشتکار و تشخیص درست از نادرست نیست (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵).

۳. «شرط دیگر این است که در مقابل این حرکت و کار، از کسی مزد نخواهد» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵). مزد در واقع برای کسی است که از خارج مورد تشویق قرار گرفته است. کسی که برای خدا کار می‌کند گرفتن مزد و پاداش برای او بی‌حرمتی است.

۴. عمیق بودن در مسائل؛ «از این‌گونه آدم‌های متکی به عمق هم کم نداریم. بعضی هم نه؛ متکی به عمق نبودند. بنابراین باید به تفکر اسلامی و تفکر بسیجی عمق داد» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵).

۵. ابتکار، نوآوری و نظم نیز از جمله وظایف یک بسیجی است؛ «ابتکار باید به وجود بیاید، نوآوری باید به وجود بیاید؛ اما بی‌انضباطی نه. يك عده‌ای اشتباه می‌کنند؛ خیال می‌کنند بسیجی یعنی کسی که پاینده به



انقلاب اسلامی

روش‌شناسی در گفتمان اسلام ناب

سید مهدی موسوی

نظام دانایی در هر تمدنی، مبنای روش اندیشه و زندگی یک قوم به طور عام، و زندگی سیاسی آنان به طور خاص، را تشکیل می‌دهند، اما توجه خاص به روش‌شناسی یک گفتمان نقش بسیار مهمی در شناخت نظام معنایی و چگونگی مفصل‌بندی آن گفتمان دارد.

روش‌شناسی در گفتمان اسلام ناب، متأثر از نظام معرفت‌شناسی و جهان‌بینی آن است. از این رو توجه به مبانی و اصول معرفت‌شناسی و جهان‌بینی این گفتمان امری بایسته و ضروری است.^۱ براساس معرفت‌شناسی اسلامی، می‌توان مهم‌ترین ویژگی روش‌شناسی در گفتمان اسلام ناب را، رهیافت جامع‌نگر و چندتباری در برابر رهیافت تحویلی‌انگار و تقلیل‌نگر دانست.

تحویلی‌نگری عبارت است از «ارجاع يك پدیدار به امری فروتر از آن و أخذ وجهی از شیء به جای کنه و حقیقت آن».^۲ در تحویلی‌نگری کلیت یک پدیده را به اجزاء آن ارجاع می‌دهد؛ یعنی فقط به یک جنبه و

تلاش‌های علمی یک دانشمند قرار دارد.^۱ در تعریف روش‌شناسی گفته‌اند: «روش‌شناسی عبارت است از دانش به استانداردها و اصولی که در یک مطالعه با پارادایم معلوم، انتخاب، ساختاربندی، فرآیند و کاربری روش‌ها را مشخص می‌کند».^۲ به تعبیر دیگر «روش‌شناسی شناخت شیوه‌های اندیشه و راه‌های تولید علم و دانش در عرصه معرفت بشری است».^۳ چنانکه پیش از این گفته شد «روش‌شناسی‌ها بر بنیاد معرفت‌شناسی‌ها استوارند» و به اعتبار تمایز و تحول در هندسه معرفت‌شناسی‌ها، آنها نیز دستخوش تفاوت و تغییر می‌گردند. بنابراین هر جا و هر زمان که نظام معرفت‌شناسی خاصی زاده و بالیده شود، به تبع آن، شرایط امکان لازم برای پیدایی روش‌شناسی ویژه و متناسب نیز فراهم می‌گردد. البته وقتی یک نظام دانایی و معرفت‌شناختی دچار بحران و فروپاشی می‌گردد، سازمان روش‌شناسی نیز دچار تردید و تزلزل می‌شود.^۴ اگر چه می‌توان گفت معرفت‌شناسی‌ها، جهان‌بینی‌ها و به طور کلی،

هر گفتمانی در مطالعه و تحلیل امور و پدیده‌ها باید دارای روش‌شناسی ویژه‌ای باشد که به واسطه آن بتواند نگرشی صحیح و نظام‌مند داشته باشد و براساس آن به مفصل‌بندی بپردازد تا نظام معنایی مستقلی را شکل دهد. با نگاهی به تاریخ اندیشه‌ها و مکاتب فکری روشن می‌شود گفتمانی از قدرت نفوذ و ماندگاری بالایی برخوردار است که دارای روشی روشن و منسجم باشد و براساس همان روش به تحلیل و تبیین یک مسئله بپردازد. مجموعه‌ای از گزاره‌های مفیدکشکول وار و بی‌ارتباط با هم نمی‌تواند اندیشه‌ای منسجم به وجود آورد و از سطح و ظاهر پدیده‌ها به لایه‌های عمیق آن نفوذ کند و تبیین و تفسیری جدید ارائه دهد. در تعریف روش آورده‌اند که عبارت است از شیوه‌های درست انجام دادن کار براساس اصول، قوانین و قواعد مشخص، و وسیله مناسب به صورت آگاهانه برای دستیابی به حقیقت؛ به عبارت دیگر روش مسیری است که دانشمند در سلوک علمی خود طی می‌کند و همواره در متن حرکت فکری و



روشن‌شناسی در گفتمان اسلام ناب، متأثر از نظام معرفت‌شناسی و جهان‌بینی آن است. از این رو توجه به مبانی و اصول معرفت‌شناسی و جهان‌بینی این گفتمان امری بایسته و ضروری است. ۵. براساس معرفت‌شناسی اسلامی، می‌توان مهم‌ترین ویژگی روشن‌شناسی در گفتمان اسلام ناب را، رهیافت جامع‌نگر و چندتباری در برابر رهیافت تحویلی‌انگار و تقلیل‌نگر دانست.

یا چند بعد خاص و محدود به پدیده‌ها می‌نگرد و از جامعیت ممکن چشم می‌پوشند. ریشه اصلی مسئله تحویلی‌نگری به پدیده‌ها ریشه در روش‌شناسی اندیشه‌ها و متفکران دارد. محصور نمودن یک موضوع را به دانش خاص و غفلت از دیگر علوم در مواجهه با آن موضوع و تحلیل مسائل، آن را اصطلاحاً حصرگرایی روش‌شناختی می‌گویند. امام خمینی ره حصرگرایی روش‌شناختی را پراسیب‌ترین و پراسیبه‌ترین عارضه بر دین اسلام و علوم می‌داند و در این باره معتقدند که عدم اتخاذ روش جامع برای توجه به همه ابعاد انسان و اسلام موجب عدم شناخت انسان و اسلام می‌شود و هر یک با توجه به بخشی از نیازهای انسان و ابعاد اسلام، از سایر ابعاد غافل می‌شود و انسان و اسلام را فقط در همان بخشی که علم و اطلاع دارد محصور می‌کند. ایشان در یک آسیب‌شناسی مهم از وضعیت فهم و نگرش اسلام می‌گویند:

«سابق، تا البته مدتی که از اسلام گذشت، دسته‌جات مختلفی از مردم و اهل علم، اینها توجهشان به معنویات اسلام بود و نظرشان به آن آیاتی و روایاتی که مربوط [بود] به معنویات و تهذیب نفس و ماورای طبیعت؛ ... تا مدت‌ها وضع این‌طور بود که توجه

امور طبیعی از معنویات غافل بشوند؛ حتی آیاتی که راجع به امور معنوی است آن را برگردانند به یک امور طبیعی و عادی. اینها هم توجه به اسلام دارند و غافل هستند؛ یعنی یک ورکش را خوانده‌اند، یک ورکش را از آن غافل‌اند. و این دو طایفه اسلام را به تمام معنی نشناختند که اسلام چیست. اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است؛ هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمده است که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد بسازند او را، تربیت کنند او را».^۶

چنانکه از این بیان روشن می‌شود بزرگترین آفت روش‌شناسی در تفاسیر متعدد از اسلام، عدم اتخاذ یک روش جامع و چندتباری برای فهم معارف مختلف و ذو ابعاد اسلام و قرآن است. این اشکال روش‌شناختی موجب عدم درک درست اسلام ناب محمدی شده است و مسلمانان را به دام تحویلی‌نگری و انحصارگرایی انداخته است. لذا هر طایفه‌ای طایفه دیگر را رد و تخطئه می‌کردند و خود را معیار تمام معارف اسلام دانستند. امام ره می‌فرماید: «یک طایفه‌ای فیلسوف... عارف و صوفی و متکلم و امثال ذلک که دنبال همان جهات معنوی بودند، اینها گرفتند آن معنویات را، هر کسی به اندازه ادراک

به آن احکام اجتماعی و سیاسی و اینها که در اسلام بود، توجه کم بود یا نبود... مثل فلاسفه و عرفا و صوفیه و این‌ها، آن طرف ورق را نگاه می‌کردند و در حرفهایشان بیان همان معنویات بود و مردم را دعوت می‌کردند به همان جهات معنویه اسلام؛ حتی روایات یا آیاتی که وارد شده بود راجع به امور طبیعی و راجع به امور اجتماعی و سیاسی، بعضی‌شان کوشش می‌کردند که اینها را برگردانند به همان امور معنوی و همه را روی آن ورق حساب کنند. جهت باطنی اسلام و قرآن را ملاحظه کنند... و از اجتماعاتی که در قرآن هست، از آیات و اخباری که وارد شده است راجع به حکومت اسلام، راجع به سیاست اسلام، راجع به امور اجتماعی، راجع به تعمیر این عالم، غفلت کردند. این غفلت کردن از اسلام بود که اسلام را به یک ورق شناخته بودند ورق دیگرش را، عالم طبیعتش را توجه نداشتند که اسلام توجه به عالم طبیعت هم دارد؛ توجه به تمام اموری که احتیاج دارد انسان، دارد؛ و لهذا یک ابتدای اسلام این بود... حالا ابتدای اسلام این‌طور شده است که جوان‌های ما، جوان‌ها و روشنفکرها و اشخاصی که دانشمندان بالا هستند و علوم طبیعی را یاد گرفته‌اند، اینها کوشش دارند به اینکه تمام آیات قرآنی و روایات را برگردانند به همین



بلکه باید به اتخاذ روش و رهیافت جامع‌نگر به معرفت و دانش از همه ظرفیت‌های علوم دینی همچون فقه و اصول، فلسفه و کلام، عرفان و اخلاق و سایر علوم اعم از ریاضی، طبیعی و فنی به نحو سالم و صحیح برای ساخت جامعه اسلامی بهره جست و این روش جامع‌نگر در گفتمان اسلام ناب طراحی و اجرایی شده است که در شماره آینده بیان خواهد شد. ◆

خودش، و تخطئه کردند قشربون [را]. تمام ماعدای خودشان را قشری حساب کردند... و در همین اوان و همان عصر، یک دسته دیگری که اشتغال داشتند به امور فقهی و به امور تعبدی، اینها هم تخطئه کردند آنها را یا حکم الحاد کردند، یا حکم تکفیر کردند، یا هر چه کردند، آنها را تخطئه کردند. و این هر دو خلاف واقع بوده. اینها محصور کردند اسلام را به احکام فرعیه؛ و آنها هم محصور کرده بودند اسلام را به احکام معنویه، به امور معنویه و به مافوق الطبیعه. آنها - به خیال خودشان - مافوق الطبیعه همه جهات هست؛ اینها هم - به خیال خودشان - احکام طبیعت و فقه اسلامی و اینهاست و دیگران همه‌اش بی جهت است... حالا هم یک جمعی پیدا شده‌اند که اینها نویسند و خوب هم چیز می‌نویسند، لکن آیات قرآن را عکس آن چیزی که فلاسفه و عرفا آن وقت مطرح کرده بودند و همه مادیات را برمی‌گرداندند به معنویات، اینها تمام معنویات را به مادیات بر می‌گردانند، عکس آنها^۸. این روش مصداق همان تعبیر قرآنی است که «نؤمن ببعض و نکفر ببعض»^۹. در اندیشه امام خمینی علیه السلام و گفتمان اسلام ناب، هیچ دانشی به تنهایی نمی‌تواند همه ابعاد اسلام را شناسایی کند و به همه نیازهای انسان پاسخ دهد؛

در اندیشه امام خمینی علیه السلام و گفتمان اسلام ناب، هیچ دانشی به تنهایی نمی‌تواند همه ابعاد اسلام را شناسایی کند و به همه نیازهای انسان پاسخ دهد؛ بلکه باید به اتخاذ روش و رهیافت جامع‌نگر به معرفت و دانش از همه ظرفیت‌های علوم دینی همچون فقه و اصول، فلسفه و کلام، عرفان و اخلاق و سایر علوم اعم از ریاضی، طبیعی و فنی به نحو سالم و صحیح برای ساخت جامعه اسلامی بهره جست

پی‌نوشت:
 ۱. پارسا، حمید؛ روش‌شناسی انتقادی حکمت‌صدایی؛ قم: (۱۳۹۰)، کتاب فردا؛ ص ۶۹.
 ۲. پاکتچی، احمد؛ «تأملی بر خاستگاه فلسفی روش‌شناسی در دانش نشانه‌شناسی»؛ روزنامه ایران، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۸.
 ۳. پارسا، حمید؛ پیشین؛ ص ۶۹.
 ۴. فیرحی، داود؛ روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی؛ قم: (۱۳۸۷)؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ ص ۱۵.
 ۵. در همین نشریه در مطلب «زیربنای معرفت‌شناسی گفتمان اسلام ناب» برخی از اصول معرفت‌شناختی گفتمان اسلام ناب بیان شد.
 ۶. قراملکی، فرامرز؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ مشهد: (۱۳۸۰)؛ دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ ص ۲۸۹.
 ۷. صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۱۸۲.
 ۸. همان؛ ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۲.
 ۹. نساء؛ ۱۵۰.

انقلاب اسلامی

ماهیت جامعه و عناصر جامعه‌سازی در گفتمان اسلام ناب

سید محمدطه موسوی

سنت‌ها و ارزش‌های مشترکی را فراهم می‌کند. افراد مستقل زمانی که در این بستر قرار بگیرند تا حدودی اندیشه‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهایشان متناسب با همان فرهنگ و جامعه می‌شود. بنابراین کنش اجتماعی افراد و نظام اجتماعی هر جامعه متناسب با اعتقادات، آرمان‌ها، سنت‌ها و ارزش‌های موجود در آن جامعه شکل می‌گیرد؛ زیرا این امور از عناصر محوری و لایه‌های بنیادین هر جهان اجتماعی است و تداوم حیات و زندگی اجتماعی به همان آگاهی و معرفت مشترک و فرهنگ وابسته است.^۷

قرآن کریم در باب تغییر و تحولات جوامع می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم».^۸ از این آیه روشن می‌شود که آنچه موجب تغییر و تحول اساسی در جامعه می‌شود «ما بانفسهم» است. شهید صدر با استناد به همین آیه، معتقد است محتوای باطنی انسان، تجسم دهنده هدف‌هایی است که حرکت جامعه و تاریخ بدان هدف‌ها وابسته است. وی می‌نویسد: «محتوای باطنی و روانی یک ملت به طور عموم که حالت عموم افراد آن ملت از آن حکایت کند، می‌تواند به عنوان عموم ملت، پایه‌ها و زیربنای اساسی تغییرات روبنایی همه حرکت‌های تاریخ باشد نه روحیه یک فرد و دو فرد و چند فرد آن امت».^۹ به همین جهت جوامع مختلف و متمایزی با ساختارهایی متنوع و قیاس‌ناپذیر شکل می‌گیرد؛ یعنی هر جامعه‌ای در پرتو محتوای باطنی و آگاهی‌های بین‌الذنهانی و آرمان‌ها و نظام معنایی مشترک میان افراد خود شکل می‌گیرد و ادامه حیات می‌دهد؛ زیرا «هر یک از صور معرفت ملازمات، پیامدها و مبانی خاص خود را دارد. اگر این صور

مجموعه آنان واحدی به نام جامعه را به وجود می‌آورد که از هویت و سرنواخت واحدی برخوردار می‌شوند، عنصر آگاهی‌ها و آرمان‌های مشترک است که ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی را خلق می‌کند.^{۱۰} تقریر این مطلب براساس حکمت متعالیه این است که براساس اصل «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن نفس» حقیقت انسان به واسطه علم و دانش و اخلاق و ارزش به تدریج از قوه به فعل تبدیل می‌شود^{۱۱} و بر اساس اصل «اتحاد عالم و معلوم» این علم با نفس انسان اتحاد وجودی پیدا می‌کند و هرگاه آگاهی‌ها و آرمان‌ها از سطح ذهن فردی فراتر رود و در نفوس افراد مختلف وارد شود با آنها نیز اتحاد وجودی می‌یابد.^{۱۲} از این رو این آگاهی‌ها و آرمانها در حافظه بین‌الذنهانی انسان‌ها توسعه و حفاظت می‌شود و افراد مستقل از آرمان‌ها و آگاهی‌های مشترکی برخوردار می‌شوند که به واسطه این هم‌افقی‌ها، به یکدیگر نزدیک می‌شوند و به تدریج شبکه‌ای از معانی، کنش‌ها، هنجارها و رفتارهای مرتبط با آن آگاهی و هدف را به وجود می‌آورد و به عرصه ارتباطات اجتماعی وارد می‌سازند.^{۱۳} و از این طریق زندگی جمعی را رقم می‌زنند و جامعه و امتی مستقل را پدید می‌آورند و حساب خود را از سایر جوامع متمایز می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت هر جامعه‌ای از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول، افراد مستقلی است که کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و بخش دوم آن آگاهی‌ها و آرمان‌های مشترک بین‌الذنهانی است که نقش محتوای باطنی^{۱۴} و نرم‌افزار جامعه را دارد که به واسطه آن، افراد مستقل حقیقی را تحت هویتی جدید و مستقل گرد هم می‌آورد و زمینه ایجاد

از هنگامی که انسان متولد می‌شود و پا به عرصه گیتی می‌گذارد تا زمانی که روح از بدن او مفارقت می‌کند، زندگی او حداقل دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. انسان چون دارای عقل، فطرت و احساس مستقل است و قدرت اراده، اختیار، تصمیم‌گیری و انتخاب را دارد از زندگی و حیات مستقل فردی برخوردار است و خود می‌تواند برای زندگی خودش برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کند و به مقتضای بینهش و گرایش فردی‌اش رفتار کند. انسان به حسب طبیعت و به جهت تنوع نیازهایش، فقط یک موجود فردگرا و درون‌گرا نمی‌تواند باشد؛ بلکه زندگی و حیات او با زندگی و حیات سایر هم‌نوعان گره خورده است و از ابتدای تولد، زندگی او وابسته به دیگران است. این ارتباطات دوسویه است؛ یعنی هم فرد توان تأثیرگذاری را بر سایر هم‌نوعان دارد و هم هم‌نوعان می‌توانند بر بینهش‌ها، گرایش‌ها و انتخاب‌های او تأثیر بگذارند. بنابراین نمی‌توان انسان را بدون روابط اجتماعی با سایر انسان‌ها تصور کرد. آن هنگام که روابط انسان‌ها از پیچیدگی زیادی برخوردار گردد و هر فرد به کاری اشتغال پیدا کند و نقشی را در کنار سایر افراد بازی کند تا نیازهای یکدیگر را بتوانند بر طرف نمایند، جامعه تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر روابط افراد نسبت به یکدیگر و پدیده‌های اجتماعی به طور گسسته و جدای از یکدیگر شکل نمی‌گیرد. بلکه با توجه به تأثیر و تأثر متقابل آنها بر یکدیگر، تعدیل و انسجام مناسبی به تدریج در میان آنها ایجاد می‌شود. از این طریق «نظام اجتماعی» از درون پدیده‌های اجتماعی و روابط افراد محقق می‌شود.^{۱۵} آنچه افراد مستقل را در کنار هم می‌نشانند و از



به دلیل میزان استحکام مبنایی، قلمرو، و همسویی با منافع مردم جوامع از دوام و زوال، سعه و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متفاوتی برخوردارند. بنابراین به هر اندازه که محتوای باطنی و ایده‌آل‌های جامعه بشری دارای وسعت، صلاحیت و عظمت بیشتری باشد، به همان اندازه هدف‌هایش واجد صلاحیت و وسعت بیشتری است.

روح انسان کامل معصوم به منزله روح جمعی آحاد جامعه است؛ چون به مثابه روح ارواح و جان جانان و دل دل‌ها است.^{۱۵} نخبگان و خواص فرهنگی در حفظ وحدت جامعه نقشی اساسی و کلیدی را به عهده دارند. اگر خواص و نخبگان به نقش کلیدی و تاریخی خود درست عمل کنند و در حکم مغز متفکر و زنده جامعه عمل کنند، محتوای باطنی جامعه و نظام معنایی آن حفظ می‌شود و تکامل می‌یابد و الا در رقابت با سایر جوامع، دچار ضعف و انحطاط می‌شود. ♦

به وساطت اراده و آگاهی انسان به عرصه حیات اجتماعی وارد شوند، لوازم و جودی خود را نیز در قالب یک ساختار و نظام اجتماعی به دنبال می‌آورد.^{۱۰} به دلیل میزان استحکام مبنایی، قلمرو، و همسویی با منافع مردم جوامع از دوام و زوال، سعه و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متفاوتی برخوردارند. بنابراین به هر اندازه که محتوای باطنی و ایده‌آل‌های جامعه بشری دارای وسعت، صلاحیت و عظمت بیشتری باشد، به همان اندازه هدف‌هایش واجد صلاحیت و وسعت بیشتری است.^{۱۱} بر اثر نیروی روحی تولید شده و متناسب با آن ایده‌آل بزرگ، نقش آفرینی افراد در جامعه و زندگی و جهان نیز متفاوت خواهد بود. بنابراین شناخت صحیح جوامع را باید براساس بررسی و تحلیل «محتوای باطنی» حاکم بر آن جامعه جست‌وجو کرد تا بتوان تحلیلی صحیح از جوامع به دست آورد.

- پی‌نوشت:
۱. پارسانیا، حمید؛ جهان‌های اجتماعی، قم (۱۳۹۱)؛ کتاب فردا؛ ص ۵۵.
 ۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران (۱۳۷۴)؛ صدر؛ ج ۲؛ ص ۳۳۱.
 ۳. جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن؛ قم (۱۳۸۷)؛ نشر اسراء؛ ص ۳۲۲.
 ۴. پارسانیا؛ پیشین؛ ص ۱۲۰-۱۲۱.
 ۵. همان؛ ص ۱۵۵.
 ۶. صدر، سید محمد باقر؛ سنت‌های تاریخ در قرآن؛ ترجمه سید جمال الدین موسوی؛ تهران (۱۳۸۱) تفاهم؛ ص ۱۴۵-۱۴۶.
 ۷. پارسانیا؛ پیشین؛ ص ۱۲۶-۱۲۷.
 ۸. رعد؛ ۱۱.
 ۹. صدر؛ پیشین؛ ص ۱۴۷.
 ۱۰. پارسانیا؛ پیشین؛ ص ۴۵.
 ۱۱. صدر؛ پیشین؛ ص ۱۵۱.
 ۱۲. نساء؛ ۵۹.
 ۱۳. جوادی آملی؛ پیشین؛ ص ۳۴۱.
 ۱۴. همان؛ ص ۳۳۳.
 ۱۵. همان؛ ص ۳۴۱.

بنابر مبنای ذکر شده، رهبران، نخبگان و خواص هر جامعه نگهبانان و میراث‌داران محتوای باطنی آن جامعه هستند و نقشی اصلی دارند؛ زیرا حفظ، تبیین صحیح، تکمیل محتوای باطنی جامعه بر دوش آنان است. به همین جهت است که امامت در اندیشه اجتماعی اسلام از جایگاهی رفیع و ممتاز برخوردار است؛ چرا که قوام جامعه و نظام جامعه و حتی قوام احکام و حقوق نیز به دست امام جامعه است. بنابراین اگر جامعه بخواهد وحدت و هویت خود را حفظ کند باید از امام جامعه که به منزله روح جامعه است تبعیت کند.^{۱۲} برخی از نظریه پردازان، امام را عامل تحقق عینی جامعه^{۱۳} و وحدت و انسجام عینی جامعه^{۱۴} دانسته‌اند. آیت الله جوادی آملی معتقدند پیوند خاص میان آحاد جامعه به واسطه پیوند روح‌ها و جان‌ها است، از این رو در جامعه اسلامی

انقلاب اسلامی

حقیقت مغفول

تحقق امر فرهنگی اصیل یا صحبت درباره امور فرهنگی

مسعودیانی

در تدارک تهیه این وسایل است. من فکر می‌کنم نظریه‌های روانشناختی که بر شکل‌گیری شخصیت انسان در سال‌های نخست کودکی تأکید می‌کنند، اگر همه واقعیت را در بر نداشته باشند، بخش اعظمی از آن را تشکیل می‌دهند. نحوه زیست کودک در سال‌های نخست کودکی‌اش در شکل‌گیری روند آتی زندگی‌اش تأثیر فراوانی خواهد داشت. حقیقت تلخی که من این روزها با آن مواجهم این است که کودک من در تمام شئونش باید در یک فضای غربی و وارداتی زندگی خود را آغاز کند.

کودک من باید پتویی را به روی خود بکشد که پر است از نوشته‌ها و نمادهای فرهنگ بیگانه. باید از شیشه شیری شیر و آب بنوشد که پر است از سمبل‌های غربی. باید پستانکی را به دهان بگذارد که عروسکی متعلق به فرهنگ غرب را به خود او بران کرده است. باید خود را با اسباب بازی‌هایی سرگرم کند که از دنیایی دیگر به دنیای ما تحمیل شده‌اند. حتی بسته‌بندی پوشک‌های تولید داخل نوزادی نیز مطابق با الگوهای غربی شکل گرفته‌اند. ماجرا به همین جا تمام نمی‌شود. این کودک هر قدر که قد بکشد، هر چه نیازهای تازه‌تری پیدا کند، پاسخ‌های کمتری از فرهنگ خودی برای تأمین نیازهایش پیدا می‌کند. برجسته کردن مفهوم سبک زندگی از جانب رهبری معظم انقلاب در دوران کنونی اشاره به همین مسئله مهم دارد. سبک زندگی را بحث‌های نظری، انتزاعی، فلسفی و مبنایی تشکیل نمی‌دهد. سبک زندگی را همه آنچه یک انسان در طول زندگی خود با آن زیست می‌کند، تشکیل خواهد داد. انتظار بیهوده‌ای است که انتظار داشته باشیم یک نفر در طول زندگی خودش با محصولاتی دست و پنجه نرم کند که متعلق به دنیا و فرهنگ بیگانه است؛ اما خودش زیست - جهانی متعلق به فرهنگ اسلامی ایرانی داشته باشد. فرهنگ اسلامی ایرانی باید محتوای عینی خودش را داشته باشد که متأسفانه ندارد. حقیقت آن است که ما هر چقدر در عرصه مباحث نظری از غنای فکری و

سالمی در سفره نباشد، گرسنگان و تشنگان همان آب‌ها و نان‌های ناسالم را به نیش و نوش می‌کشند. فرهنگ هم مانند آب، مانند نان است. در سال‌های اخیر ما درباره فرهنگ زیاد حرف زده‌ایم. حقیقت آن است که دست کم برای بسیاری از ما امر فرهنگی دغدغه اول و آخر بوده است. ما این حقیقت را درست فهمیده‌ایم که فرهنگ ریشه است و دیگر ساحت‌های جامعه ساقه؛ فرهنگ زیر بناست و شاخه‌های دیگر رو بنا. ما درست فهمیده‌ایم که تا فرهنگ اصلاح نشود، اقتصاد و علم و صنعت و سیاست راه به جایی نخواهند برد. در مقابل این نکته مثبت و این فهم صحیح حقیقت دیگری نیز هست - کمی تلخ - که ما در طول این سال‌ها بیشتر از آنکه در عرصه‌های عینی و عملی فرهنگ را مورد توجه قرار داده باشیم، در عرصه‌های نظری و انتزاعی به آن پرداخته‌ایم.

در سال‌های اخیر همچنین ما به نقد فرهنگ‌های آسیب‌زده و آسیب‌زا توجه ویژه‌ای داشته‌ایم. نقد فرهنگ غرب برای ما از آن رو اهمیت داشته است که جامعه را از خطرات، افت‌ها و آسیب‌هایی که این فرهنگ آلوده آسیب‌زا به همراه خواهد داشت آگاه سازیم. بحث از تهاجم فرهنگی در طول همه این سال‌ها ناظر به همین واقعیت بوده و هست.

با همه این اوصاف، ما - فعالان فرهنگی - در طول همه این سال‌ها از حقیقت امر فرهنگی غافل بوده‌ایم. فرهنگ روحی است که در کالبد تمام زندگی جاری است. هوایی که آدم‌ها استشمام می‌کنند، خیابانی که در آن قدم می‌زنند، غذایی که میل می‌کنند، صداهایی که می‌شنوند، تصویری که می‌بینند و در یک کلام همه آنچه آدم‌ها در طول زندگی خود با آن زیست می‌کنند، حقیقت امر فرهنگی را شکل می‌دهند.

این روزها با تجربه ای تلخ و البته تأمل برانگیز دست و پنجه نرم می‌کنم. حقیقت آن است که نویسنده این متن چند صباحی دیگر به یاری خدا صاحب فرزند خواهد شد. به اقتضای این موقعیت باید وسایلی را برای این طفل آماده کرد. خانواده ما این روزها

فرهنگ را می‌توان به نان تشبیه کرد؛ به آب. این تشبیه می‌تواند از حیث ضرورت وجود فرهنگ باشد. زندگی بی‌توجه به مقوله فرهنگ به زندگی بی‌توجه به آب، بی‌توجه به نان می‌ماند؛ مرگ، اضمحلال و نیستی. همان قدر که آب و نان حیات جسم را تأمین می‌کنند، فعالیت‌های فرهنگی - به معنای عام کلمه - هم حیات روح جامعه انسانی را تأمین می‌کند.

این تشبیه می‌تواند به ضرورت سلامت فرهنگی که در جامعه تحقق می‌یابد نیز توجه داشته باشد. اگر چه آب گوارا و سالم، عطش را فرو می‌نشاند و با خنکای خود وجود نوشاننده را آرام می‌بخشد و اگر چه نان سالم دل‌های گرسنه را سیر می‌کند و رمق‌های از دست رفته را به تن بر می‌گرداند، اما آب آلوده و نان فاسد زودتر پیغام آور مرگ و بیماری و نابودی‌اند تا بی‌آبی و بی‌نایی. فرهنگ هم مانند آب، مانند نان، باید سلامت داشته باشد تا جامعه حیاتی پویا و با طراوت داشته باشد.

با این حال غرض من در این نوشته از تشبیه فرهنگ به آب، به نان، هیچ یک از آنچه گذشت نیست؛ حرف دیگری هست. فرهنگ به آب، به نان می‌ماند و حرف زدن از آب هیچ تشنه‌ای را سیراب نمی‌کند و حرف زدن از نان گرسنه‌ای را سیر. می‌خواهم بگویم حرف زدن از فرهنگ با تحقق امر فرهنگی متفاوت است. آنچه جامعه نیاز دارد تحقق امر فرهنگی اصیل است؛ نه صحبت درباره امور فرهنگی.

البته که باید درباره آب صحبت کرد؛ بی صحبت درباره آب، آب سالمی در اختیار هیچ کس قرار نخواهد گرفت و البته که باید از نان صحبت کرد؛ بی صحبت از نان، نانی از تنور در نخواهد آمد؛ اما صحبت کردن و اندیشیدن و فکر کردن آنگاه ارزش خواهد داشت که پیش‌آهنگ عمل در عرصه عینی باشد؛ نه بهانه برای پر کردن ذهن‌ها و صفحه‌ها.

و البته که باید آب‌های آلوده و نان‌های فاسد را نقد کرد و باز شناساند و رسوا کرد و از عواقب و نتایجش برای مردم گفت؛ اما اگر آب سالمی در کار نباشد و اگر نان

انقلاب اسلامی

اصطلاح شناسی

«امپریالیسم»



کلمه امپریالیسم برای نخستین بار در انگلستان در سال ۱۸۹۰ رواج یافت. بعدها در فرهنگ سیاسی و زبان‌های دیگر برای تمرین رقابت و کشمکش میان کشورها و قدرت‌های بزرگ برای گسترش حوزه نفوذ و مستعمرات به کار گرفته شده است.

این کلمه (امپریالیسم) لغتی فرانسوی (imperialism) است که خود ریشه در لغت قدیمی empire یا امپراطوری دارد. این کلمه در حقیقت به نظامی گفته می‌شود که سعی در کنترل نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دیگر نظام‌ها برای نیل به اهداف خود را دارد. برای امپریالیسم می‌توان چند تعریف کلی بیان داشت:

- نظامی که برای مقاصد سیاسی و اقتصادی از حوزه خود خارج شده و کشورهای دیگر را زیر سلطه خود در می‌آورد.

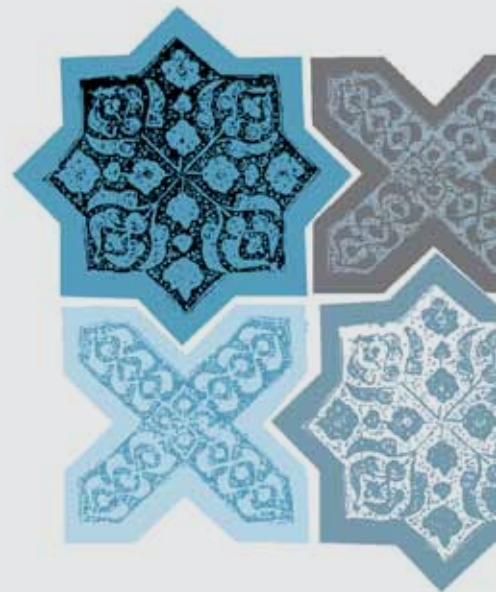
- نظامی که سعی در افزایش حوزه قدرت و نفوذ خود در کشورهای دیگر است.

- رژیمی که به دلیل افزایش توان تولید با کمبود مواد خام و اولیه و همچنین بازار فروش روبه‌رو شده است و برای تأمین این نیاز به سایر سرزمین‌ها، ملت‌ها و اقوام تجاوز کرده است، سعی در به دست آوردن مستعمره در سایر قاره‌ها و استفاده از منابع مادی و انسان آنها دارد.

- کنترل یک کشور و نظام از سوی کشوری دیگر و تحمیل اراده و نظارت خود بر آن کشور (امپریالیسم سیاسی).

در سیاست امپریالیسی چند مطلب نقش اساسی ایفا می‌کند:

۱. ایجاد مرکز و تراکم و ایجاد اتحادیه‌ها و کارتل‌های اقتصادی؛
 ۲. وابستگی کشور میزبان به کشور متجاوز؛
 ۳. جذب سرمایه به کشور و صدور کالا به جای سرمایه؛
 ۴. از بین بردن مرزهای جغرافیای قومی و کشوری و ایجاد مرزهای سیاسی جدید بر اساس منافع خویش.
- آنچه در مبحث امپریالیسم حائز اهمیت است، این است که امپریالیسم تنها به معنای تصاحب ارضی کشورها نیست؛ بلکه به شیوه‌ای از سیاست و اقتصاد هم گفته می‌شود که از طریق روش‌هایی غیر از اشغال ارضی مانند تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی سعی در کنترل کشورها و افزایش قدرت و حوزه نفوذ خود دارد. ♦



سنت ارزشمند دینی و معارف حکمی برخورداریم، به همان اندازه در انتقال این مباحث از عرصه اندیشه به عرصه عینیت فقیریم و ضعیف عمل کرده‌ایم.

بر این باورم که آنچه رهبری معظم انقلاب در این روزها بر آن تأکید کرده‌اند، دو روی یک سکه است؛ حمایت از تولید ملی و سبک زندگی اسلامی ایرانی. آنچه در بخش اول، یعنی حمایت از تولید ملی، مغفول همگان واقع شده است ماهیت تولید ملی است. تولیدی ملی و بومی خواهد بود که الگوی تولید خود را از فرهنگ داخلی تهیه کرده باشد؛ نه اینکه تنها کپی‌برداری یا مونتاژی از تولیدات خارجی باشد. اگر در پی تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی در جامعه هستیم باید فضای عینی متناسب با آن را فراهم کنیم. این امر نیازمند تولید کالاهایی است که انسان‌ها در طول زندگی خود با آن سر و کار دارند.

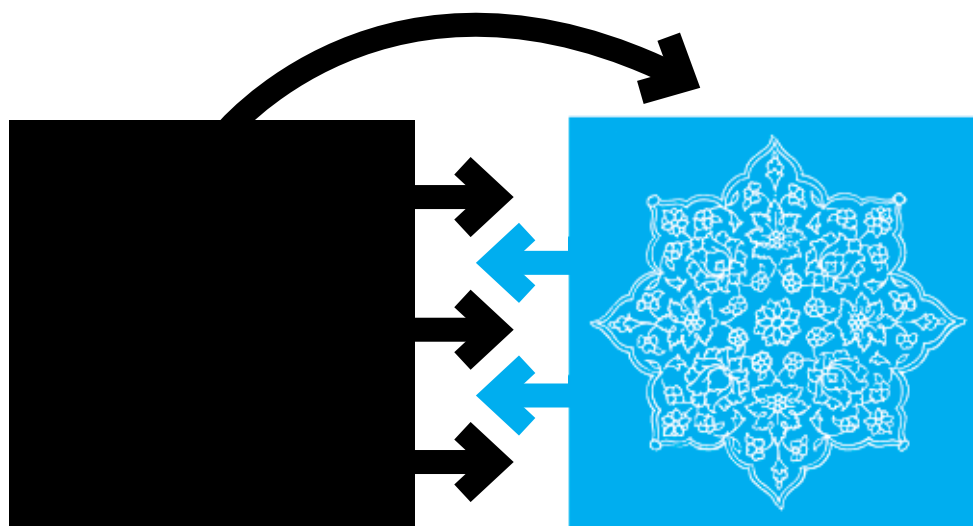
جامعه همان‌طور که به آب، همان‌طور که به نان، همان‌طور که به هوا نیاز دارد، به انواع و اقسام محصولات و کالاهای نیازمند است. این محصولات و کالاهای به‌طور نامحسوس و غیر ملموس سبک زندگی آدم‌ها را تعیین می‌کنند. مادامی که بحث‌های نظری ما درباره فرهنگ به عینیت نرسند و مادامی که محصولات و تولیدات مصرفی جامعه ما با الگوی فرهنگی - دینی خود ما مطابقت پیدا نکنند، همه فعالیت‌های فرهنگی دینی بوچ خواهند بود و همان نتیجه‌ای را به دنبال خواهند داشت که آب در هاون کوبیدن.

حقیقت تلخ و ماجرای تأمل برانگیز این است: جامعه‌ای که همه چیزش - یا در اصل کالا و یا در الگوی تولید آن - وارداتی است، لاجرم فرهنگ و سبک زندگی‌اش نیز وارداتی خواهد بود. اگر هنوز هم دغدغه‌ای برای مان باقی مانده است بیابید برای این قصه فکری کنیم؛ همین. ♦

تبادل یا تهاجم فرهنگ

نگاهی کوتاه به مفهوم تهاجم فرهنگی و راه مقابله با آن

کاوه خدیوی



پس از اعزام اولین گروه از دانشجویان ایرانی به خارج از کشور در زمان قاجار و گسترش روابط بین ایران و غرب صحبت از تهاجم فرهنگی مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان قرار گرفته است؛ به صورتی که امروزه یکی از دغدغه‌های اساسی در دولت‌مردان، مبارزه و جلوگیری از تهاجم فرهنگی است.

تهاجم فرهنگی به نقل از دانشنامه‌های سیاسی به معنی انتقال معانی میان نظام‌های فرهنگی بدون رضایت دوطرفه است. به عبارت دیگر اگر یک نظام فرهنگی ارزش‌های خود را با استفاده از قدرت بر نظام دیگری تحمیل کند، تهاجم فرهنگی صورت می‌گیرد.

مطلب مهمی که در ابتدای این مطلب باید به آن اشاره کرد این است که باید میان تهاجم فرهنگی و مبادله فرهنگی تمایز قائل شد. بر خلاف تهاجم فرهنگی، مبادله فرهنگی به صورت کامل‌الارادی و با برنامه‌ریزی فرهنگی است. در مبادله فرهنگی هر نظام فرهنگی عناصری از فرهنگ دیگر را می‌پذیرد و در مقابل عناصری از فرهنگ خود را به آن می‌دهد. در مبادله فرهنگی ارزش‌ها و هنجارها رد و بدل می‌شود. این در حالی است که در تهاجم فرهنگی ارزش‌های اصلی هر نظام مورد تردید قرار می‌گیرد و به مرور زمان نظام‌های ارزشی و فرهنگی از بین می‌رود و نظام ارزشی مهاجم جایگزین آن می‌شود.

در گذشته تهاجم فرهنگی توسط ابزارهای نظامی و

قدرت فیزیکی و توسط لشکرکشی و جنگ صورت می‌گرفت؛ به این صورت که کشور و یا ملتی با تصرف یک کشور سعی در رواج فرهنگ خود می‌کردند با گذشت زمان، پیشرفت تکنولوژی و گسترش ابزارهای رسانه‌ای تهاجم فرهنگی تغییرات عمده‌ای کرده است. تهاجم فرهنگی معمولاً نامرئی و نامحسوس، دراز مدت و دیرپاست و دارای ریشه‌های عمیق و همه جانبه است که معمولاً بیشترین متوجه قشر جوان یک جامعه است. این تهاجم در بخش‌های مختلف زندگی به کار گرفته می‌شود و از این شیوه در ناپودی فرهنگ به صورت‌های زیر استفاده می‌شود:

تحریف تاریخ یک کشور؛

تغییر در رسم الخط و زبان یا رواج دادن و ساختن کلمات و اصطلاحات؛

ترویج مذهب یا دین جدید به جای دین اصلی آن ملت؛

فرقه‌گرایی؛

ترویج فساد و... در میان یک ملت.

فرهنگ دو قسم است؛ فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی. فرهنگ معنوی عبارت است از تمامی آنچه که عینی و ملموس است؛ مانند آثار هنری و باستانی، دستاوردهای صنعتی، بناهای تاریخی، رسم الخط، موسیقی و... فرهنگ معنوی عبارت است از دین، عقاید و رسوم، معارف، هنجارها، اخلاقیات و... فرهنگ متهاجم در هر دو بخش سعی در تغییر و

تحریف و جایگزینی ارزش‌های خود را دارد. این کار از طریق تحقیر آثار و مفاهیم دینی-ملی و همچنین کم ارزش کردن دستاوردهای فرهنگی یک کشور صورت می‌گیرد. کشور مهاجم با الگو نشان دادن و ارزشمند خواندن عناصر فرهنگی خود سعی در جذب فرهنگی کشور و ملت دیگر دارد.

تهاجم فرهنگی صرفاً از طرف فرهنگ مقابل صورت نمی‌گیرد؛ بلکه ممکن است ملت یا کشوری به دلیل عدم توجه به بخش‌های فرهنگی خود باعث تضعیف آن شده باشند. و زمینه را برای ترویج فرهنگی دیگر فراهم کرده باشند. ممکن است کشوری به دلیل نداشتن رسانه‌های فرهنگی و توان تکنولوژی و یا حتی عدم توانایی معرفی صحیح فرهنگ خود توانایی جذب نظر مردم خود را از دست بدهد. بنابراین برای جلوگیری از تهاجم فرهنگ باید:

مفاهیم دستاوردهای فرهنگی خود را شناخته، بدان‌ها ارج بنهیم و با معرفی و شناساندن آنها مخصوصاً به نسل و قشر جوان سعی در زنده‌نگه داشتن هویت ملی و دینی داشته باشیم.

از آنجا که اکثر مخاطبان در مقوله فرهنگی قشر جوان یک کشور هستند، بر علما و صاحب‌نظران واجب است که در شناختن نیاز و خواسته‌های جوانان بکوشند و از تحجر بپرهیزند.

گسترش ابزارهای رسانه‌ای و همچنین شرکت در شبکه‌های اجتماعی. ♦

رَحْم را دریابید!

صله رَحْم بایدها و نبایدها

علی صادقی سرشت

یکی از مطالب مهمی که بین خانواده‌ها مطرح می‌شود مسئله ارتباط با بستگان یکدیگر است؛ در این نوشتار به چهار سؤال مهم در رابطه با این موضوع پاسخ می‌دهیم:

آیا اصل ارتباط با بستگان همسر ضرورت دارد؟

فایده این ارتباط چیست؟

با بستگان همسر چگونه باید برخورد نماییم؟ در صورت داشتن گله از آنها از چه راهکارهایی برای بیان انتقادات خود استفاده کنیم؟

روشن است که سؤالات مطرح در این حوزه، بسیار بیشتر از این موارد اندک است؛ اما به تناسب اختصار این نوشتار به بیان پاسخ‌های کوتاه و مفید در باب همین سؤالات بسنده می‌کنیم.

▲ آیا ارتباط با بستگان همسر ضرورت دارد؟ در معارف دینی، ارتباط با بستگان یکدیگر، ذیل واژه‌ای با عنوان «رَحْم» قرار می‌گیرد. برای پاسخ به این سؤال کافی است که به بیان چند روایت و نکته در این باره اشاره کنیم:

از رسول خدا ﷺ سؤال شد: هدف از رسالت شما چیست؟ حضرت فرمودند: «هدف از رسالت من بندگی خدای یکتا، شکستن بت‌ها و پیوند میان ارحام است»^۱.

رسول خدا ﷺ در بیانی دیگر می‌فرماید: «به حاضر و غایب اتمم و آسانی که از اصحاب مردان و ارحام زنان تا روز قیامت به دنیا می‌آیند، سفارش می‌کنم صله رَحْم کنند، اگر چه به فاصله یک سال راه باشد؛ زیرا صله رَحْم جزو دین است»^۲.

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «رَحْم عبارت از آن جهت وحدتی است که به سبب تولد از یک پدر و مادر و یا یکی از آن دو در بین اشخاص برقرار می‌شود و در حقیقت باعث اتصال و وحدتی است که در ماده و وجودشان نهفته است»^۳.

مرحوم نراقی می‌فرماید: «صله رَحْم عبارت است از شریک ساختن رَحْم و خویشاوندان در مال و مقام و دیگر خیرات دنیا که آدمی به آنها دست می‌یابد»^۴.

صله رَحْم می‌تواند در قالب شکل‌های گوناگون نمود خارجی پیدا کند. گاهی اوقات در حد یک سلام کردن و احوال‌پرسی است؛ چنان‌که امام سجاد ﷺ می‌فرماید: «صله ارحام کنید هر چند با سلام دادن»^۵ و گاهی به صورت دیدارهای حضوری، کمک مادی و معنوی در موقعیت‌های لازم به گونه‌ای که احساس شود پیوند خویشاوندی همواره بین آنها برقرار است.

جسمی و روانی به فرد آسیب وارد می‌آورد. دو نیاز روانی مهمی که صله رَحْم می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در تأمین و ارضای آنها ایفا کند عبارت‌اند از: ۱. نیاز به دوست داشته شدن ۲. نیاز به تعلق و وابستگی.

نیاز به دوست داشته شدن

بر اساس تحقیقات روان‌شناختی‌ای که آبراهم مزلو انجام داده است، نیاز به دوست داشته شدن و محبت دیدن از طرف دیگران یکی از نیازهای روانی است که انسان در هر دوره از زندگی و تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از آغازین لحظات ورود به این جهان تا آخرین زمان وداع از این دنیا، متناسب با دوره رشد وی، این نیاز عالی و اساسی تأمین و ارضا شود.

خداوند حکیم، درباره رمز و راز صله رَحْم در ایجاد تعاطف و مهر ورزیدن خویشان به همدیگر، می‌فرماید: «من خدای بخشنده و مهربانم و رَحْم را، که یک فضل و فضیلتی است، من خودم به اقتضای رَحْمت خویش آفریدم تا انسان‌ها بدین وسیله به یکدیگر مهر و عطوفت ورزند و در قیامت نیز در نزد من حجت قاطعی داشته باشند»^۶.

بنابراین با صله رَحْم، هم نیاز به محبت دیگری را ارضای کرده‌ایم و هم با عکس‌العمل طرف مقابل، زمینه تأمین و ارضای نیاز به محبت خود را فراهم نموده‌ایم؛ چه بسا بر همین اساس است که از امام صادق ﷺ نقل شده است که هرگاه کسی را دوست داشتی او را به آن آگاه ساز؛ زیرا که دوستی میان شما را پابرجا تر می‌کند.^۷

نیاز به تعلق و وابستگی

این نیاز نیز از جمله نیازهایی است که در هر مرحله از رشد در انسان وجود دارد و به گونه‌ای در پی تأمین آن است. رَحْم، اقوام و خویشاوندان یک فرد می‌تواند در حکم یک گروه منسجم اجتماعی باشد که هر فردی در سایه متعلق دانستن خویش به آن، به تأمین این نیاز روانی بپردازد. حفظ پیوندهای خانوادگی و فامیلی و معاشرت با آنها می‌تواند جلوی احساس طردشدن و عدم تعلق به گروه خاصی را بگیرد. آبراهام مزلو یکی از نشانه‌های اصلی افراد نایمین را احساس تنهایی معرفی کرده است. بر طبق آموزه‌های دینی می‌توان گفت صله رَحْم نقش مهمی در از بین بردن چنین احساسی ایفا می‌کند.

با بستگان همسر چگونه رفتار کنیم؟

در پاسخ به این سؤال، با توجه به رویکرد کاربردی بودن این نوشتار، نیاز است نکاتی کوتاه و کاربردی از نگاه روان‌شناسی و دین ارائه گردد. لازم است هر کدام از زوجین در مقابل بستگان یکدیگر به موارد

صله رَحْم می‌تواند در قالب شکل‌های

گوناگون نمود خارجی پیدا کند. گاهی

اوقات در حد یک سلام کردن و احوال‌پرسی

است؛ چنان‌که امام سجاد ﷺ می‌فرماید:

«صله ارحام کنید هر چند با سلام دادن»^۵

و گاهی به صورت دیدارهای حضوری،

کمک مادی و معنوی در موقعیت‌های

لازم به گونه‌ای که احساس شود پیوند

خویشاوندی همواره بین آنها برقرار است.



زیر توجه داشته باشند:

به هیچ وجه به خانواده همسر تان پز ندهید؛ نه با سواد، نه با لباس، نه با طلا. این قبیل کارها به صورت غیرمستقیم شریک زندگی را تحقیر می‌کند.

از دست‌آورد های خانواده همسر با افتخار و تحسین یاد کنید. افراد معمولاً کسی را می‌بینند و به او دل می‌دهند که چشم دیدن آنها را داشته باشد.

محبت‌ها و خدمات‌های کوچکی را که خانواده همسر درباره شما انجام می‌دهند ببینید و با لحنی محبت‌آمیز تشکر کنید.

در اختلاف‌ها و دعواها تحت هیچ شرایطی پای خانواده همسر را وسط نکشید. نگویید «مادرت تو را بد بار آورده!» «به خواهر هایت رفته‌ای!».

چند ساعت بعد از بازگشت از مهمانی بستگان همسر به آنها زنگ بزنید و از زحماتشان تشکر کنید.

پشت سر خانواده همسر تان، چه در حضور و چه در غیاب او، بدگویی نکنید.

همسر تان را در خدمت به خانواده‌اش یاری کنید. جلوی فرزندان خود از خانواده همسر شکایت نکنید؛ ممکن است باد حرف‌ها را به گوش آنها برساند.

در هنگام ناراحتی از خانواده همسر از کلمه‌ها و واژه‌های نامناسب در بیان احساسات استفاده نکنید و محترمانه سکوت کنید. گاهی سکوت محترمانه خود بهترین پاسخ به آنهاست.

چگونه گله‌گذاری کنیم؟

روشن است که رابطه با بستگان همیشه گلستان نیست؛ گاه ممکن است در این رابطه به خار شکایت و گله تن آزرده شوید؛ اما چگونه می‌توان گله‌گذاری کرد؟ قبل از بیان نکات زیر، به مهم‌ترین دستور دینی در این باره توجه می‌دهیم و آن گذشت است، گذشت. در دین ما به این نکته بسیار توجه داده شده است که جای بیانش در این مختصر نیست؛ اما اگر به هر دلیلی مجبور به گله‌گذاری شدید؛ گلا به خود را محترمانه و با تمجید از بستگان همسر تان شروع و تمام کنید تا آنها در باره رفتار خود به فکر بیفتند؛ نه آنکه با بیانی تند نقد کنید تا سبب شود آنها برای دفاع از خود هم که شده است، سخن شما را نپذیرند.

قبل از گله‌گذاری، مشکل را از زاویه دید بستگان همدیگر نیز بررسی کنید تا بتوانید منصفانه‌تر گلا بکنید. در طول گفت‌وگو درباره‌ی مطلب خود، مدام در ذهن یادآوری کنید که قصد شما رفع مشکل است، نه غلبه بر آنها و به کرسی نشاندن حرف خود.

به جای الفاظی که بار منفی دارند از کلمه‌هایی استفاده کنید که خیلی محترمانه می‌توانند مشکل را بیان کند. نگویید «شما باید» بگویید «به نظر نمی‌رسد اگر... بهتر باشد».

رفتار نادرست آنها را نقد کنید، نه شخصیت آنها را؛ بگویید «این کار شما نامناسب است» نگویید «شما بی‌ملاحظه هستید».

به آنها فرصت دفاع از خود را بدهید و درباره‌ی دفاع‌های آنها از خود، منصف باشید.

اگر حق با آنها بود، بپذیرید و معذرت‌خواهی کنید. ♦

پی‌نوشت:

۱. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۳۸، باب ۶۵، حدیث ۴۹.

۲. همان؛ ج ۷۲؛ باب ۳، روایت ۷۳.

۳. علامه طباطبائی؛ تفسیر المیزان؛ ج ۲، ذیل آیه یک سوره نساء.

۴. نراقی؛ جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۲۵۶.

۵. کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۵۸.

۶. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۷، باب ۲، حدیث ۷.

۷. کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۴، ص ۴۵۹.

کتابخانه

دو نقش در يك بوم

معرفی کتاب «این نقش‌ها واقعی است»

به کوشش علی صادقی سرشت



اگر دو نفر بخواهند در يك بوم نقش بزنند، کافی است کمی ناهماهنگ باشند تا آشی در بومشان پخته شود که یا شور است و یا بی نمک.

نظریه نقش‌ها معمولاً با سخن مشهور شکسپیر معرفی می‌شود: «تمامی جهان یک صحنه نمایش است و زنان و مردان بازیگران این صحنه». در نمایش، کارگردان نقش‌های نمایشنامه را بین افراد گروه تقسیم می‌کند و از لحظه‌ای که بازیگران وارد صحنه می‌شوند، نقشی را ایفا می‌کنند که همه اجزای آن از قبل پیش‌بینی شده است. با ایفای ناهماهنگ نقش‌ها، انتظار نمایشی عالی، بیهوده و بی‌جا خواهد بود.

حدود ۱۵۰ سال است که از تولد روان‌شناسی می‌گذرد؛ این رشته خواسته تا دو نقاش زندگی را برای کشیدن یک نقش هماهنگ بر بوم زندگی، آموزش دهد. خواسته تا بازی این دو بازیگر را در صحنه نمایش زندگی کارگردانی کند؛ این در حالی است که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل، به این مسئله مهم توجه نموده است و راهکارهایی را برای نقش‌آفرینی بهتر زوجین به آنان تعلیم داده است.

در حیطه نقش‌هایی که در زندگی توسط مرد و زن باید ارائه شود، استاد سید مهدی خطیب در کتاب «این نقش‌ها واقعی است»، مطالبی را به رشته تحریر در آورده است. این اثر ارزشمند و کوتاه در ۶۴ صفحه، مطالبی شیرین و کاربردی در این زمینه بیان کرده است که انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۹ آن را به زور چاپ آراسته است. این کتاب مطالب خود را در دو فصل ارائه کرده است:

فصل اول کتاب به کلیات این بحث پرداخته است؛ به مواردی همچون: نقش‌ها چیستند؟ کارکردهای ویژه زنان؛ مراقبت‌کنندگی، عشق‌ورزی، ارتباط‌مداری، پرورش‌دهندگی؛ کارکردهای ویژه مردان؛ اقتدارطلبی، مهیاکنندگی، حمایتگری، هدف‌مداری، کارکردها و نقش‌ها.

فصل دوم کتاب نیز به مباحثی درباره نقش‌های زناشویی، پرداخته است. حمایت عاطفی، مدیریت خانواده، مدیریت خانه، کار و اشتغال، مدیریت مالی، پرورش مذهبی، رابطه جنسی، و نقش‌های تسهیل‌گر از جمله مباحث مطرح شده در این بخش هستند.

پاسخ این سؤال‌ها را در این کتاب جست‌وجو کنید:

بر چه اساسی نقش‌ها میان زوجین تقسیم می‌شود؟

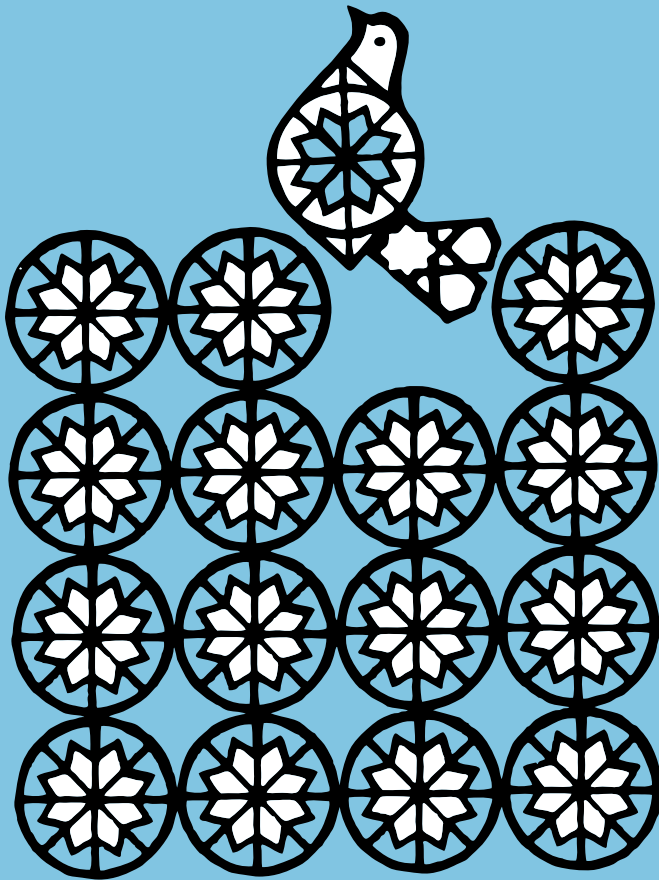
تفاوت‌ها چه تأثیری بر سهم‌بندی نقش‌ها دارند؟ شباهت‌ها چطور؟

حمایت عاطفی بر عهده کیست؟ مهم‌ترین نکته‌ها در حمایت عاطفی کدام است؟

مدیریت خانه چیست؟ مدیریت خانواده چیست؟ نسبت آن دو با هم چیست؟

از نظر اسلام، کار، درآمدزایی، و تأمین مخارج، بر عهده مرد است یا زن؟

تعیین نقش‌ها يك سخن است و اجرای نقش‌ها سخن دیگر؛ صد البته نباید غافل شد که زندگی را باید با اخلاق اداره کرد؛ نه با قانون. قانون تیز است و برنده، اخلاق ملایم است و مهرور. آشنایی با نقش‌ها برای آن است که حقی را که برگردن شریک زندگی مان نیست بر گردن او نگذاریم؛ اما اخلاق برای آن است که در حد امکان باری را از روی دوش او برداریم. این نوع نگاه به قانون و اخلاق در زندگی، سبب می‌شود تا زندگی زنده‌کننده ما را به عشق با هم زیستن. ♦



ادب و هنر

درآمدی بر چرایی و چیستی شعر آیینی

جواد زمانی

پیروان صادق طریقت و شریعت نبوی اند و با اقتدا بر حضرت رسول اکرم ﷺ در مسیر تبلیغ و ترویج ارزش‌هایی چون: صلح، آزادی، عدالت، تکریم کرامت‌های انسانی، احیای مکارم اخلاقی، بیدارگری و رستگاری انسان و جهان گام برمی‌دارند.

شعر آیینی دوره‌های مختلفی به خود دیده است: دروان صدر اسلام، دوران پس از عاشورا، دوران پس از غیبیت و قرون متأخر. یکی از برجسته‌ترین دوره‌های این شعر، قرن اخیر است که شاهد توجه ویژه شاعران به این جریان شعری است. از زمان سرایش ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی با مطلع «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» تاکنون آثار ویژه و برجسته‌ای تولید و مورد استفاده عاشقان اهل بیت قرار گرفته است. پس از پیرزوی انقلاب اسلامی این جریان شعری رشد قابل توجهی به خود دید که در آینده نزدیک می‌توان گزارش روشن‌تری از آن ارائه داد.

آنچه در اینجا قابل تذکر و توجه ویژه است، قوت فرمی و غنای محتوایی اشعار آیینی است. با توجه به اینکه بیشترین کاربرد اشعار آیینی در هیئت و مراسم مذهبی است و مداحان محترم با صوت دلنشین، آن اشعار را برای مردم می‌خوانند شایسته است توجه ویژه‌ای به محتوای اشعار شود. برای مثال اگر گفت‌وگویی بین دو شخصیت از شهدای کربلا نقل می‌شود دست کم نزدیک یا ناظر به اتفاقی واقعی باشد نه صرفاً تخیل و بازآفرینی. این مسئله در اموری که به معصومین ﷺ منتسب می‌شود بسیار حساس‌تر است. آنچه به صورت غزل یا قصیده و مثنوی تولید می‌شود و به صورت نوحه برای سینه‌زنی و زنجیرزنی در اختیار مداحان قرار می‌گیرد، باید در آن حتماً سؤال و مقامات ائمه در نظر گرفته شده باشد و تنگی قافیه موجب بیان مطالب خلاف واقع نگردد. ♦

کرده، با تقویت اعتماد به نفس در جبهه حق، مقدمات شکست دشمن و پیروزی حق را فراهم می‌کردند. بعد از واقعه عاشورا نیز حضرت زینب جزو اولین مرثیه سرایان عاشورا بوده است. برای نمونه شعری منسوب به امام علی ﷺ را که در آن به پیشگویی واقعه کربلا پرداخته است با هم می‌خوانیم: کانی بنفسی و اعقابها و بالکربلا و محرابها فتحضب منا اللحنی بالدماء خضاب العروس باثوابها اراها و لم یک رای العیان و اوتیت مفتاح ابوابها مصایب تابک من ان ترد فاعدد لها قبل متتابها سقی الله فاقمنا صاحب القیامه والناس فی دابها

شعر مذهبی و عاشورایی که در دوران اخیر به شعر آیینی شهرت یافت را چنین تعریف کرده‌اند: شعر آیینی کلامی است «معنوی»، «مخّیل» و «مخّیل» و غالباً «آهنگین» که دارای قلمرو موضوعی بسیار گسترده‌ای است و هر مقوله‌ای که صیغه دینی داشته و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد، در این قلمرو موضوعی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هر شعری که دارای آموزه‌های مذهبی باشد، شعر آیینی گفته می‌شود؛ مانند شعر نبوی، علوی، فاطمی، عاشورایی، رضوی و مهدوی است.

به گفته استاد محمدعلی مجاهدی: «شعر آیینی به لحاظ ساختار بیرونی، واژه‌آرایی، آرایه‌های لفظی و معنوی، سبک‌های مختلف ادبی و آنچه که مربوط به شاکله لفظی شعر است، هیچ تفاوتی با سایر اقسام شعر ندارد و وجه تمایز آن فقط در موضوعاتی است که به تصویر می‌کشد. به بیانی روشن‌تر، شعر آیینی از جهت معنوی و محتوایی سمت و سوی کاملاً دینی دارد.»

شعر آیینی، شجره طیبه‌ای است که ریشه در حقایق و معارف ناب اسلامی و قرآنی دارد و از چشمه فیاض «غدیر» و «عاشورا» آب می‌خورد. شاعران آیینی نیز

زندگی هر کدام از ما مانند بیشتر مردم جهان از گهواره تا گور آمیخته با شعر است. از لالایی‌های نیمه شب مادران تا ناله‌های مزار بازماندگان. تاریخ مکتوب فارسی‌زبانان هم گواه همین است که اصلی‌ترین آثار باقی مانده از گذشتگان به شعر اختصاص دارد که نشان از علاقه مردمان به شعر و انتقال آن به نسل‌های بعدی است. حتی در حوادث سهمگین فرهنگی که بسیاری از آثار گران‌بهای گذشتگان از بین رفته است، دیوان‌های شاعران باقی مانده‌اند. دلیل دیگر بر این مدعا چهره‌های برجسته ادبی و فرهنگی کشور است که هر کدام از قله‌های معارف بشری به حساب می‌آیند و در تمام مجامع فرهنگی دنیا از آنان به نیکی یاد می‌شود؛ شخصیت‌هایی همچون حافظ، سعدی و مولوی که حکیمانی بوده‌اند که با زبان شعر مردم زمانه خود را خطاب قرار داده‌اند و در روح تاریخ جاودانه شدند.

در فرهنگ اسلامی هم شعر خدمات بسیاری داشته؛ به ویژه در دوران پس از عاشورا. امامان معصوم از شاعرانی که در رثای سید شهیدان شعری می‌سوزند به صورت ویژه تقدیر می‌کردند. دعبل، فرزدق و کمیت نمونه‌هایی از خیل این کاروان هستند که ارج و منزلت ویژه‌ای در زمان امامان معصوم (علیهم السلام) داشتند. شعر به جهت آنکه از زیبایی‌های زبانی بهره‌مند است و چون به شکلی آهنگین و همراه با موسیقی کلامی بیان می‌شود در خاطرها ماندگارتر است. شعر یکی از بهترین امکانات بشری است که در مسیر ترویج و پاسداشت فرهنگ عظیم عاشورا همواره نقش پررنگی داشته است. در بررسی تاریخ پرفراز و نشیب کربلا، این نکته بر ما معلوم می‌گردد که امام حسین ﷺ، اهل بیت و یارانش در زمره اولین شاعران آیینی بوده‌اند که با سر دادن رجزهای حماسی و خواندن اشعار پایداری، روحیه دشمنان را تضعیف

دفتر شعر

از لب قاسمش عسل می ریخت

▲ امام رضا علیه السلام
 نامه ام را می گذارم باز پر دوش نسیم
 راه دشوار است بسم الله الرحمن الرحیم
 ای سکوت بهتر از رسم قشنگ گل ، سلام
 ای سکوت دلگشا ، مثل اذان های سلیم
 حال تو الحمد لله است مانند بهشت
 حال ما - العفو - مثل خار و خس های جحیم
 خانه تو زادگاه ابرهای بی قرار
 خانه تو زادگاه آفتاب است از قدیم
 حرف های ما پر از پروانگی هستند ، باز
 در طواف نور تو پرواز کم می آوریم
 چیست تکلیف کسی که در خودش زندانی است
 او که دور افتاده از فیض صراط المستقیم
 از رمیدن های آهو ترس و تک افتادگی
 بغض هایم را بخوان از چشم های باکریم
 خسته ام ، زن های طالع بین مشهد گفته اند :
 پبله کرده غصه در چشمانم ؛ اما بگذریم
 حال من با فال " انعمت علیهم " می شود
 بهتر از حال کبوترهای در صحنه مقیم
 هر چه می خواهد دل تنگت بگو ، من راضی ام
 در جواب نامه ام باران بیاید یا نسیم
 رقیه ندیری

▲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دو بند از یک ترکیب بند سید محمد جواد شرافت)

ای لهجتهات ز نغمه باران فصیح تر
 لبخندت از تبسم گل ها ملیح تر
 بر موی تو نسیم بهشتی دخیل بست
 یعنی ندیده از خم زلفت ضریح تر
 ای با خدای عرش ز موسی کلیم تر
 با ساکنان فرش ز عیسی مسیح تر
 با دیدن تو عشق نمک گیر شد که دید
 روی تو را ز چهره یوسف ملیح تر
 تو شاه بیت شعر غزل خیز خلقتی
 حسن ختام قصه سبز نبوتی
 در آستان عرش تمام ستاره ها
 بر نور با شکوه تو دارند اشاره ها
 چشم تو آینه است ، نه آینه چشم توست
 باید عوض شود روش استعاره ها
 شصت و سه سال عمر سراسر زلال تو
 داده است ابرو به تمام هزاره ها
 عیسی کشند و غمزده ناقوس ها ولی
 نام تو زنده است بر اوج مناره ها
 گلوآه های برای همیشه است نام تو
 « ثبت است بر جریده عالم دوام تو »

▲ امام حسن مجتبی علیه السلام
 زیر پایش خدا غزل می ریخت
 غزلی را که از ازل می ریخت
 آن امامی که تا سحر امشب
 روی لب های من غزل می ریخت
 شب شعر مرا چه شیرین کرد
 بین هر واژه ای عسل می ریخت
 آن که در جیب کودکان یتیم
 قمر و زهره و زحل می ریخت
 آن کریمی که در پیاله دست
 هر چه می ریخت لم یزل می ریخت
 از هر آن کوچه ای که رد می شد
 حسن یوسف در آن محل می ریخت
 تیغ خشمش ولی به وقت نبرد
 رنگ از چهره اجل می ریخت
 شتر سرخ را به خون غلتاند
 لرزه بر لشکر جمل می ریخت
 آن امامی که روز عاشورا
 از لب قاسمش عسل می ریخت
 حمیدرضا برقی



عمان سامانی و شعر آیینی

نگاهی به کتاب «گنجینه اسرار عمان سامانی»

به کوشش جواد زمانی

بهره‌گیری از شعر برای بیان مناقب و مدایح اهل بیت (ع) همواره در سنت عالمان و محققان شیعه بوده است و شعر آیینی تاریخی به بلندای شکل‌گیری حرکت جهانی اسلام دارد. یکی از کسانی که گامی جاودانه در این مسیر برداشته جناب عمان سامانی است که دیوانی دارد به نام «گنجینه الاسرار». دیوان وی اگرچه کم حجم است و در نسبت با دواوین و منظومه‌های دیگر شاعران پارسی‌گو، کوچک به نظر می‌رسد، اما از حیث تأثیر و رخنه در ذهن و ضمیر و عواطف مخاطبان، یک اثر موفق و مهم است.

سیدمسعود رضوی در «تفسیر واقعه» آورده است این کتاب دست کم از سه جهت دارای اهمیت است: نخست، از حیث جایگاهی که در مرتبه‌سرای پارسی، خاصه تعزیت شاعرانه برای شهیدان کربلا دارد و پس از ترکیب‌بند محتشم کاشانی، از معروف‌ترین و پرخواننده‌ترین آثار در این عرصه است. دوم، از جهت نگاه تأویلی و عرفانی به ساحات معنوی ماجرای هجرت و نبرد و شهادت امام حسین (ع) و یارانش و تشریح آن در یک منظومه عرفانی. سوم، به لحاظ ارزش آن در ادب و عرفان عامه‌پسند. این اثر از حیث اسلوب، شیوه نظم و ترسیم تصاویر و ادغام آنها با معانی عرفانی سهل‌الوصول و قابل فهم برای همگان، اثری ژرف بر خواننده می‌گذارد. همچنین این اثر از تنزل در سستی‌ها و اوهام ادبیات عوام نسبتاً برکنار مانده است که توفیق قابل تحسینی برای یک اثر است.

بی‌گمان گنجینه الاسرار، یکی از منظومه‌های لطیف و زیبایی عرفانی در شرح وقایع عاشورا و بسط دقایق شهادت امام حسین (ع) و یارانش و ذکر اسرار پنهان این ماجراست که بازبانی فصیح و روان سروده شده است. در این منظومه، شاعر برای بیان رموز عرفانی، با تمثیل قرار دادن واقعه کربلا و با طرح برخی از جنبه‌ها و مسائل آن - طبق روایات تاریخی شیعه - مراحل سلوک و ترک تعلقات را تافنای در خدا که همان معشوق و مقصود نهایی است، بیان کرده است. نیز جنبه‌های بدیع و نوآورانه در این منظومه عمدتاً معطوف به همین مسائل است.

این قصیده تاریخ مذهبی و مفاهیم عرفانی که دو

پدیده محبوب نزد شیعیان ایرانی هستند را در هم آمیخته و یکجا عرضه کرده است. شاعر علاوه بر اصطلاحات متعارف عرفانی، به گونه‌ای ظریف و با تسلطی چشمگیر، اصطلاحات عاشقانه ملموس و زمینی شعر فارسی را نیز به سبک نظامی و وحشی بافقی به کار گرفته است تا صحنه‌آرایی کند؛ الحق در این آرایه‌ها توفیق زیادی داشته است.

مرحوم مطهری در «حماسه حسینی» نوشته است: «برداشت عمان سامانی یا صفی‌علیشاه از این نهضت، برداشت‌هایی عرفانی، عشق الهی، محبت الهی و پاکبازی در راه حق است که اساسی‌ترین جنبه قیام حسینی، جنبه پاکبازی در راه حق است». در پایان شرح میدان رفتن سالار شهیدان از سروده‌های این شاعر نامدار را تقدیم می‌کنیم.

دیگرم شوری به آب و گل رسید
گاه میدان‌داری این دل رسید
روی در میدان این دفتر کنم
شرح میدان رفتن شه، سر کنم
چون که خود را بیکه و تنها بدید
خویشتن را دور از آن تن‌ها بدید
قد برای رفتن از جا، راست کرد
هر تدارک خاطرش می‌خواست، کرد
پس به چالاک‌ی به پشت زین نشست
این بگفت و برد سوی تیغ دست
ای مشعشع ذوالفقار دل شکاف
مدتی شد تا که ماندی در غلاف
آن قدر در جای خود کردی درنگ
تا گرفت آینه اسلام زنگ
هان و هان ای جوهر خاکستری
زنگ این آینه می‌باید بری
من کنم زنگ از تو پاک، ای تابناک
کن تو این آینه را از زنگ پاک
من تو را صیقل دهم از آهگی
تا تو آن آینه را صیقل دهی

▶ **عنان‌گیری حضرت زینب (ع)**
خواهرش بر سینه و بر سر زنان
رفت تاگیرد برادر را عنان

سیل اشکش بست بر شه راه را
دود آهش کرد حیران شاه را
در قفای شاه رفتی هر زمان
بانگ مهلا مهلاش بر آسمان
شه سراپاگرم شوق و مست ناز
گوشه چشمی به آن سو کرد باز
دید مشکین مویی از جنس زنان
بر فلک دستی و دستی بر عنان
زن مگو، مردافزین روزگار
زن مگو، بنت‌الجلال، اخت الوقار
زن مگو، خاک درش نقش جبین
زن مگو، دست خدا در آستین
پس ز جان بر خواهر استقبال کرد
تا رخس بوسد، الف را دال کرد
همچو جان خود در آغوشش کشید

این سخن آهسته بر گوشش کشید:
کای عنان‌گیر من آیزینی؟
یا که آه دردمندان در شی؟
پیش پای شوق، زنجیری مکن
راه عشق است این، عنان‌گیری مکن
با تو هستم جان خواهر، همسفر
تو به پا این راه پویی، من به سر
معجز از سر، پرده از رخ و امکان
آفتاب و ماه را رسوا مکن
هر چه باشد، تو علی را دختری
ماده شیرا، کی کم از شیر نری؟
بازبان زینبی شاه آنچه گفت
با حسینی گوش، زینب می‌شفت
قابل اسرار دید آن سینه را
مستعد جلوه آن آینه را
آفتابی کرد در زینب ظهور
ذره‌ای زان آتش وادی طور
دید تابی در خود و بی تاب شد
دیده خورشیدبین پر آب شد

برگرفته از گنجینه الاسرار دیوان عمان سامانی و غزلیات وحدت کاشانی، به اهتمام استاد محمدعلی مجاهدی (پروانه): انتشارات اسوه. ♦

ادب و هنر

شاعری به نام مسکین

نگاهی به اشعار حضرت استاد شیخ حسین انصاریان



استاد انصاریان نیز در مقدمه دیوان شعرش نوشته است: «گرچه از هنر سرودن شعر، چون هنرمندان این فن بی بهره‌ام، ولی با اجازه آن بزرگواران و در عین شرمساری از محضر آنان و با علم به اینکه کارم فنی و تخصصی نیست به سرودن غزلیات و مثنویات و مدایحی [پرداخته‌ام].»

با این همه، شیخ حسین انصاریان که تخلص «مسکین» را برای خود برگزیده است، در بسیاری از قالب‌ها، به ویژه غزل و رباعی، آثار ارزشمندی را از خود به یادگار نهاده است که در مجالس و عطا و مدیحه سرایی می‌تواند بسیار مورد استفاده قرار گیرد. چند نمونه از اشعار مسکین را می‌خوانیم:

نمای نوای

نوای ناله‌ی زد شرر به محفل‌ها
که حل شود به ره عشق جمله مشکل‌ها
هر آنکه با قدم عشق سوی دوست رود
نسیم وار کند طی، مسیر منزل‌ها
چه بیم در ره جانانه از ملامت غیر
که صبر می‌برد از دل غبار حایل‌ها
دلا چو موج روان شو به سوی حضرت دوست
که می‌رسد ز عنایات او به ساحل‌ها
در این فضای دل انگیز عاشقانه چه غم
که برق عشق بسوزد ز ریشه حاصل‌ها
به ساریان غم او ز قول من گویند
رسیده جان به لبم، پس ببند محمل‌ها
اسیر و عاشق و «مسکین» وصل جانانم
سپند وار بسوزم به مجمر دل‌ها

شیخ حسین انصاریان در ۱۸ آبان ۱۳۳۳ در شهر عالمان فرهیخته و فقیهان نامدار، خوانسار متولد شد. او سه سالگی اش را در تهران گذرانده است و تا کنون در آنجا مانده است و لهجه غلیظ تهرانی و طنین صدای پخته و خاطر هانگیز هاش که در بیان معارف ناب قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) سال‌هاست گوش‌ها و جان‌ها را می‌نوازد، شاهد این ادعاست. وی رشد و نمو علمی خود را و امدار محضر بزرگان تهران، همچون مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان، مرحوم آیت الله الهی قمشه‌ای، مرحوم آیت الله شیخ علی فلسفی است. اکنون مردم ما او را به عنوان یک عالم نامور و واعظ شهیر تهرانی می‌شناسند. جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین انصاریان، را بیشتر به منبرهای گرم و گیرای عطا و خطابه، جلسات کم نظیر مناجات کمیل و ابو حمزه و احیاء شب‌های به یاد ماندنی قدر می‌شناسیم. روش و منش او در عطا و خطابه و منبر را می‌توان سبکی نو و جدید در بیان معارف الهی در نیم قرن اخیر دانست؛ سبک و روشی که بیش از هر جا، در جبهه و در بین رزمندگان اسلام مخاطب خود را پیدا کرد. سالیان دفاع مقدس نوای گرم و بیان رسای او همدم مجاهدان راه حق بود.

بیشتر مردم ما، حتی آنان که مخاطبان ثابت سخنرانی‌ها و تألیفات فراوان استاد انصاریان هستند، وی را بیشتر به عنوان چهره‌ای علمی و تبلیغی می‌شناسند؛ در حالی که وی در سرودن اشعار آئینی، اشعار پندآموز و اشعار شورانگیز عرفانی و اخلاقی ید طولایی دارد. دیوان اشعار وی که شامل صدها بیت شعر اخلاقی، عرفانی، مدایح و مصائب اهل بیت (علیهم السلام) است، اشعاری زیبا و روان در قالب غزل، قصیده، قطعه، رباعی، دو بیتی و مثنوی را تقدیم دوستداران ادب آئینی می‌کند. دفتر شعر «مونس دل» ایشان حاوی مناجات‌نامه‌های عرفانی و شورانگیز است که متناسب مجالس انس و محافل اهل دل است.

استاد محمد علی مجاهدی که خود از سرآمدان شعر آئینی این مرز و بوم است در مقدمه دیوان اشعار استاد انصاریان می‌نویسد: «آفریننده این اثر در شمار عالمان ربانی و عارفان صمدانی است که از سر تواضع و خاکساری، خود را شاعر نمی‌داند و فقط به گفتن این مطلب بسنده می‌کند که این سرودها، دل‌شوره‌های یکی از خدمتگزاران اهل بیت عصمت و طهارت است که در خلوت تنهایی خود به درگاه خداوند سبحان و پیشگاه ذوات مقدس معصومین (علیهم السلام) عرضه داشته است.»

حسین ای غمت مایه زندگانی

حسین ای غمت مایه زندگانی
رهت راه عشق و ره جاودانی
حسین ای همه چشمه ی جود و بخشش
به قرآن حق شد جودت معانی
حسین ای امید دل ناامیدان
تو در عرصه لطف و احسان عیانی
حسین ای تو بحر عنایت به عالم
مبادا مرا از در خود برانی
حسین ای که اندر گلستان هستی
چو طوبی و کوثر، چو سرو روانی
حسین ای تو علم و تو معنا و عرفان
نیامد چو تو در جهان دلستانی
حسین ای تو شمع شب تار عاشق
به سر آمدم تاکنم جان فشانی
خدایا بشکن از من دام تن را
فرو ریزان زمن خاک بدن را
اسیر عشق رویت کن دلم را
بگیر از من، بگیر این ما و من را
فدای قند بالای تو گردم
سرایا غرق سودای تو گردم
گریزم من ز "لا" تا در دو عالم
فنا در بزم "الا" می تو گردم
امید آنکه اشعار دل انگیز و ناب این استاد برجسته
وعطا و خطابه و چهره ماندگار تبلیغ دینی بیش از
پیش مورد توجه قرار گیرد. ♦

مفهوم نقد دینی در سینما (۳)

نگاه ریزبینانه به محتوای دینی در فیلم

مهدی بهرامی

شراب‌خواری نمایش داده می‌شود باید دقت شود که این صحنه معنایی خلاف معنایی که دین و به عبارتی اسلام تبیین کرده است، نباشد. مسلم است که اسلام نگاه مثبتی به شراب‌خواری ندارد و آن را مضموم و ناپسند شمرده است. بنابراین در جریان فیلم اگر چنین صحنه‌ای به نمایش گذاشته می‌شود نباید در آن نوعی نگاه مثبت به شراب‌خواری وجود داشته باشد، به طوری که در آن به نوعی تشویق ببیننده برای خوردن شراب وجود داشته باشد. بگذرید از این فراتر برویم و به نمونه‌ای اشاره کنیم که در سکانس و یا قسمتی از فیلم اندیشه‌ای از اسلام به سخره گرفته شده باشد؛ مثلاً مسئله‌ای به عنوان عصمت‌انتمه زیر سؤال برود و محتوا و معنایی خلاف آنچه در اندیشه اسلامی وجود دارد منعکس شود و حتی سؤالی که باعث ایجاد شبهه در مخاطب می‌شود مطرح شود؛ اما هیچ پاسخی در فیلم برای آن سؤال مطرح شده وجود نداشته باشد. متأسفانه بسیاری از فیلم‌هایی که مورد تحلیل دینی قرار می‌گیرند دچار نوعی تعارض مفهومی هستند؛ چراکه اگر چه محتوای کلی فیلم و به عبارتی دیگر موضوع و ایده اصلی فیلم در تبیین اندیشه‌ای از اندیشه‌ها و جهان‌بینی اسلام است، اما در محتواهای جزئی و خرد به واسطه اینکه محتوا و معنایی خلاف اندیشه اسلامی منعکس شده است نوعی تعارض در فیلم وجود دارد که از دید بسیاری از منتقدان مغفول مانده است.

سخن گفتن از مرحله دوم در گرو مرحله سوم است و زمانی قابل پرداختن است که مرحله سوم و تطابق ایده و موضوع اصلی فیلم با اندیشه‌ها اسلامی وجود داشته باشد. به طور خلاصه می‌تواند گفت یکی از شرایط تحلیل و نقد دینی در فیلم این است که محتوا و معنایی خرد در جریان فیلم بر خلاف اندیشه اسلامی نباشد. در بخش بعدی به تحلیل و بررسی مرحله سوم از تحلیل و نقد دینی در فیلم خواهیم پرداخت. ♦

می‌کند و آن را چندین بار نشان می‌دهد، می‌تواند نشان از اهمیت آن تصویر در شکل‌دهی معنای کلی فیلم داشته باشد. برای نمونه کارگردان در فیلم خود اصرار دارد که تصویر خاصی که به دیوار اتاق یکی از شخصیت‌های فیلمش نصب شده را نشان دهد و یا اینکه آن قاب عکس را به نحوی در اتاق شخصیت جاسازی کرده است که هر زمان شخصیت را در اتاقش به تصویر می‌کشد آن تصویر نیز در چارچوب دوربین قرار می‌گیرد، به نحوی که انگار آن تصویر نقش مهمی در شکل‌دهی شخصیت فیلم دارد. اگر چه این تصاویر در کنار یکدیگر و چسبیده به یکدیگر نیستند، اما به سادگی نمی‌توان از کنار این تصاویر گذشت. باید در مورد آن تأمل کرد و به این سؤال پاسخ داد که چرا کارگردان اصرار زیادی از نمایش آن قاب عکس در اتاق شخصیت اصلی فیلم دارد؟ پاسخ آن ممکن است محتوا و معنایی را روشن کند که گاهی در خدمت محتوا و معنای اصلی فیلم است و گاهی نیز در خدمت آن نیست.

بر این اساس، همان‌طور که فیلم از تصاویر جزئی و در هم ترکیب شده و به عبارتی دیگر در هم تنیده تشکیل شده است باید به این مسئله نیز اقرار کرد که هر کدام از این تصاویر و یا دسته و گروهی از تصاویر می‌توانند القاکننده معنا و محتوایی باشند که باید در نگاه نقادانه مورد توجه قرار بگیرند. حال سؤال اینجاست که این معنایی و محتواهای جزئی در فیلم چه نقشی در تحلیل و نقد دینی فیلم خواهند داشت؟ آنچه در روند تحلیل و نقد دینی از فیلم در مورد این معنایی و محتواهای جزئی مهم است این است که آنها نباید در حیطه‌ای قدم بردارند که دین آن را ممنوع کرده است؛ یعنی دین مستقیماً از آن سخن گفته است و آن را به طور کلی ممنوع کرده است و یا اینکه محتوا و معنایی باشد بر خلاف آنچه در جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلام وجود دارد. برای نمونه اگر در فیلم صحنه‌ای از

در جریان تشریح مفهوم دینی در سینما عدم مصداق قرار گرفتن فرم یا همان صورت فیلم با یکی از افعال حرام مخاطب از مراحل اولیه فیلم دینی شمرده شد و بیان شد که تماشا کردن و دیدن یک فیلم توسط مخاطب به عنوان فعلی است که مخاطب انجام می‌دهد و این فعل باید مصداق یکی از احکام پنج‌گانه شریعت باشد. در تبیین مفهوم دینی این مهم است که تماشا کردن و دیدن یک فیلم نباید مصداق فعل حرامی برای تماشاگر و مخاطب فیلم باشد. اگر چنین باشد در فیلم تعارض بزرگی نسبت به دین وجود دارد که تا این تعارض برطرف نشود، حتی اگر محتواهای دینی در آن فیلم وجود داشته باشد، نمی‌توان نسبتی میان آن فیلم و دین برقرار کرد.

اگر فیلم مصداق فعل حرامی برای تماشاگر و ببیننده نبود، دینی بودن فیلم ثابت نشده است؛ بلکه این‌گونه فیلمی قابلیت مطرح شدن در تحلیل دینی بودن یا نبودن را دارد.

همان‌طور که بیان شد در بسیاری از تعاریف ارائه شده از فیلم، ترکیب تصاویر است که فیلم را به ارمغان می‌آورد. نکته‌ای که باید در تحلیل مرحله دوم به آن توجه شود همین نکته است؛ چراکه هر تصویر و به عبارت دیگر هر گروه تصویری که شاید بتوان آن را سکانس نام گذاشت، می‌تواند معنایی خاصی داشته باشد. برای نمونه می‌توان گفت صحنه شراب خوردن شخصیت‌های فیلم که شاید زمان آن به یک دقیقه هم نرسد می‌تواند معنای خاص و منحصری القا کند که حال این معنا یا در خدمت ایده و محتوای کلی فیلم است یا در خدمت آن نیست.

حتی باید از آن فراتر رفت و گاهی به مسائل و تصاویر جزئی‌تری اشاره کرد. در مثالی دیگر به قطعه تصویری می‌توان اشاره کرد که اگر چه در کنار یکدیگر نیستند، اما با یکدیگر می‌توانند مرتبط باشند. زمانی که کارگردان در فیلمی بر تصویری خاص تأکید



رسوایی چهارمین ساخته بلند سینمایی مسعود ده‌نمکی، نویسنده، روزنامه نگار و کارگردان سینمای ایران است. این اثر پس از موفقیت چشمگیر سه‌گانه اخراجی‌ها به روی پرده رفت و موفقیت خوبی در کشاندن مخاطبان عام و خانواده‌ها به سینما داشت. ده‌نمکی در ابتدای دهه هفتاد پیش از اینکه به ساخت آثار تصویری رو بیاورد سردبیر سه نشریه شلمچه، جبهه و صبح دوکوهه بود. ده‌نمکی دو مستند جنجالی با نام‌های فقر و فحشا^۱ و کدام استقلال؟ کدام پرسپولیس^۲ آرا ساخته است.

ادب و هنر

تحلیلی دیگر بر «رسوایی»

علیرضا بشیری

خلاصه داستان

داستان درباره دختری به نام «افسانه» است. دلربایی او که به مدد لباس و آرایش و رعایت نکردن حدود شرعی حجاب است باعث شده تا نگاه مردان محله را با خود همراه کند. افسانه به مدد همین عنصر از مردان زدی می‌کند و فقر و نداری خود را چاره می‌نماید. خانواده او متشکل است از مادری که فلج و لال است و برادری که از وی کوچک‌تر است. «آقا شریف» صاحبخانه آنهاست و قصد دارد تا با توسل به سفته‌های پدر افسانه که به رحمت خدا رفته است، افسانه را به عقد موقت خود در آورد. افسانه به دفتر آقا شریف می‌رود و سفته‌های پدر خود را از آقا شریف می‌دزد؛ غافل از اینکه دوربین دفتر آقا شریف همه چیز را ثبت کرده است. افسانه حوالی خانه با پلیس برخورد می‌کند و در یک تعقیب و گریز سر از منزلی در می‌آورد که منزل «حاج یوسف» روحانی محل است. افسانه به دلیل مراقبت‌های پلیسی مجبور می‌شود شب را در آنجا بماند و به همین دلیل متوجه کار شبانه حاج یوسف در باربری و سرزدن به یک خانواده در محله‌های پایین شهر می‌شود. حوادث بعدی و کج‌فهمی افسانه باعث می‌شود که آبروی حاج یوسف را برای اخذی به بازی بگیرد؛ غافل از اینکه سطور

تقدیر گونه‌ای دیگر را رقم زده است.

شخصیت‌های داستان

در این فیلم چند شخصیت عمده به تکمیل پازل‌های داستان در ذهن مخاطب کمک می‌کنند. شخصیت اول فیلم افسانه است. افسانه یک دختر جنوب شهری است. در داستان از افسانه فردی شوخ، بذله‌گو، مدعی، زیبارو و معتقد به دین، اما روی برگرداننده از آنها نشان داده می‌شود. به نظر می‌رسد شخصیت افسانه معجونی از چند شخصیت مستند فقر و فحشاست؛ اما این نکته باعث نشده تا شخصیت وی عمیق باشد. شخصیت دوم حاج یوسف است. بی‌اغراق شخصیت حاج یوسف در جایگاه روحانی میان فیلم‌های بلند سینمایی ساخته شده در ایران در ارتباطگیری با مخاطب موفق است. زبان بی‌آلایش حرکات محو، تواضع مورد انتظار و زندگانی ساده او در پس لهنجه دوست داشتنی‌اش مخاطب را وادار می‌کند که دیالوگ‌هایی که در حالت عادی خسته‌کننده می‌نماید را با اشتیاق گوش کند. ده‌نمکی و عبدی در خلق شخصیت دلنشین حاج یوسف به سلیقه عمومی مراجعه کرده‌اند و به جای اقتدار روحانی در اخراجی‌ها دلنشینی را جایگزین آن نموده‌اند.

شخصیت تأثیرگذار بعدی آقا شریف است. آقا شریف صاحبخانه خانواده افسانه است که سفته‌های زیادی از پدر او دارد. او چهره‌ای دورو و ریاکار دارد. نقطه اوج تأثیرگذاری او هنگامی است که با مدیریت چهل ارازل و اوباش محل و ضعف ایمان مردم محل، به تخریب و دروغ و تهمت می‌پردازد و حاج یوسف و افسانه را برای مدتی بی‌اعتبار می‌کند.

جعفر دیگر شخصیت تأثیرگذار فیلم است که به دلیل دست رد افسانه بر سینه خود با آقا شریف متحد می‌شود و به تخریب چهره حاج یوسف و بی‌آبرویی افسانه مبادرت می‌ورزد. دیگر شخصیت‌های داستان میرزا لحاف دوز، عضو هیئت امنای مسجد محل، مادر افسانه، حامد برادر او و دو دوست وی هستند.

اتفاقات فیلم

آیه ابتدایی فیلم در حقیقت نشان دهنده پیام اصلی داستان فیلم است. فیلم با آیه شریفه «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون» است. این آیه مربوط به افسانه است که قرآن او را خاشع خواهد کرد و پایان آن با «والعاقبة للمتقين» است که مربوط به عاقبت نیکی است که برای حاج یوسف در

هم فلج و لال است و برادر هم که به تازگی قدم در راه جوانی گذاشته است و نمی‌تواند به او امر و نهی نماید. از طرفی رفتار حاج یوسف نیز رفتار یک روحانی عارف نیست. کسی که با دختری شب تنها در خانه‌ای بماند و برایش شام درست کند و شب بر بالینش حافظ بخواند و از پشت سر نگاهش کند و در جلو سر به زیر بیفکند و نداند که از پشت بام هم می‌توان گریخت؛ هر چه هست عارف نیست.

تمام پیام‌های مد نظر کارگردان بنا به عادت وی از زبان شخصیت‌های داستان می‌گذرد و نیازی به کند و کاو مخاطب نیست. این مقوله همان قدر که ضعف تلقی می‌شود نقطه قوت نیز هست؛ پیام اصلی داستان همان آیه ابتدایی فیلم «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جِبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبَهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» است که خداوند به وسیله قرآن و تبیین‌کنندگان آن مردمان را در برابر خداوند خاشع می‌سازد. ♦

پی‌نوشت:

۱. این مستند در سال ۱۳۸۲ به کارگردانی مسعود ده‌نمکی ساخته شده است و به موضوع فاصله طبقاتی و قاچاق زنان ایرانی می‌پردازد.

۲. این مستند در سال ۱۳۸۵ توسط مسعود ده‌نمکی ساخته شده و درباره شهر آورد تهران است.

اصلی خود به گونه‌ای دیگر. این در حقیقت برجسته سازی چندلایگی شخصیت مردان است. معذرت‌خواهی آقا شریف از عکس همسر مرحوم خود اشاره به جایگاه خانواده در ایران دارد؛ اما این پلان در حقیقت برای مقایسه همین رفتار با نگاه حاج یوسف به تصویر همسر مرحومش است که روی طاقچه یاد او را گرمی می‌دارد، بر عکس آقا شریف که عکس همسرش درون کشوی میز اوست.

دو دوست افسانه هم برای حصول یک نتیجه در کنار او ایستاده‌اند، آن هم اینکه هر چند افسانه قربانی آقا شریف نمی‌شود، اما بسیاری از کسانی که قربانی مطامع دیگران می‌شوند. شاید این نیز دلیل دیگری باشد بر اینکه داستان این فیلم از زمان ساخت مستند فقر و فحشا کلید خورده است.

شخصیت‌های داستان رسوایی با اینکه پخته‌تر از شخصیت‌های اخراجی‌های دو و سه به نظر می‌رسند؛ اما غیر از دو شخصیت حاج یوسف و میرزا پیرمرد لحاف دوز بازار، بقیه شخصیت‌ها همچنان بدون عمق باقی مانده‌اند.

نتیجه‌گیری

داستان طوری سازمان یافته که هیچ‌کس نتواند با افسانه مخالفت کند. پدر افسانه مرده است و مادرش

سایه تقوا و امانت‌داری حاصل می‌شود. کارگردان علاقه وافری به ارائه طرح‌های اسلیمی در گوشه و کنار و حتی مرکز تصویر داشته است. حتی در چند پلان شخصیت‌ها در جایی غیر از مرکز تصویر به بازی گرفته شده‌اند تا نمادهای هشتی و محراب بیشتر و بهتر به چشم بیاید. هم‌زمان با تیتراژ فیلم، آذان مرحوم مودن زاده پخش می‌شود که اگر آن را کنار هشتی‌ها و طرح‌های اسلیمی که از ابتدای تیتراژ تا آخرین سکانس فیلم در جای جای لوکیشن‌ها دیده می‌شود بگذاریم، خط سیری را در داستان می‌بینیم که همه جا را محل عبادت می‌داند. از آنجا که ده‌نمکی عادت دارد پیام داستان‌هایش را حتماً در دیالوگ‌ها نیز استفاده کند، همین جمله به گونه‌ای از زبان سرباز نیروی انتظامی خارج می‌شود.

یکی از شخصیت‌های درجه چندم این فیلم به جهت نگاه منفی این فیلم و کارگردانش به زن از بازی در این فیلم ابراز ندامت کرد. اما بر عکس نظر ایشان در این فیلم انسان‌های مذکر به دو دسته تقسیم می‌شوند. این نکته را می‌توان در دیالوگ افسانه در پاسخ به ادعای سایه بالاسر بودن جعفر مشاهده کرد: «زن قداست داره، واسه سایه بالاسر بودن باید مرد بود نه فقط نررررر»، یا همین دوگانگی آقا شریف در محل کار خود که در محله به گونه‌ای زندگی می‌کند و در دفتر



روحانی‌گرمی؛

اهتمام شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود قطعاً نشان راه ما در طریق ارتقای همه جانبه نشریه آموزشی - فرهنگی مسجد خواهد بود.

برای ارسال فرم تنها آن را جدا کرده و بدون پاکت پستی و الصاق تمبر در صندوق پست بیاورد.

فرم نظر سنجی

ماهنامه مسجد شماره ۱۶۷

نام و نام خانوادگی : تحصیلات کلاسیک : تحصیلات حوزوی :
 آدرس منزل :
 پست الکترونیکی :
 مشخصات محل خدمت (مسجد) :
 نام مسجد تحت مدیریت :
 آدرس پستی :
 تلفن تماس :
 در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید:

تهران صندوق پستی ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۳۱۸۹/۱۹۷ پرداخت شده است
 لطفاً پس از تکمیل فرم را به داخل صندوق پست بیندازید

«ویژگی‌های مدیران»

معیارشناسی انتخاب مدیران با تأکید بر رویکرد اسلامی»

فاطمه زمانی



فصل دوم این کتاب به «آسیب‌شناسی مدیریت اسلامی» اختصاص یافته و در آن سیزده موضوع درباره آسیب‌های پیش روی مدیران یک مجموعه معرفی شده‌اند که عبارت است از: اسراف؛ تکبر و غرور؛ ترس؛ شتاب‌زدگی؛ ثروت‌اندوزی؛ مشورت با ناهلان؛ رابطه محجوری؛ تحکم؛ ناهماهنگی و بی‌نظمی؛ رشوه و ارتشاء؛ سوء استفاده از مقام؛ بی‌توجهی نسبت به عملکرد کارکنان. هر کدام از این مواردی که در کتاب به عنوان آسیب ذکر شده است می‌تواند همچون سمی مهلک شیرازه یک مجموعه را از هم پاشد و آنان را از دست‌یابی به اهداف خود باز بدارد. آگاهی و توجه به این آسیب‌ها لازمه حرکت یک مجموعه در نگاه مدیر آن است.

«ارزیابی مدیران» عنوان فصل سوم و پایانی کتاب است. این فصل در نگاهی کلی و کوتاه به فرآیند ارزیابی در مدیریت پرداخته است. نویسنده ضمن بیان روش اولویت‌بندی انتخاب مدیران و ارائه روش تحلیل پرسشنامه، به ذکر یک نمونه جهت درک بهتر روش تحلیل پرداخته است.

کتاب «ویژگی‌های مدیران» معیارشناسی انتخاب مدیران با تأکید بر رویکرد اسلامی» اگر کتابی جامع در حوزه مطالعات مدیریت درباره رویکرد اسلامی نیست، ولی با بیان روان، دسته‌بندی مناسب و بهره‌گیری مفصل از آیات و روایات در حجمی حدود ۱۶۰ صفحه توانسته است گامی مفید در این راستا بردارد. امید به اینکه مطالعه این کتاب بتواند مدیران فرهنگی مساجد را گامی به سوی تحقق آرمان‌های والای اسلامی رهنمون سازد. ♦

هرگاه گروهی از انسان‌ها برای نیل به هدفی خاص گرد هم می‌آیند، لازمه موفقیت آنان آگاهی به آنچه دارند و آنچه می‌خواهند است. در امور مادی و تجاری و جایگاه‌های اجتماعی این امر ملموس‌تر و بر خلاف آنچه در ظاهر نمایان است در امور معنوی و فرهنگی کار کمی دشوارتر و پیچیده‌تر است. اقدامات فرهنگی و اداره نهادی همچون مسجد از مصادیق دست دوم کار گروهی است که ضمن داشتن برنامه نیازمند سازمان و مدیریتی با تدبیر است. کتاب «ویژگی‌های مدیران» ضمن یاری مسئولان جهت شناسایی و روش شناخت مدیران با تأکید بر رویکرد اسلامی، به ماکمک می‌کند نگاه مشخص‌تری نسبت به مدیریت و رهبری یک مجموعه، به ویژه مجموعه‌ای فرهنگی در فضای اسلامی و اهداف دینی، داشته باشیم. این کتاب به همت مصطفی مؤمنی، در سه فصل کلی تدوین شده است. فصل اول با عنوان «ویژگی‌های مدیران» داری سه بخش است: الف) ویژگی‌های بنیادین شامل: ایمان؛ انگیزه؛ بینش؛ اعتماد به نفس؛ توکل. ب) ویژگی‌های فردی شامل: هدف‌مداری؛ سعه صدر؛ دانش محجوری؛ تلاش دائمی؛ ساده زیستی؛ توان جسمی؛ ارزیابی خود؛ خلاقیت. ج) ویژگی‌های سازمانی شامل: پیشگامی؛ قاطعیت؛ نظارت مشارکت؛ شناخت تهدیدها و موانع؛ بهره‌گیری از فرصت‌ها و موانع؛ تشویق و تنبیه. نویسنده محترم در هر بخش ضمن بیان کلیات و تعریف هر اصطلاح با بهره‌گیری از منابع اسلامی به تحلیلی و بررسی هر کدام از این ویژگی‌ها پرداخته و اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده کتاب قرار داده است.



۵. پرداختن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می‌کنید:

آموزشی مهارتی ترویجی فرهنگی سیاسی اجتماعی

۶. پیگیری کدام مطلب از سرویس‌های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می‌دانید:

آموزشی مهارتی ترویجی فرهنگی سیاسی اجتماعی

۷. سبک نوشتاری و ویرایش مطالب در هر بخش از سرویس‌ها چگونه است؟

منبر: عالی خوب مناسب ضعیف
 رواق: عالی خوب مناسب ضعیف
 محراب: عالی خوب مناسب ضعیف
 شبستان: عالی خوب مناسب ضعیف

۸. صفحه آرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عالی خوب مناسب ضعیف

۹. طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده‌اند؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم

۱۰. بهترین مقاله از نظر شما کدام مقاله است؟ صفحه

۱۱. بهترین طرح صفحه از نظر شما کدام است؟ صفحه

۱۲. بهترین تیتراژ نظر شما مربوط به کدام مطلب است؟ صفحه

۱. سطح علمی مطالب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

منبر: تخصصی معمولی ضعیف
 رواق: تخصصی معمولی ضعیف
 محراب: تخصصی معمولی ضعیف
 شبستان: تخصصی معمولی ضعیف

۲. سطح کاربردی مطالب را تا چه حد مفید می‌دانید؟

منبر: خیلی مفید مفید در برخی موارد ضعیف
 رواق: خیلی مفید مفید در برخی موارد ضعیف
 محراب: خیلی مفید مفید در برخی موارد ضعیف
 شبستان: خیلی مفید مفید در برخی موارد ضعیف

۳. حجم مطالب در هر سرویس چگونه است؟

منبر: خیلی زیاد زیاد متوسط کم
 رواق: خیلی زیاد زیاد متوسط کم
 محراب: خیلی زیاد زیاد متوسط کم
 شبستان: خیلی زیاد زیاد متوسط کم

۴. تنوع موضوعات و عناوین در هر سرویس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

منبر: عالی خوب مناسب کم
 رواق: عالی خوب مناسب کم
 محراب: عالی خوب مناسب کم
 شبستان: عالی خوب مناسب کم